روزنـامه مدیریتـی - اقتصـادی

فرصت امروز

بـرای کسـب وکـار آفـرینی

یکشنبه
۱۴ بهمن ۱۴۰۳

Sun.2 Feb 2025

۳ شعبان ۱۴۴۶ - سـال نهم

شماره ۲۶۳۵

۸ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

www.forsatnet.ir

روند صعودی ارزهای دیجیتال ادامه دارد

به سوی بیت‌کوین ۱۲۰ هزار دلاری

ارزهای دیجیتال در سـال ۲۰۲۵، بازار ناآرامی را آغاز کردند اما بیت‌کوین، ماه ژانویه را با رشـد ۱۱.۵ درصـدی به پایان رسـاند و همچنان در بـالای قیمت ۱۰۰ هزار دلاری قـرار دارد. پیش‌بینی‌ها از ادامه روند صعودی ارزش بیت‌کوین تا حدود ۱۲۰ هزار دلار حکایت دارد. رشـد ۱۱.۵ درصدی ارزش بیت‌کوین در ماه ژانویه و روند قیمتی آن، نوعی غافلگیری برای فعالان بازار ارزهای دیجیتال...

۵

سرمایه‌ها در سال جدید میلادی به کجا می‌روند؟

۵ ترند سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۲۵

فرصت امروز: در گذشته، یک راه نسبتا مطمئن برای سرمایه‌گذاری در ترندهای کلان، چیزی نبود جز خرید سهامِ به اصطلاح چرخه‌ای، در مواقعی که اقتصاد در حال رشد است و خرید سهام تدافعی، در مواقعی که اوضاع اقتصادیَ خراب است، اما امروزه تحولات فناوری و تحولات ژئوپلیتیکی از اعتماد به این الگو کاسته‌اند. سهام چرخه‌ای به سهامی می‌گویند که قیمت آن تحت تأثیر اقتصاد کلان است. روند چرخشی قیمت سهام همانند چرخه‌های اقتصادی است و به ترتیب ثبات و رشد و رونق و افول شکل می‌گیرد. اکثر سهم‌هایی که در طبقه بندی چرخه‌ای قرار می‌گیرند مربوط به شرکت‌هایی است که کالاهایی را می‌فروشند که درآمد و فروش آنها در ارتباط با قدرت خرید مشتری است. چون وضعیت اشتغال و دستمزد بر فروش آنها تأثیر می‌گذارد. سهام تدافعی یا دفاعی (defensive stock) به سهم‌هایی می‌گویند که در شرایط مختلف بازار، از نظر سوددهی و سرمایه‌گذاری در وضعیت ثابتی قرار دارند. سهام تدافعی نسبت به نوسانات بازار بورس حالت ثابتی دارد و سود مستمری به سهامداران می‌دهد. این سهم‌ها معمولا تقاضای ثابتی دارند و بنابراین از نظر سوددهی وضعیت ثابتی دارند. سهام تدافعی ربطی ندارد به سهام صنایع دفاعی که در زمینه تجهیزات نظامی فعالیت می‌کنند. چشم‌انداز سرمایه‌گذاری ممکن است همچنان غیرقابل پیش‌بینی‌تر شود، چراکه دونالد ترامپ به کاخ سفید بازگشته است. با این حال، تیم مالی فورچون، ایده‌هایی برای سرمایه‌گذاری در بازار...

۲

از هر ۱۰ تا چک، یکی برگشت می‌خورد

جولان پاییزی چک برگشتی

۳

مدیریت و کسب‌وکار

مدیریت نیروی انسانی در سال ۲۰۲۵

دنیای کسـب و کار مثل ارکسـتری پیچیده است که در آن هر ساز نقشی اساسی دارد. در این میان نیروی انسانی همان موسیقی‌دانی است که کیفیت اجرایش می‌تواند صدای برند را ماندگار یا گم شده در میان انبوهی از صداها کند. برای دهه‌ها مدیران تنها به داشـتن کارمندانی حرفه‌ای و متخصص بسـنده کرده‌اند، غافل از اینکه مهارت و تخصص بدون مدیریت هوشـمندانه مانند موتوری بدون سوخت است. استخدام افراد شایسته گام نخست است، اما مدیریت این افراد با برنامه‌ریزی، انگیزش و هماهنگی اصل ماجراست. در سال‌های اخیر تحولات دیجیتال و تغییرات اقتصادی چالش‌های جدیدی را به مدیریت منابع انسانی تحمیل کرده‌اند. به طوری که در سـال جدید مفاهیم سـنتی مدیریت نیروی انسانی به سـرعت جای خود را به رویکردهای خلاقانه‌تر و مبتنی بر تکنولوژی داده‌اند. برندهای برتر در این حوزه به دنبال خلق مدل‌هایی هستند که نه تنها بهره‌وری را...

۸

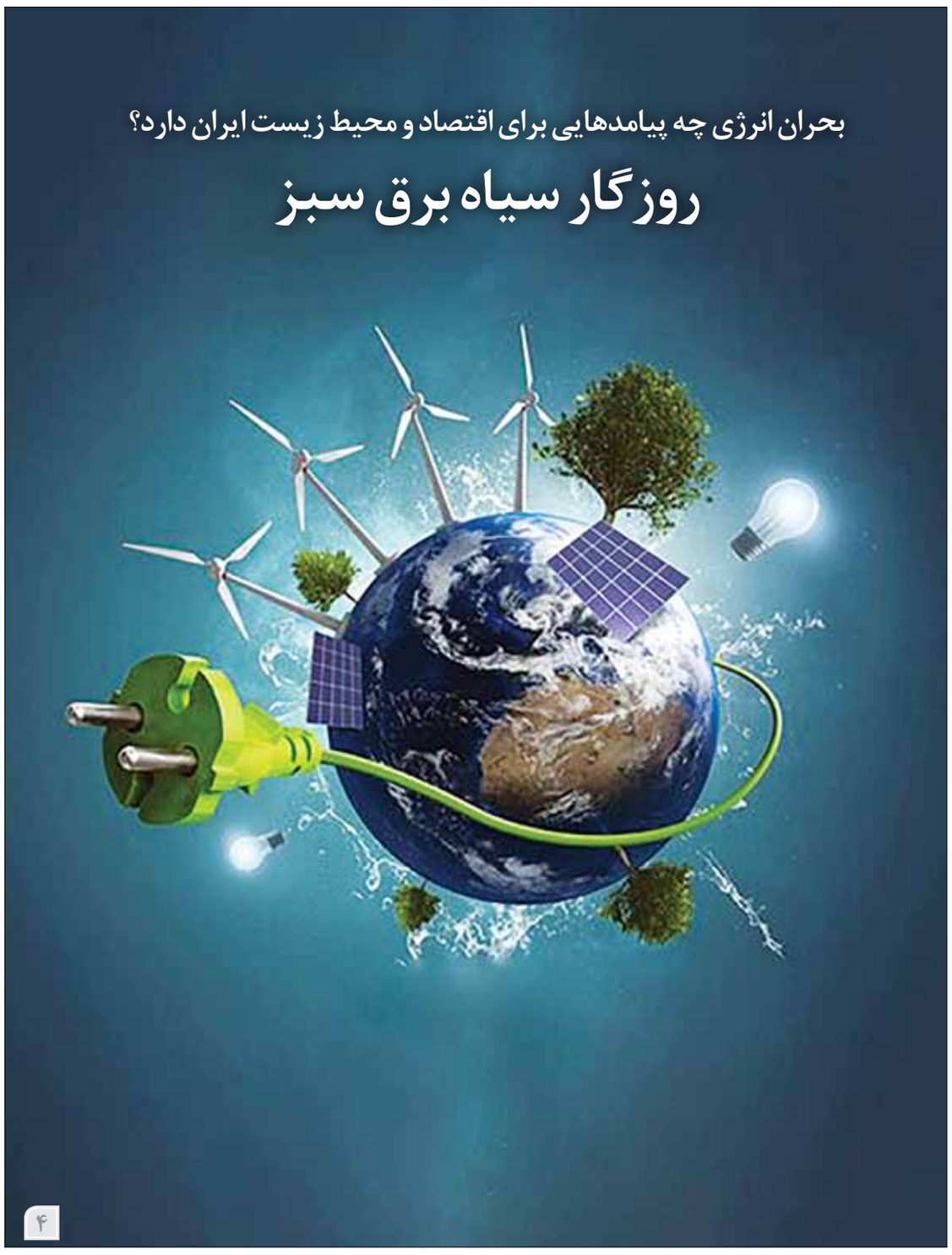

بحران انرژی چه پیامدهایی برای اقتصاد و محیط زیست ایران دارد؟

روزگار سیاه برق سبز

۴

سرمقاله

نوسانات ارزی و آینده کسب وکارها

کسری کاخ‌ساز
پژوهشگر اقتصادی

نمی‌توان این واقعیت را کتمان نمود که تحولات ارزی در سال‌های اخیر به یکی از چالش‌های اقتصاد ایران تبدیل شـده است. نوسانات شدید نرخ ارز، کاهش ارزش پول ملی و افزایـش قیمت‌ها، تأثیری عمیق بـر زندگی روزمـره مردم و وضعیت کسـب‌وکارها گذاشته است. سیاسـت‌های ارزی دولت و بانک مرکـزی به‌عنوان ابزار اصلی مدیریـت ایـن چالش، بـا هدف کنترل بازار ارز و حمایت از تولید و تجارت به کار گرفته شده‌اند، اما آیا این سیاسـت‌ها موفق بوده‌اند؟ به نظر می‌رسد نوسـانات ارزی و تغییـرات ناگهانی نرخ ارز، نه تنها زندگی عادی شـهروندان را تحت تأثیـر قرار داده، بلکه بر سـاختار تولید، تجارت و سرمایه‌گذاری نیز اثراتی عمیق برجا گذاشـته است. این موضوع، به‌ویژه در شـرایطی کـه تحریم‌هـا و محدودیت‌های بین‌المللی شدت یافته‌اند، اهمیت بیشـتری پیدا کرده اسـت. برای مـردم عـادی، نوسـانات ارزی با افزایش هزینه‌های زندگی، کاهش قـدرت خرید و سـخت‌تر شـدن معیشت همراه بوده و کسب‌وکارها نیز با چالش‌های جدی در تأمین مواد اولیه، کاهش سـرمایه‌گذاری و رقابـت در بازارهـای داخلـی و خارجـی مواجه شـده‌اند. در این مقاله ابتدا به بررسـی ریشه‌های نوسـانات ارزی و سیاسـت‌های دولت خواهیم پرداخت و سپس به دنبال راهکارهایی خواهیم بود که می‌توانند اقتصـاد ایران را از برزخ این مشکلات، نجات دهند.

ادامه در همین صفحه

نوسانات ارزی و آینده کسب وکارها

تحولات ارزی در ایران؛ ریشه‌ها و راهکارها

اقتصاد ایران در یک دهه اخیر بارها با نوسانات ارزی مواجه شده است، اما شدت چالش کنونی به دلایل چندگانه مرتبط است. ریشه‌یابی این تحولات، نیازمند بررسی عوامل داخلی و خارجی است که به تضعیف پول ملی و ایجاد نوسانات شدید در بـازار ارز منجر شـده‌اند. این عوامل شـامل «تحریم‌های اقتصادی»، «سیاسـت‌های اقتصادی داخلی»، «وابستگی به نفت»، «نوسـانات روانی و سفته بازی» و «تغییرات جهانی» اسـت. یکـی از مهمترین عوامـل تحـولات ارزی در ایران، تحریم‌های بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه نفت و بانکداری است. کاهش صادرات نفت، محدودیت دسترسـی به ارز خارجی و بلوکه شـدن دارایی‌های ایران در خارج از کشور، ذخایر ارزی را به شدت تحت فشار قرار داده است. همچنین سیاست‌های ناکارآمـد ارزی، از جملـه تخصیـص ارز ۴۲۰۰ تومانـی به واردکنندگان، عدم شـفافیت در بازار ارز و سوءاسـتفاده‌های احتمالی، به بدتر شـدن اوضاع دامن زد. این سیاست‌ها باعث ایجاد رانت و فسـاد، هدررفت منابع ارزی و کاهش اعتماد به سیاستگذاری دولت شده است. از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از درآمدهای ارزی ایران به صادرات نفت وابسته است. کاهش قیمت جهانی نفت و یا تحریم‌های نفتی باعث کاهش ورودی ارز به کشـور شـده و در نتیجه، کمبود عرضه ارز در بازار به افزایش قیمت‌ها دامن زده است.

در همین حال، عدم اطمینـان به آینده و تورم بالا، منجر به افزایش تقاضای سـفته‌بازی برای ارز شـده است. بسیاری از مـردم و شـرکت‌ها برای حفـظ ارزش دارایی‌های خود به خرید ارز روی آورده‌اند که این امر نوسـانات بازار را تشـدید کرده اسـت. در سـال‌های اخیر همچنین سیاست‌های پولی سـخت‌گیرانه در کشـورهای توسـعه‌یافته، از جمله افزایش نرخ بهره توسـط بانک مرکزی آمریکا، باعـث تقویت ارزش دلار در بازارهای جهانی، افزایش هزینه اسـتقراض خارجی، تورم وارداتی و کاهش جریان سـرمایه به کشورهای در حال توسـعه شده است. این امر نه تنها بر کاهش ارزش پول ملی در بسـیاری از کشـورها همچون ایران تأثیر گذاشـته، بلکه دسترسـی به منابع مالی و تجارت جهانی را برای کشورهای در حال توسعه دشوارتر کرده است. برای درک بهتر ابعاد این چالش، کافی اسـت نگاهی به روند نرخ ارز در سال‌های اخیر داشـته باشیم. نرخ دلار که در سـال ۱۳۹۰ حدود یک هزار تومان بود، در سـال ۱۴۰۳ از مرز ۸۰ هزار تومان عبور کرد. این رشـد سرسام‌آور، فشـار زیادی را به اقتصاد وارد کرده و قدرت خرید مردم را به شدت کاهش داده است.

سیاست‌های دولت؛ راه‌حل یا عامل نوسان ارزی؟

در تـلاش برای کنتـرل نوسـانات ارزی، دولت‌ها در ایران سیاست‌های متفاوتی را به‌کار گرفته‌اند. این سیاست‌ها با هدف تثبیت نرخ ارز، کنترل تورم و حمایت از تولید داخلی طراحی شده‌اند، اما آیا این سیاسـت‌ها موفق بوده‌اند یا به پیچیده‌تر شدن چالش کمک کرده‌اند؟ از جمله این سیاست‌ها می‌توان به ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی، ارز نیمایی، بازار ثانویه و اخیرا، بازار ارز تجاری اشاره کرد. از سال ۱۳۹۷ و با خروج آمریکا از برجام، دولت تصمیم به تخصیص ارز ترجیحی با نرخ ۴۲۰۰ تومان به کالاهای اساسی گرفت. هدف از این سیاست، آن بود که قیمت کالاهای اساسـی مانند گندم، دارو و... برای مردم ارزان‌تر تمام شـود، اما در عمل سوءاستفاده‌ها و رانت‌ها باعث شـد که ارز دولتی به بازار آزاد وارد شـود و قیمت‌ها افزایش یابـد. از طرفی، تخصیص این میـزان ارز به کالاهای خاص، منابع ارزی کشور را تحت فشار قرار داد و منجر به کمبود ارز در بازار آزاد و نوسانات شدید قیمت‌ها شد. سیاست ارز نیمایی نیز در راسـتای کاهش فاصله بین نرخ ارز دولتی و بازار آزاد، در سـال ۱۳۹۸ معرفی شد. در این سیاست، قیمت ارز برای واردات کالاهای غیرضروری و سـرمایه‌ای از طریق یک بازار نیمه‌آزاد تعیین می‌شـد. این سامانه نیز چالش‌ها و نقدهایی به همراه داشـت کـه از جمله آن می‌توان به عدم شـفافیت (فاصله زیاد بین نرخ نیمایی و بازار آزاد به نوسـانات شـدید نرخ ارز منجر شد)، افزایش تقاضای غیررسمی (این سیاست باعث شـد تقاضا برای ارز در بازار آزاد همچنان بالا بماند و با توجه به محدودیت عرضه، نوسـانات شدید ادامه یابد) و عدم ایجاد تعادل (این سیاست نتوانست تعادل میان منابع ارزی و تقاضای بـازار ایجاد کند و در نهایت به افزایش قیمت ارز در بازار آزاد منجر شد) اشاره نمود.

از سوی دیگر، دولت برای مدیریت مشکلات ارزی و کاهش فشـار روی منابـع ارزی، بازار ثانویـه ارز را معرفی کرد. این بـازار به‌عنوان یک مکان برای خریـد و فروش ارز با نرخ‌های نزدیک بـه بازار آزاد طراحی شـده بود، امـا تحت نظارت و محدودیت‌های دولتی. هدف این بود که با تخصیص ارز به این بازار، دولت بتواند نیازهای غیرضروری واردات را از بازار رسمی تأمین کند، در حالی که نوسانات کمتری نسبت به بازار آزاد داشته باشد. با این حال، مشکل اصلی اینجا بود که عملا نرخ ارز در بازار ثانویه هنوز نسبت به بازار آزاد پایین‌تر بود و تقاضا برای ارز همچنان بالا بود. بنابراین بسیاری از افراد و شرکت‌ها ترجیـح می‌دادند از این بـازار ارز خریداری کنند، اما به‌دلیل فاصلـه زیاد قیمـت ارز در بازار ثانویه و بازار آزاد، فشـارهای ارزی ادامه داشـت. نوسـانات بازار، باعـث بی‌اعتمادی مردم و فعالان اقتصادی به سیاسـت‌های ارزی شـد و تاثیر منفی بسـیاری در بخش‌های مختلف اقتصاد به‌جا گذاشـت. یکی دیگر از پیامدهای سیاست ارزی دولت، قاچاق ارز و کالاست. در پـس چند نرخی بودن ارز و تفاوت قیمت‌ها بین بازار آزاد و نرخ‌های دولتی موجب شد که ارز به‌طور غیرقانونی از کشور خارج شود یا کالاهایی که ارز دولتی دریافت کرده‌اند، در بازار آزاد فروخته شـوند. مرکز پژوهش‌های مجلس اخیرا گزارش داده که حجم اقتصاد غیررسمی در سال جاری به حدود ۳۲ میلیارد دلار رسیده است. این موضوع به تشدید نوسانات ارزی و ایجاد رانت در اقتصاد کشـور و از دسـت رفتن فرصت‌های شـغلی متعدد منجر شـد. بدین ترتیب، سیاست‌های ارزی اتخاذ شده بر تجارت خارجی و واردات و صادرات، تأثیر منفی گذاشـت و کاهش ارزش پول ملی باعث شد واردات کالاها با هزینه بیشـتری انجام شود. در همین حال، نوسانات نرخ ارز، کسب‌وکارها را با چالش قیمت‌گذاری محصولات و تأمین مواد اولیه مواجه کرد.

در ایـن میان، بـازار ارز تجاری با هدف ایجـاد نرخ مبنا و حرکت به سمت تک نرخی شدن ارز، از اول بهمن ماه امسال شروع به فعالیت کرد. شاید بتوان گفت که بازار ارز تجاری یک سیاست ارزی نیست، بلکه پیشـرفتی در سیاستگذاری‌های ارزی اسـت. در بازار نیما امکان معامله مبتنی بر حراج وجود نداشـت و خریدار و فروشنده یک نرخ را در بازار نیما اظهار و نرخ دیگری را با یکدیگر معامله می‌کردند. در بازار ارز تجاری، امکان ارتباط مستقیم میان عرضه‌کننده و خریدار ارز، از میان برداشته شده و همچنین براساس یک مکانیزم توافقی، انگیزه عرضه کننده برای اینکه ارز حاصل از صادرات خود را در بازار به فروش برساند، تقویت شـده و با کاهش اختلاف نرخ بازار ارز تجاری با بازار آزاد، می‌توان گفت که توزیع رانت ارزی در مقیاس بیشـتری کاهش پیدا کرده است. این اقدامات از نظر اجرایـی تا حدی وضعیت نظام ارزی کشـور را متعادل کرده اسـت، با این حال هنوز سیاست ارزی بانک مرکزی به عنوان سیاسـتگذار به خوبی مشخص نیست، اما می‌توان از رویکرد بانک مرکزی به این نتیجه رسـید که به مـروز زمان به این موضوع پی برده که نباید فاصله میـان بازار آزاد و بازار ارزی کشور بیشتر شود. هرچه فاصله میان نرخ بازار ارز تجاری یا به اصطلاح، بازار رسمی ارز و بازار آزاد کمتر باشد، ثبات در این بازار بیشـتر خواهد بود و بازار ارز در مجموع با ثبات‌تر و کم نوسان‌تر خواهد شد.

ردپای نوسانات ارزی در زندگی روزمره مردم

نوسـات ارزی، نه تنها اقتصاد کلان کشور را تحت فشار قرار داده، بلکه تأثیر مسـتقیم و ملموسی بر زندگی روزمره مردم و آینده کسـب‌وکارها داشته است. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، افزایش قیمت کالاهای وارداتی است. با افزایش نرخ ارز، قیمت کالاهای خارجی به‌شدت بالا رفته و این موضوع موجب افزایش هزینه‌ها برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان داخلی شـده است. بسـیاری از کسـب‌وکارهایی که به واردات مواد اولیه و قطعات ماشین‌آلات نیاز دارند، با مشکلات جدی مواجه شده‌اند. این امر باعث شـد که بسـیاری از شرکت‌ها نتوانند به فعالیت خود ادامه دهند و یا مجبور به کاهش تولید شوند. برای مردم، نوسانات شدید قیمت ارز به معنای افزایش قیمت کالاها، به‌ویژه کالاهای اساسی مانند مواد غذایی، دارو و سایر نیازهای روزمره اسـت. بسیاری از خانوارها با کاهش قدرت خرید مواجه شدند و در برخـی موارد، مصرف برخـی از کالاهای ضروری کاهش یافت. از سوی دیگر، این تحولات باعث شده که تورم بالا، فشار زیادی به طبقات متوسـط و پایین جامعه وارد کند. همچنین کسب‌وکارهای کوچک که به واردات و تأمین مواد اولیه خارجی وابسـته بودند، با مشکلات زیادی روبه‌رو شدند. بسیاری از این کسب‌وکارها که قبلا توانسته بودند با نرخ ارز پایین‌تر مواد اولیه وارد کننـد، اکنون مجبور به پرداخت قیمت‌های بالاتری برای تأمین مواد اولیه شـده‌اند. در نتیجـه، افزایش هزینه‌ها باعث کاهش حاشیه سود و در برخی موارد، تعطیلی کسب‌وکارهای کوچک شـد. این تأثیرات، نه تنها در سطح مصرف‌کنندگان و کسـب‌وکارها بلکه در بازار کار هم نمایان شـده است. افزایش هزینه‌های تولید باعث شده بسـیاری از شرکت‌ها برای حفظ تعادل مالی خود به کاهش نیروی انسانی روی آورند که این امر باعث افزایش بیکاری و تنش‌های اجتماعی شد.

تردیدی نیسـت که نوسـانات ارزی، یکی از پیچیده‌ترین چالش‌هـای اقتصادی کشورهاسـت که می‌تواند مسـتقیما بر رشـد اقتصادی، تجـارت خارجی و معیشـت مردم تأثیر بگـذارد. برای مقابله با چنین بحران‌هایی، کشـورها با توجه به شـرایط خاص خود، سیاسـت‌های ارزی متنوعی را به‌کار گرفته‌انـد که در بسـیاری از موارد اثربخش بوده اسـت. در این بخش با اسـتفاده از اصول علمـی و تجربیات جهانی به بررسـی راهکارهای مناسـب برای اقتصاد ایران می‌پردازیم. این راهکارها شـامل «اصلاح سیاسـت‌های ارزی و انتقال به یک سیاسـت ارزی واحد و شفاف»، «تقویت تولید داخلی و صـادرات غیرنفتی»، «ایجاد صندوق‌های ارزی برای مدیریت نوسـانات بازار»، «بهبود نظام بانکـی و تقویت نقش فناوری در مدیریـت چالـش ارزی»، «مبـارزه با قاچاق ارز و فسـاد اقتصادی»، «تقویت منابع ارزی از طریق جذب سـرمایه‌های خارجی» و «توجه به اقتصاد دیجیتال و رمزارزها» است.

۷ راهکار پیشنهادی برای مقابله با نوسانات ارزی

یکـی از مهمترین گام‌ها بـرای مقابله با نوسـانات ارزی، «اصلاح سیاسـت‌های ارزی» است. در بسیاری از کشورهای موفـق در مدیریت بحران‌های ارزی، انتقال به یک سیسـتم ارزی شـفاف و یکپارچه، یکی از اولین اولویت‌ها بود. در این راستا، ایران باید از سیاست‌های چندگانه، مانند ارز ترجیحی و نیمایی فاصله بگیرد و به یک سیستم ارزی واحد و شفاف روی آورد. این کار می‌تواند با اعتمادسازی در بازار ارز و جلوگیری از رانت‌های ارزی به کاهش نوسانات کمک کند. تجربه ترکیه و آرژانتین نشان می‌دهد که استفاده از سیاست‌های ارزی ثابت و پیش‌بینی‌پذیر باعث تقویت اعتماد عمومی به نرخ ارز می‌شود. از دیگـر راهکارهای موثر برای کاهش وابسـتگی به ارزهای خارجـی، «تقویت تولید داخلی و صادرات غیرنفتی» اسـت. کشورهایی مانند کره جنوبی و چین با سیاست‌های حمایتی و ارائه تسـهیلات برای تولیدکنندگان داخلی، موفق شـدند تولیـدات خود را افزایش دهند و درآمدهای ارزی غیرنفتی را تقویـت کنند. در ایران با توجه به تحریم‌ها و محدودیت‌های صـادرات نفت، باید توجه ویژه‌ای به صادرات غیرنفتی و تنوع سـبد صادراتی داشـته باشیم. اسـتفاده از تسهیلات مالی و ارزی بـرای فعالان اقتصادی می‌تواند بـه افزایش صادرات و کاهش فشـار بر منابع ارزی کمک کند. همچنین بسیاری از کشورها به‌ویژه در شرایط بحران ارزی، از «صندوق‌های ارزی» برای مدیریت نوسـانات بازار استفاده کرده‌اند. این صندوق‌ها می‌تواننـد با خرید و فروش ارز در بازار آزاد، عرضه و تقاضا را تنظیم کنند و از ایجاد نوسـان شدید جلوگیری کنند. چین، هند، روسـیه و برزیل از کشـورهای موفق در استفاده از این روش هستند. ایجاد چنین صندوق‌هایی می‌تواند در ایران به کاهش نوسـانات ارزی کمک کرده و با حفظ ارزش پول ملی کشور، ثبات نسبی در بازار ارز ایجاد کند.

یکـی از چالش‌های اصلی در سیاسـتگذاری ارزی، ضعف عملکـرد نظام بانکی به دلیل محدودیت تحریم‌هاسـت. این محدودیت‌هـا، به‌ویـژه در بخش اتصال به شـبکه‌های مالی بین‌المللی، موجب شـده تا بانک‌های ایرانی (حتی بانک‌های خصوصی که پیش‌تر توانمندی بالایی داشتند) نتوانند نقش مؤثری در تسـهیل مبادلات ارزی ایفا کننـد. برای مقابله با ایـن چالش، تقویت زیرسـاخت‌های بانکـی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ضروری اسـت. تجربه هند و مکزیک نشان داده که توسـعه سیسـتم‌های پرداخت داخلـی و بانکداری دیجیتال می‌تواند نه‌تنها شفافیت مالی را افزایش دهد، بلکه از قاچاق ارز و خروج سرمایه جلوگیری کند. در ایران، گسترش بانک‌های دیجیتال و تقویت پرداخت‌های الکترونیکی می‌تواند هزینـه مبـادلات ارزی را کاهش داده، جریان‌هـای مالی را شفاف‌تر کند و وابستگی به ارز نقدی را به حداقل برساند. در همین حال، رشـد قاچاق ارز و فساد اقتصادی باعث می‌شود منابع ارزی به‌طور غیرقانونی از کشـور خارج شـوند و ارز به نرخ‌های غیررسـمی به دست افراد خاصی برسد. برای مقابله با این مشـکل باید نظارت‌های دقیـق و کنترل‌های مالی در مرزها و بازارهای ارز اعمال شود. تجربه ونزوئلا نشان می‌دهد که با استفاده از سیستم‌های مالی شفاف و نظارت‌های قوی، می‌توان مانع از خروج غیرقانونی ارز از کشـور شد. در ایران، پایش و نظارت بر نقل‌وانتقالات ارزی باید به‌طور جدی انجام شود تا از سوءاستفاده‌ها جلوگیری گردد.

برخی کشـورها همچـون آفریقای جنوبـی و تایلند نیز با جذب سـرمایه‌های خارجی توانسـته‌اند منابع ارزی خود را تقویـت کنند. ایران هم با بهبود شـرایط اقتصـادی و ایجاد مناطق آزاد تجاری و پروژه‌های مشـترک با کشورهای دیگر، می‌تواند جذب سـرمایه‌گذاری خارجی را تسهیل کرده و به تقویت منابع ارزی کشـور کمک کند. همچنین بسـیاری از کشـورها به سمت استفاده از ارزهای دیجیتال و فناوری‌های مالی نوین حرکت کرده‌اند تا هم از فشـار نوسـانات ارزهای سـنتی بکاهند و هم به تقویت مبـادلات اقتصادی بپردازند. این کشورها با اسـتفاده از سیستم‌های دیجیتال توانسته‌اند معاملات ارزی خود را سـاده‌تر و سـریع‌تر انجام دهند. ایران نیـز می‌تواند با توجه به ظرفیت‌های موجود در حوزه ارزهای دیجیتال و با مدیریت صحیح این فناوری‌ها، از فشار بر منابع ارزی خود بکاهد.

مسیر سخت سیاستگذاری ارزی در ایران

تحـولات ارزی ایران، نتیجه پیدایش مجموعه‌ای از عوامل داخلـی و خارجی اسـت که در دهه‌های گذشـته به تدریج اقتصاد کشـور را درگیر کرده‌اند. تحریم‌های شدید، وابستگی سـاختاری بـه درآمدهای نفتی، رشـد بی‌رویـه نقدینگی و سیاسـت‌های ارزی نامناسب، از جمله عوامل کلیدی هستند که باعث شـده‌اند نرخ ارز از حدود یک هزار تومان در ابتدای دهه ۱۳۹۰ به بیش از ۸۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۳ افزایش یابـد. تحریم‌های اقتصادی، یکـی از دلایل اصلی این جهش بوده‌اند. این تحریم‌ها، دسترسـی ایران بـه منابع ارزی را به شـدت محدود کردند و عرضه ارز در بـازار داخلی را کاهش دادند. در کنار این مسـئله، رشـد مداوم نقدینگی در اقتصاد ایران بدون هماهنگی با تولید واقعی، ارزش پول ملی را تضعیف خواهد کرد. سیاست‌های ارزی، نظیر ارز ۴۲۰۰ تومانی نیز به جای کاهش فشـار بر مردم، منجر به سوءاسـتفاده و قاچاق ارز شـد. نااطمینانی به آینده همچنین مردم و کسب‌وکارها را به ذخیره دلار به عنوان یک دارایی امن سـوق داد. کنترل نرخ ارز در کوتاه‌مدت مستلزم اقداماتی هدفمند و متناسب با تجربیات جهانی اسـت. یکی از راهکارهای کلیدی، مدیریت تعادل میان عرضه و تقاضای ارز است. کشورهایی مانند چین و ترکیه در شرایط مشابه با ایجاد شفافیت در تخصیص ارز و حذف بازارهای غیررسـمی، توانستند فشار تقاضای اضافی را کاهش دهند. در ایران، این رویکرد می‌تواند از طریق راه‌اندازی سامانه‌های هوشـمند، مانند ثبت و ردیابی معاملات ارزی و کاهش قاچاق ارز عملی شـود که عـلاوه بر کنترل تقاضا، به افزایش نظارت دولت نیز کمک خواهد کرد.

مدیریـت انتظـارات تورمـی جامعـه، از دیگـر عوامـل تعیین‌کننده اسـت. در بحران‌های مالی گذشته، کشورهای اروپایی توانسـتند با انتشـار گزارش‌های منظم و شـفاف از ذخایـر ارزی و اعـلام برنامه‌هـای اقتصادی دقیـق، اعتماد عمومـی را جلب کننـد. در ایران نیز بانـک مرکزی و دولت می‌توانند با ارائه چشم‌انداز واقع‌بینانه از سیاست‌های ارزی و تعهد به اصلاحات، رفتار هیجانـی جامعه در بازار ارز را مهار کنند. در نهایـت، مهار نقدینگی و کنترل خلق پول بی‌رویه، نقـش مهمی در ثبات نرخ ارز دارد. تجربه برزیل نشـان داده که سیاسـت‌هایی همچون افزایش نرخ بهره و محدودسازی تسهیلات غیرمولد، می‌تواند تأثیر فوری بر کاهش فشار تورمی و تقاضای ارز داشته باشد تا انگیزه برای خروج سرمایه از ریال به دلار کاهش یابد. اما آنچه در تحولات ارزی ایران، خود را به وضوح نشان می‌دهد، ضرورت نگاه بلندمدت در سیاستگذاری است. بدون اصلاحات عمیق در ساختارهای اقتصادی و مالی، هر سیاسـت کوتاه‌مدتی در نهایت با شکسـت مواجه خواهد شـد. دولت، بانک مرکزی و بخش خصوصی باید با همفکری و تدوین سیاسـت‌های جامع، از چرخه معیوب وابسـتگی به ارز خارجی و تورم بالا خارج شـوند. عبور از چالش ارزی، نه با وعده‌های کوتاه‌مدت بلکه با بازسازی ریشه‌ای ساختارهای اقتصادی ممکن است. دعوت به همفکری و مشارکت عمومی در تدوین راه‌حل‌ها، می‌تواند مسـیری برای بازگشت به ثبات باشـد. ساختن اقتصاد ایران از دل این چالش، نه تنها ممکن اسـت بلکه ضروری است. اما این ساختن، نه با وعده و شعار، بلکه بـا اراده‌ای واقعی برای اصلاحات، مشـارکت عمومی و بهره‌گیری از دانش و تجربه جهانی به نتیجه خواهد رسید.

نگـــــاه

اقبال نفت به تعرفه‌های آمریکا

جنگ تعرفه‌ای ترامپ آغاز شد

«دونالـد ترامپ»، برنامه‌های خود برای اعمـال تعرفه ۲۵ درصدی بر کالاهـای مکزیک و کانادا و ۱۰ درصـدی بر واردات چین را اعلام کرد و گفت که هیچ اقدامی از سـوی این کشـورها نمی‌تواند مانع از اجرای آن شود. در این میان، کارشناسان و اقتصاددانان باور دارند با پایان یافتن ماه اول سال ۲۰۲۵، اقتصاد آمریکا در «جایگاه واقعا خوبی» قرار دارد، اما عدم اطمینان در دو جبهه بزرگ ممکن اسـت تأثیرات نامشخصی بر اقتصاد این کشور داشته باشد.

«ترامپ» به احتمال اسـتثناء قائل شدن برای نفت کانادا اشاره کرد و گفت که نرخ تعرفه نفت ۱۰ درصد در مقایسـه با نرخ ۲۵ درصدی برای سـایر کالاهای کانادا خواهد بود. به گفته وی، تعرفه‌های گسترده‌تری بر نفت و گاز طبیعی در اواسط ماه فوریه اعمال می‌شود. «ترامپ» در پاسخ به این سـوال که آیا در مقطع فعلی، سـه شـریک تجاری بزرگ آمریکا می‌توانند فرصتی برای به تاخیر انداختن تعرفه‌ها داشته باشند، گفت: در حـال حاضر هیچ فرصتی وجود ندارد. او همچنین این ایده که تهدید او برای اعمال تعرفه‌ها، تاکتیک چانه‌زنی است، را رد کرد و گفت که اینطور نیست و با هر سه این کشورها، کسری تجاری بزرگی داریم. رئیس‌جمهور آمریکا گفت که تعرفه‌های بیشـتری از جمله بر کالاهای اروپایی، فولاد، آلومینیوم، مس، دارو و نیمه رسـانا‌ها در راه اسـت و افزود: ما بر فولاد و آلومینیوم و در نهایت مس، تعرفه اعمال خواهیم کرد؛ البته اعمال تعرفه بر مس کمی بیشتر طول می‌کشد.

به گزارش «رویترز»، پیش‌بینی می‌شود تصمیم «دونالد ترامپ» برای اعمال تعرفه‌های جدید، اقدامات تلافی‌جویانه را به همراه داشـته باشد و به‌طـور بالقوه بیش از ۲،۱ تریلیون دلار تجارت سـالانه ایالات متحده با کانادا، مکزیک و چین را مختل کند. در همین حال، «جاستین ترودو»، نخسـت‌وزیر کانادا گفت که این کشـور فورا با اقدامات متقابل قهرآمیز بر اعمال تعرفه‌ها، پاسـخ خواهد داد و افزود که کانادایی‌ها ممکن اسـت در روزها و هفته‌های آینده، با روزهای دشـواری روبه‌رو شوند. همچنین «کلودیا شینبائوم»، رئیس‌جمهور مکزیک گفت که با خونسردی منتظر تصمیم «ترامپ» برای تعرفه خواهد بود و آماده ادامه گفت‌وگوهای مرزی است. او قبلا نیز گفته بود که مکزیک، تلافی خواهد کرد و استدلال کرده بود تعرفه‌های «ترامپ»، به قیمت ۴۰۰ هزار شغل در ایالات متحده تمام می‌شـود و قیمت‌ها را برای مصرف‌کنندگان آمریکایی افزایش می‌دهد. سخنگوی سفارت چین در واشنگتن نیز از تعرفه‌های جدید، انتقاد کرد و گفت: در جنگ تجاری یا جنگ تعرفه‌ای که به نفع هیچ یک از طرفین و جهان نیست، برنده‌ای وجود ندارد.

اما تعرفه‌های جدید «ترامپ» چگونه بر اقتصاد جهان تأثیر می‌گذارد؟ کارشناسـان باور دارند با پایان یافتن ماه اول سال ۲۰۲۵، اقتصاد آمریکا در «جایـگاه واقعا خوبی» قرار دارد، اما عدم اطمینان در دو جبهه بزرگ ممکن اسـت تأثیرات نامشـخصی بر اقتصاد این کشـور داشـته باشد. «براندون توربر» استراتژیسـت ارشـد بازار منطقه، بـاور دارد که ممکن است در پایان سال غلبه بر تورم دشوارتر شود. این استراتژیست، ارزیابی کاملا خوش‌بینانه‌ای از سـلامت اقتصادی آمریکا ارائه کرد، اما گفت که سیاست‌های دولت ترامپ در مورد تعرفه‌ها و مهاجرت باعث عدم اطمینان و ایجاد مه‌آلودگی در پیش‌بینی سـال جاری می‌شود. اظهارات «توربر» یک روز قبل از اینکه کاخ سفید اعلام کند مالیات بر کالاهای سه شریک تجاری بزرگ آمریکا از روز شنبه اعمال می‌شود، بیان شد.

به گزارش «نیویورک‌تایمز»، کالاهای مکزیک و کانادا مشـمول تعرفه ۲۵ درصدی خواهند شـد، درحالی‌که کالاهای چینی مشمول تعرفه ۱۰ درصدی خواهند شـد. این سه کشـور یک‌سوم کالاها و خدمات وارداتی یا خریداری‌شـده از آمریکا را تشـکیل می‌دهند. برای آلاباما، این سـه کشـور دومین، سـومین و چهارمین بازار بزرگ کالاهای تولیدشـده در این ایالت هسـتند؛ ۳،۹ میلیارد دلار برای کانادا در سـال ۲۰۲۳ حدود ۳،۸ میلیـارد دلار برای چین و ۳،۲ میلیارد دلار برای مکزیک. دولت هر سـه این کشورها متعهد شده‌اند که با تعرفه‌های خود بر صادرات آمریکا پاسـخ دهند. «توربر» پیش‌بینی کرد که تعرفه‌ها، فشار نزولی بر رشد و افزایش فشـار بر تورم خواهند داشت. قبل از اعلام تعرفه، «توربر» گفت که تحلیلگران براسـاس شـرایط فعلی رشـد ۲،۲ درصدی برای اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۲۵ و ۲ درصدی در سال ۲۰۲۶ را پیش‌بینی می‌کنند. رشـد اقتصادی این کشور طی دو سال گذشـته به ترتیب ۲،۹ درصد و ۲،۸ درصد بوده اسـت. به گفته این استراتژیست، این یک کاهش بسیار قابل‌توجه است اما ۲ درصد از نظر تاریخی پایدارتر است. درعین‌حال، بازار کار با رشد نیروی کار ۱،۵ درصد و بیکاری ثابت در ۴ درصد یک محرک کلیدی برای اقتصاد آمریکا بوده است. اقتصاد آمریکا دوسوم مصرف محور است و با افزایش ۲۵ درصدی قیمت سهام در سال‌های متوالی و افزایش کلی قیمت دارایی‌ها، همراه با باز شدن ۸ میلیون شغل، مصرف‌کنندگان آمریکایی از منظر اطمینان هنوز در نقطه بسـیار خوبی هستند. تورم در ۱۲ تا ۱۸ ماه گذشته به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافته است، اما «توربر» گفت که باید در چند سـال آینده در حدود ۲،۵ درصد نسـبتا چسبنده باقی بماند. او گفت که بااین‌حال، سیاست مهاجرت می‌تواند تأثیر بیشتری نسـبت به تعرفه‌ها بر اقتصاد داشته باشد. ترامپ بلافاصله پس از آغاز به کار، چندیـن فرمان اجرایی را امضا کرد که برخـی از آنها با جمع‌آوری مهاجران غیرقانونی و وعده اخراج دسـته‌جمعی سـروکار داشـتند. این درحالی‌که است که به اعتقاد «توربر»، افزایش نیروی کار، محرک اصلی رشد اقتصادی بوده است. به گفته این کارشناس، اخراج گروهی مهاجران باعث خواهد شـد تا شرکت‌ها مجبور شـوند به‌طور مؤثری اقدام به وارد کردن نیروی کار کنند و با فرض اینکه می‌توانند افرادی را پیدا کنند که می‌خواهند آن مشـاغل را با دستمزد بالاتر انجام دهند. ازاین‌رو دست‌کم در کوتاه‌مدت شکافی در بازار کار ایجاد خواهد شد. با آغاز جنگ تعرفه‌ای ترامپ، به نظر می‌رسد اقبال نفت به تعرفه‌های آمریکا گره خورده است. قیمت نفت در معاملات روز گذشته بازار آمریکا، کاهش یافت و با انتظار سرمایه‌گذاران برای روشن شدن وضعیت تعرفه‌های آمریکا بر روی واردات از کانـادا و مکزیک، معاملات هفته را در سـطح پایین‌تری به پایان برد. بهای معاملات نفت برنت برای تحویل در مارس، با ۱۱ سنت کاهش در ۷۶ دلار و ۷۶ سنت در هر بشکه بسته شد. بهای معاملات وست تگزاس اینترمدیت آمریکا با ۲۰ سـنت معادل ۰،۳ درصد کاهش در ۷۲ دلار و ۵۳ سنت در هر بشکه بسته شد. برای کل هفته، نفت برنت، ۲،۱ درصد و شاخص نفت آمریکا، ۲،۹ درصد کاهش یافت که دومین کاهش هفتگی متوالی هر دو شـاخص بوده است. به گفته «دنیس کیسلر» معاون ارشد تجـارت شـرکت BOK Financial، در حالی که معامله‌گران منتظر نتیجه تهدیدات تعرفه‌ای ترامپ هسـتند، قیمت نفت همچنان در حال نوسان است. به گفته وی، نفت خام کانادا توسط بسیاری از پالایشگاه‌های غرب میانه آمریکا اسـتفاده می‌شـود و کاهش جریان آن احتمالا باعث افزایش قیمت سوخت خواهد شد. کانادا و مکزیک، دو صادرکننده بزرگ نفت خام به آمریکا هستند، اما مشخص نیست که آیا واردات نفت از این کشورها، مشمول تعرفه‌های سنگین خواهد شد یا خیر. «لیویا گالاراتی»، تحلیلگر شرکت تحقیقاتی «انرژی اسپکتس» گفت: تعرفه‌ها احتمالا منجر به کاهش بزرگ تولید پالایشـگاه‌های آمریکا می‌شود. سناریوی اصلی ما این است که اگر تعرفه‌ها اعلام شود، شامل مهلتی برای مذاکرات می‌شود و احتمـالا نفت از هر تعرفه‌ای، معاف می‌شـود. بـازار نفت همچنین در انتظار نشست اوپک پلاس است که برای دوشنبه برنامه‌ریزی شده است. نمایندگان این گروه تولیدکننده به «رویترز» گفتند: با وجود اینکه ترامپ از اوپک و عربسـتان سعودی خواسـته تا قیمت‌ها را کاهش دهند، بعید است اوپک پلاس برنامه‌های افزایش تدریجی تولید خود را در نشست روز دوشـنبه تغییر دهد. در همین حال، تعداد دکل‌های حفاری نفت آمریکا که معیاری برای سنجش تولید در ماه‌های آینده است، هفته گذشته، با هفت حلقه افزایش به ۴۷۹ حلقه رسید.

سرمایه‌ها در سال جدید میلادی به کجا می‌روند؟

۵ ترند سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۲۵

فرصت امروز: در گذشـته، یک راه نسـبتا مطمئن برای سرمایه‌گذاری در ترندهای کلان، چیزی نبود جز خرید سـهام به اصطلاح چرخه‌ای، در مواقعی که اقتصاد در حال رشـد اسـت و خریدِ سهام تدافعی، در مواقعی کـه اوضاع اقتصادی خراب اسـت، اما امروزه تحـولات فناوری و تحولات ژئوپلیتیکی از اعتماد به این الگو کاسـته‌اند. سـهام چرخه‌ای به سهامی می‌گوینـد که قیمت آن تحت تأثیر اقتصاد کلان اسـت. روند چرخشـی قیمت سهام همانند چرخه‌های اقتصادی است و به ترتیب ثبات و رشد و رونق و افول شـکل می‌گیرد. اکثر سهم‌هایی که در طبقه بندی چرخه‌ای قرار می‌گیرند مربوط به شرکت‌هایی است که کالاهایی را می‌فروشند که درآمد و فروش آنها در ارتباط با قدرت خرید مشتری است. چون وضعیت اشتغال و دسـتمزد بر فروش آنها تأثیر می‌گذارد. سهام تدافعی یا دفاعی (defensive stock) بـه سـهم‌هایی می‌گویند که در شـرایط مختلف بازار، از نظر سوددهی و سرمایه‌گذاری در وضعیت ثابتی قرار دارند. سهام تدافعی نسـبت به نوسانات بازار بورس حالت ثابتی دارد و سود مستمری به سـهامداران می‌دهد. این سهم‌ها معمولا تقاضای ثابتی دارند و بنابراین از نظر سـوددهی وضعیت ثابتی دارند. سهام تدافعی ربطی ندارد به سهام صنایع دفاعی که در زمینه تجهیزات نظامی فعالیت می‌کنند. چشـم‌انداز سـرمایه‌گذاری ممکن اسـت همچنان غیرقابل پیش‌بینی‌تر شود، چراکه دونالد ترامپ به کاخ سفید بازگشته است.

بـا این حال، تیم مالی فورچون، ایده‌هایی برای سـرمایه‌گذاری در بازار سهام ۲۰۲۵ ارائه کرده است. در این گزارش، پنج ترند عمده سرمایه‌گذاری معرفی شده است و در ادامه شرکت‌هایی انتخاب شده‌اند که احتمال دارد در سـال ۲۰۲۵ ارزش سهام‌شـان بالا برود. به گفته فورچون، از آنجا که بازارها غیرقابل پیش‌بینی هسـتند، سهام‌های معرفی شده در اینجا را نه توصیـه که مقدمه‌ای بدانید برای تحقیقـات خودتان در مورد اینکه کدام شرکت‌ها ممکن است در سال ۲۰۲۵ در بازار سهام بدرخشند.

ترندِ اول: جنگ و نزاع و ژئوپلیتیک

در سـال‌های اخیر با شـروع جنگ در خاورمیانه و اوکراین، کشوری در آستانه اروپا، در همان حال که تنش‌ها در تنگه تایوان همچنان بالا است، جهان خطرناک‌تر شده است. طبق گزارش مؤسسه اقتصاد و صلح، در حال حاضر ۵۶ درگیری نظامی در سراسـر جهان در جریان است که بالاترین تعداد از زمان جنگ جهانی دوم به شمار می‌رود. گزارش‌های متعدد نشان می‌دهند حملات سـایبری نیز سال به سـال افزایش یافته است؛ چراکه سـارقان و ارتش‌های ملی به دنبال سـرقت داده‌هـا و خرابکاری و ایجاد ویرانی هسـتند. درست اسـت که این ترندها نگران‌کننده هستند اما در عین حـال، فرصتی هم در اختیار سـرمایه‌گذاران می‌گذارند. درگیری‌ها در سراسـر جهان باعث کمبود تسلیحات، به ویژه موشک‌ها و سامانه‌های دفاع موشـکی شده است و ارزش سهام شرکت‌هایی که تسلیحات نظامی ارتش‌ها را تأمین می‌کنند، در سـال ۲۰۲۵ به احتمال زیاد افزایش یابد. «ران اپستاین»، تحلیلگر ارشد در «بنک آو امریکا» می‌گوید: انتظار می‌رود آمریکا در سـال ۲۰۲۵ حدود یک تریلیـون دلار در صنایع دفاعی هزینه کند.

اما آنهایی که در مورد سرمایه‌گذاری در صنایع نظامی تردید دارند، شاید ترجیح دهند پول خود را در بخش امنیت سـایبری بگذارند. تعداد زیادی از شـرکت‌های سـهامی عام وجود دارند که بر توانایی‌شـان در محافظت از شـبکه‌ها و خنثـی کردن حملات سـایبری مانور می‌دهنـد. از جمله شرکت‌های سایبری که سهام آن در حال رشد است، شرکت چند ملیتی آمریکایی فورتی نت (FTNT) نام دارد، واقع در سـانی ویلِ کالیفرنیا که سـالانه بیش از ۵ میلیارد دلار درآمد دارد. این شرکت که در سال ۲۰۰۰ تأسیس شد، نامی قابل اعتماد در صنعت سایبری است و طیف گسترده‌ای از خدمـات را در طیف وسـیعی از بخش‌ها نظیر امور مالی و مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی و اداری و دولتی ارائه می‌دهد.

ترند دوم: بازگشت به مخارج لوکس و تجملی

امسـال سـالِ شـرکت‌هایی نبود که کالاهای لوکـس و تجملی تولید می‌کنند. قیمت سـهام این قبیل شرکت‌ها (نظیر گروه بربری، کرینگ و موادو) تا به امروز کاهش یافته اسـت. «یلنا سـوکولووا»، تحلیلگر ارشد سهام در شرکت خدمات مالی «مورنینگ استار» می‌گوید که در ۳۰ سال گذشـته، چرخه کاهش قیمت کالاهای لوکـس و تجملی بیش از یک تا سـه سال طول نکشـیده اسـت. او می‌گوید: «معمولا این صنعت پس از این رکودها با قدرت به بازار برمی‌گردد.» به گفته «سـوکولووا»، از جمله برندهایی که به خوبی آماده بازگشـت به بـازار کالاهای لوکس و تجملی هسـتند می‌توان به شرکت ایتالیایی پرادا (PRDSY) اشاره کرد، آن هم البته تا حدی به لطف برندِ میو میو (Miu Miu). محبوبیت آن در میان مصرف‌کنندگان جوان از جمله کسـانی که یحتمل در آینده ثروت قابل توجهی به ارث خواهند برد به صنعت مد ایتالیا کمک کرد تا در برابر رکود فروش کالاهای لوکس و تجملی مقاومت کند، زیرا میو میو نسبت به سال گذشته در خرده‌فروشی سه ماهه سوم، رشد چشمگیر ۱۰۵ درصدی را به ثبت رسـاند و به حدود ۳۴۷ میلیون دلار رسید و در همین حال، درآمد گروه بزرگ‌تر، شـرکت مد «پرادا» در ۹ ماه گذشـته به ۴،۱ میلیارد دلار رسید که جهشی ۱۸ درصدی است. برند فوق لوکس «هرمس» نیز از دیگر برندهای برجسته در بازار کالاهای لوکس و تجملی است که مشتریان آن یک درصد از یک درصد جامعه را تشکیل می‌دهند. شرکت «هرمس» در سـهام فرانسه رشـد فروش دورقمی را در هر سه ماهه گذشته ثبت کرده است.

ترندِ سوم: میل فراوان جهان به انرژی

جهان بیش از هر زمان دیگـری انرژی مصرف می‌کند. به گفته آژانس بین‌المللی انرژی، یک جست‌وجوی ساده گوگل ۰،۳ وات در هر ساعت برق مصرف می‌کند، حال آنکه یک جسـت‌وجوی مشابه در اُپن ای آی حدود ۲،۹ وات در هر سـاعت. همچنین خودروهای برقی و مجموعه گجت‌های همیشـه روشنِ ما که روز به روز نیز بر تعداد آنها افزوده می‌شود در سال گذشـته رکـورد جهانی مصرف انـرژی را ثبت کرده‌اند امـا منابع تأمین انرژیِ همه این موارد، مجموعه متنوعی اسـت که همگی در سال ۲۰۲۵ فرصت‌هایی برای سرمایه‌گذاران در بازار سهام خواهد بود.

هوش مصنوعی آماده اسـت تا «تری مایل آیلند» در پنسیلوانیا، محل بدتریـن حادثه هسـته‌ای در تاریخ آمریکا را احیا کنـد. این حادثه اتمی (Three Mile Island)، بدترین حادثه اتمی آمریکا و نخستین فاجعه رآکتورهای هسته‌ای دنیا (پیش از حادثه چرنوبیل) است که در ۲۸ مارس ۱۹۷۹ روی داد. در این حادثه بخشـی از هسـته اصلی واحد دو نیروگاه ذوب شد و باعث نشت ۳ میلیون کوری گاز رادیواکتیو به بیرون از نیروگاه شـد. شرکت «کانستلیشـن انرژی»، مالک نیروگاه، طی چهار سال آینده ۱،۶ میلیـارد دلار صرف راه‌اندازی مجدد رآکتور واحد یک آسـیب ندیده خواهد کرد و وعده داده اسـت که به درآمدی عظیم خواهد رسـید. این وعده امیدوارکننده به نظر می‌آید؛ چراکه این شرکت پیشتر نیز قراردادی با شـرکت مایکروسافت امضا کرده اسـت تا برق مراکز داده غول نرم‌افزار جهان را حداقل طی ۲۰ سـال آینده با انرژی هسته‌ای تأمین کند. ارزش سهام شرکت «کانستلیشن انرژی»، بزرگ‌ترین مالک نیروگاه‌های هسته‌ای آمریکا، در سال جاری بیش از دو برابر شده است. وال استریت پیش‌بینی می‌کند که این شرکت در سال ۲۰۲۴ رشد سالانه ۳۰ درصدی را به ثبت برسـاند. در هزار مایلی جنوب آمریکا و در ۲۵۰ مایلی سواحل نیواورلئان، شرکت نفت و گاز «تکنیپ» در حال ساخت شبکه پیچیده‌ای با هزینه بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار اسـت تا به غول نفتی «بی پی» کمک کند در روز ۸۰ هزار بشکه نفت استخراج کند. فقط در سه ماهه گذشته، شرکت بی پی که در بریتانیا ثبت شـده و دفتر مرکزی آن در هیوسـتون آمریکا واقع اسـت، ۲.۵ میلیارد دلار سفارشات جدید دریافت و به ۱۴.۷ میلیارد دلار سفارشـات معوقه قبلی اضافه کرد. سهامداران این شرکت فقط در ۹ ماه ابتدای سال ۲۰۲۴ حدود ۳۹۴ میلیون دلار سود سهام دریافت کردند. با این حال، اگر فقط نگاه‌تان به شـرکت‌های داخل آمریکا نباشـد، شاید زمان خوبی اسـت که به شـرکت برقِ «ایبردرولا» غول انرژی اسپانیا هم توجه کنید. این شرکت از طریق شرکتِ برق «آوانگرید»، شرکت سهامی عامِ تابعه خود در آمریکا، سرمایه‌گذاری‌های تجدیدپذیر خود را در ایالات متحده، به ویژه در توربین‌های بادی داخل آب که نزدیک ساحلند، دو برابر کرده است. این شرکت در سال گذشته مجموعا ۱۳،۲۸ میلیارد دلار را به پروژه‌هایی در آمریکا و بریتانیا تزریق کرده است که به افزایش ۵۰ درصدی درآمد خالص این شرکت در ۹ ماه ابتدای سال ۲۰۲۴ کمک کرده است.

ترند چهارم: به سوی هوش مصنوعی

از زمـان راه‌انـدازی چت جی پی تی در نوامبر ۲۰۲۲ ، تقاضای بیش از حد برای هوش مصنوعی باعث رونق گسـترده‌تر بازار سـهام شده است. شـرکت‌های سهامی عام که مستقیما به این حوزه مرتبط هستند، شاهد افزایش سرسـام‌آور ارزش‌های سـهام خـود در بازار بوده‌انـد. با تمام این اوصاف، سـرمایه‌گذاران بدبین ممکن اسـت نگران باشـند که این بخش از دوره شـکوفایی به دوره حباب رسـیده باشد، اما بسیاری از تحلیلگران می‌گویند سهام شـرکت‌های مرتبط با هوش مصنوعی هنوز هم جا برای فعالیت دارند. از شرکت‌های تک محصولی یا به اصطلاح «پیور پلِی» شروع کنیم، از شـرکت انویدیـا. یکی از تحلیلگرانی که فعالیت این شـرکت را از نزدیـک دنبال می‌کند، «آنجلو زینو» از شـرکت تحقیقاتی «CFRA Research» می‌گوید: کل بازارِ در دسترسِ انویدیا تازه در حال گسترش است. شـرکت «pure play» به شـرکتی می‌گویند که انحصارا بر یک محصول یا خدمات خاص متمرکز است تا بتواند سهم زیادی از بازار را به دست آورد. مجموع فروش این شرکت در سه ماهه گذشته به ۳۰ میلیارد دلار رسـید که ۱۲۲ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته و «زینو» پیش‌بینـی می‌کند که این رقم طی دو سـال آینده بـه ۵۰ میلیارد دلار برسـد. طبق برآورد او، جریان نقدی آزاد سه ماهه این شرکت به زودی از همه شرکت‌ها فراتر رود، البته به جز اپل. جریان نقدی آزاد (free cash flow) عبارت است از جریان نقدی حاصل از عملیات بعد از کسر مالیات و بدون احتساب بدهی‌ها و هزینه‌های بهره شرکت. بنابراین جریان نقدی آزاد وجوه نقدی اسـت که بعد از پوشـش دادن نیازهای سرمایه‌گذاری و سرمایه در گردش و با فرض نبود بدهی در دسترس شرکت قرار می‌گیرد.

منطقی هم است که پولدارترین مشتریان انویدیا بهتر از همه می‌توانند سـرمایه لازم را برای تهیه سـخت افزار مورد نیازشـان هزینه کنند. «تد مورتونسـون» از شرکت خدمات مالی آمریکایی « بایرد» می‌گوید: «فقط شرکت‌های بزرگ بزرگ‌تر می‌شوند. شرکت‌های انحصاری هم انحصارگرتر خواهند شد.» در میان غول‌های بزرگ فناوری، مایکروسافت از مشتریان انویدیا همچنان پیشتاز است و «بلومبرگ اینتلیجنس» پیش‌بینی می‌کند سـرمایه این شـرکت در سـال جاری به ۵۳ میلیارد دلار برسد. وانگهی، مایکروسـافت از سـال ۲۰۱۹ به تنهایی ۱۴ میلیارد دلار در اُپن ای آی سرمایه‌گذاری کرده است.

ترندِ پنجم: تمرکز بر سلامتی و تندرستی

براسـاس آمارها، تعداد افرادی که در طول یک دهه گذشـته به ورزش روی آورده اند هر سـاله افزایش یافته است. سه چهارم جمعیت آمریکا یا به بیان دقیق‌تر ۲۴۲ میلیون نفر، حداقل در یک فعالیت ورزشی یا تناسب اندام در سال ۲۰۲۳ شرکت کرده‌اند که ۲،۲ درصد نسبت به سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است. برای سرمایه‌گذارانی که به دنبال سرمایه‌گذاری در این ترند هستند، بخش کالاهای ورزشی یک سرمایه‌گذاری مطمئن است. به گفته «دیوید سـوارتز» تحلیلگر ارشد در شرکت خدمات مالی آمریکاییِ «مورنینگ استار»، در این حوزه نام‌هایی چون آدیداس و لولولمون و آندرِ آرمـور و پوما حضور دارند، اما او می‌گوید یک شـرکت بالاتر از همه این شرکت‌هاست. «سـوارتز» به فورچون می‌گوید: «شرکت نایکی نسبت به هر شرکت دیگری، رابطه نزدیک‌تری با انواع رشته‌های ورزشی در سراسر جهان و آمریکا دارد.» ارزش سهام نایکی در نوامبر ۲۰۲۱ به بالاترین رقم در تاریخ رسـید: ۱۷۷،۵۱ دلار. اما قیمت سـهام این شـرکت از آن زمان تاکنون تقریبا ۵۰ درصد کاهش یافته است. با این حال، «سوارتز» معتقد اسـت: نایکی «از رشـد ورزش چه در آمریکا و چه در سطح جهانی سود خواهد برد.»

در کنـار ترنـدِ افزایش فعالیت‌های بدنـی و ورزش، به تازگی تمرکز بر فعالیت‌های خودمراقبتی هم افزایش یافته است که عبارتند از فناوری‌ای که خطرات سـلامتی در زنان را تشـخیص می‌دهند، از جمله تشخیص سـرطان پستان. یکی از بازیگران پیشـرو در این حوزه، شرکت تجهیزات پزشـکی «هولوژیک» اسـت، یک شـرکت فعال در حـوزه مراقبت‌های بهداشتی با حدود ۴ میلیارد دلار درآمد سالانه که فناوری ماموگرافی سه بعدی را ارائه می‌دهد. به گفته «اندرو براکمن» تحلیلگر در مرکز تحقیقاتی «ویلیام بلر»، ۸۰ درصد از بازار تصویربرداری ماموگرافی آمریکا و ۳۰ درصد از بازار ماموگرافی در سطح بین‌المللی در دست این شرکت است. شرکت «هولوژیک» که حدود هزار کارمند دارد، طیف وسیعی از آزمایش‌ها را نیز درخصوص عفونت‌های مقاربتی و همچنین کرونا ارائه می‌دهد.

روند صعودی ارزهای دیجیتال ادامه دارد

به سوی بیت‌کوین ۱۲۰ هزار دلاری

ارزهای دیجیتال در سال ۲۰۲۵، بازار ناآرامی را آغاز کردند اما بیت‌کوین، ماه ژانویه را با رشـد ۱۱.۵ درصدی به پایان رسـاند و همچنان در بالای قیمت ۱۰۰ هزار دلاری قرار دارد. پیش‌بینی‌ها از ادامه روند صعودی ارزش بیت‌کوین تا حدود ۱۲۰ هزار دلار حکایت دارد. رشد ۱۱.۵ درصدی ارزش بیت‌کوین در ماه ژانویه و روند قیمتی آن، نوعی غافلگیری برای فعالان بازار ارزهای دیجیتال به همراه داشت؛ زیرا اکثر آنها تصور می‌کردند که ژانویه با کاهش قیمت بیت‌کوین به پایان برسد، اما عملکرد پادشاه رمزارزها در این ماه قابل توجه بود؛ تا جایی که تحلیلگران انتظار ادامه این روند تا سـطح ۱۲۰ هزار دلار را دارند. حال سـوال اینجاسـت کـه این عملکرد مطلوب بیت‌کوین در ماه فوریه نیز ادامه خواهد یافت؟

با نگاهی به وضعیت تاریخی این توکن در فوریه، مشخص می‌شود که ماه فوریه، ماه بسیار خوبی برای بیت‌کوین بوده است و در آمار سایت کریپتو رنک (CryptoRank) از سـال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴، میانگین سـود ماهانه ۱۶.۶ درصد با سود متوسط ۱۴.۷ درصد را مشاهده می‌کنیم. بنابراین اگر شـاهد افزایش مشابهی در فوریه ۲۰۲۵ باشیم، قیمت بیت‌کوین می‌تواند به بالای ۱۲۰ هزار دلار هم برسـد. ارزش بیت‌کوین در یک دهه گذشته، فقـط دو بار در ماه فوریه، ضرر کرده و این ضررها در سـال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۰، در زمان‌های بسیار غیرمعمول بازار ثبت شده است؛ سقوط صرافی اف تی ایکس (FTX) و بی‌ثباتی اقتصادی گسترده‌تر، باعث رکود در سال ۲۰۲۳ شـد؛ در حالی که کاهش قیمت سـال ۲۰۲۰، در آغاز همه‌گیری کرونا اتفاق افتاد.

البته غیر از موارد ذکرشـده، فوریه همیشـه زمـان داغی برای اقدامات قیمتی بوده اسـت. در سـال گذشـته، ارزش بیت‌کوین در ماه فوریه ۴۴ درصـد افزایش یافت که در صورت تکرار این عملکرد، قیمت آن به حدود ۱۵۰ هـزار دلار خواهد رسـید. در حالی که این احتمال اندک اسـت اما عملکرد گذشته نشان می‌دهد که احتمال زیادی وجود دارد که بیت‌کوین دوباره در ماه میلادی آینده اوج بگیرد. بازار کریپتو همیشه کمی غیرقابل پیش‌بینی اسـت، اما داده‌ها نشـان می‌دهند این احتمـال وجود دارد که بیت‌کویـن به روند رشـد خود ادامه دهد و این ممکن اسـت خبر خوبی برای سرمایه‌گذاران و تحلیلگران خوش‌بین باشد. آنطور که پایگاه خبری «اینوسـتینگ» گزارش داده، با توجه بـه عرضه بیت‌کوین به مدت بیش از ۱۰ سـال و معامله آن در همه جا، تغییرات قیمت گذشـته این توکن، راهنمای قابل اعتمادی برای آنچه قرار است رخ دهد خواهد بود.

از هر ۱۰ تا چک، یکی برگشت می‌خورد

جولان پاییزی چک برگشتی

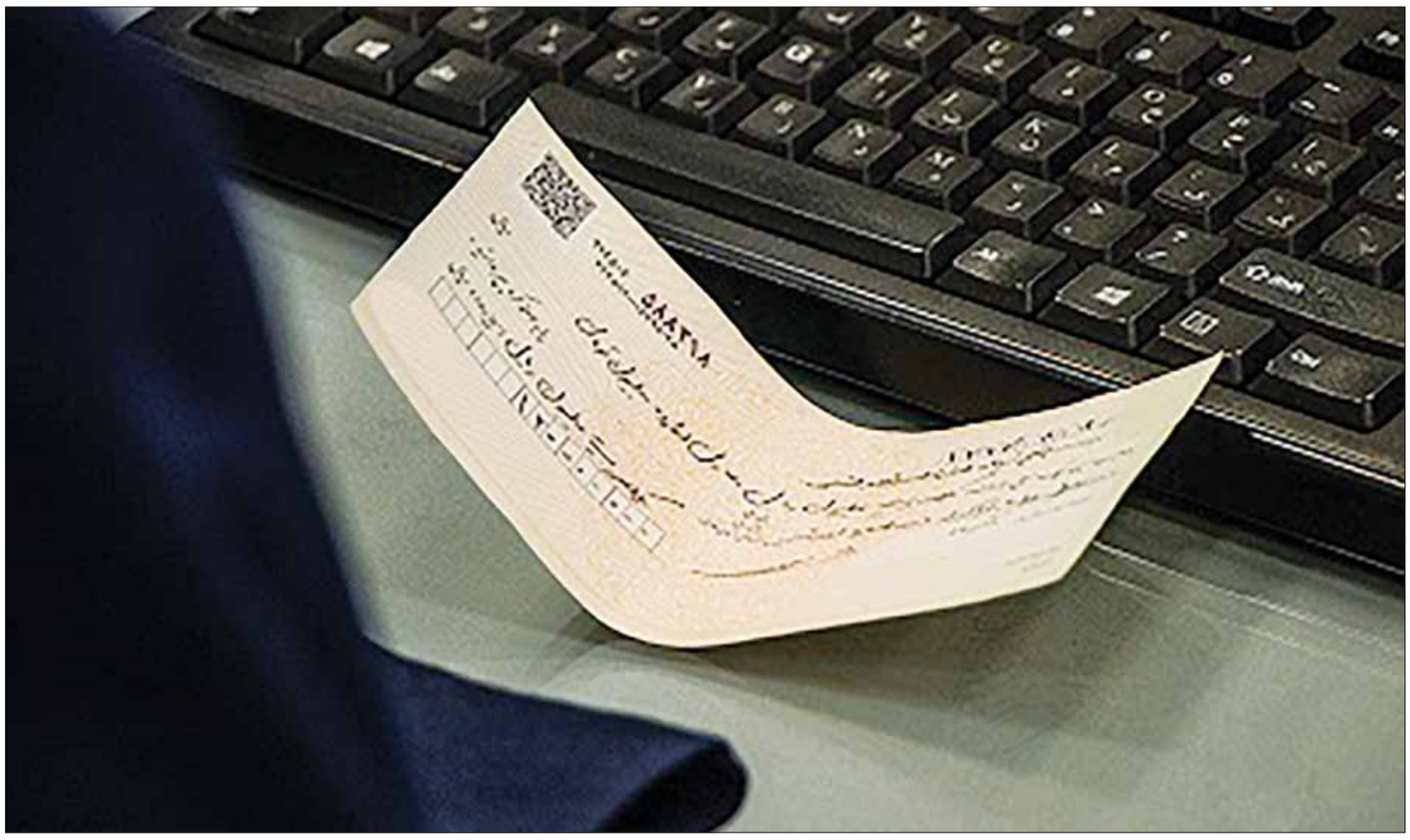

فرصت امروز: با وجود آنکه تعداد و مبلغ چک‌های برگشتی در آذرماه امسال نسبت به آذرماه سال گذشته، کاهش یافته اما همچنان ۹,۴ درصد چک‌ها برگشت می‌خورد. در آذرماه ۱۴۰۲، مبلغ چک‌های برگشتی رشد ۹۵,۱ درصدی نسبت به سال قبل داشت، اما این رشد در آذرماه ۱۴۰۳ به ۵۴,۷ درصد کاهش یافت که نشان می‌دهد از سرعت افزایش چک‌های برگشتی نسبت به سال قبل کاسته شده است. همچنین رشد تعداد چک‌های برگشتی از ۲۷,۶ درصد در آذر سال گذشته به ۲۲,۵ درصد در آذر امسال کاهش یافته است. طبق آمارهای تازه بانک مرکزی، بیش از ۷۸۰ هزار فقره چک در کل کشور برگشت خورده که ارزش آن به ۱۰۱ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. رشد ماهانه تعداد و مبلغ چک‌های برگشتی نیز نزولی بوده است. در آذرماه ۱۴۰۳، نسبت چک‌های برگشتی به مبادله‌شده از نظر تعداد و مبلغ به ترتیب ۹,۴ درصد و ۱۴ درصد بوده است؛ یعنی از هر ۱۰۰۰ چک مبادله شده در این ماه، ۹۴ چک برگشت خورده است.

مهمترین رخداد در حوزه چک‌های برگشتی، منفی شدن رشد ماهانه تعداد و مبلغ این چک‌ها در آذرماه بوده است. این یعنی تعداد چک‌های برگشتی ۹ درصد و ارزش آنها ۶ درصد نسبت به آبان ماه کمتر شده است. بالاترین حجم چک برگشتی در میان استان‌های کشور، مربوط به تهران بوده است. در استان تهران، ۲۲۱ هزار فقره چک به ارزش ۴۵ هزار میلیارد تومان برگشت داده شد که از نظر تعداد ۹,۲ درصد و از نظر ارزش ۱۳ درصد از کل چک‌های برگشت خورده را تشکیل می‌دهد. همچنین رایج‌ترین دلیل برگشت‌خوردن چک در آذرماه، «کسری یا فقدان موجودی» بوده است. ۹۷,۵ درصد از تعداد چک‌های برگشتی و ۹۶,۴ درصد از ارزش این چک‌ها به دلیل «کسری یا فقدان موجودی» ایجاد شده است.

سمت و سوی چک در ایستگاه پایانی پاییز

در آذرماه ۱۴۰۲، مبلغ چک‌های برگشتی، رشد ۹۵,۱ درصدی نسبت به سال قبل داشت، اما این رشد در آذرماه ۱۴۰۳ به ۵۴,۷ درصد کاهش یافت. این کاهش قابل توجه نشان می‌دهد که از سرعت افزایش چک‌های برگشتی نسبت به سال قبل، کاسته شده است. رشد تعداد چک‌های برگشتی نیز از ۲۷,۶ درصد در آذر سال قبل به ۲۲,۵ درصد در آذر امسال کاهش یافته است. طبق آمارهای جدید بانک مرکزی، در کل کشور بیش از ۷۸۰ هزار فقره چک برگشت خورده که ارزش آن به ۱۰۱ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که رشد ماهانه تعداد و مبلغ چک‌های برگشتی نیز نزولی بوده است. در آذرماه امسال نسبت چک‌های برگشتی به مبادله‌شده از نظر تعداد و مبلغ به ترتیب ۹,۴ درصد و ۱۴ درصد بوده؛ یعنی از هر ۱۰۰۰ چک مبادله شده در این ماه، ۹۴ چک برگشت خورده است. مهمترین رخداد در حوزه چک‌های برگشتی، منفی شدن رشد ماهانه تعداد و مبلغ این چک‌ها در آذرماه بوده است. به بیان دیگر، تعداد چک‌های برگشتی ۹ درصد و ارزش آنها ۶ درصد نسبت به آبان کمتر شده است.

پایتخت، بالاترین حجم چک برگشتی را در آذرماه امسال داشته و در استان تهران، ۲۲۱ هزار فقره چک به ارزش ۴۵ هزار میلیارد تومان برگشت داده شده که از نظر تعداد ۹,۲ درصد و از نظر ارزش ۱۳ درصد از کل چک‌های برگشت خورده است. رایج‌ترین دلیل برگشت‌خوردن چک در آذرماه، «کسری یا فقدان موجودی» اعلام شده است. به عبارت دیگر، ۹۷,۵ درصد از تعداد چک‌های برگشتی و ۹۶,۴ درصد از ارزش این چک‌ها به دلیل «کسری یا فقدان موجودی» ایجاد شده است. در کل کشور طی آذرماه امسال بالای ۷,۵ میلیون فقره چک وصول شده که ارزش کل آن به ۶۲۸ هزار میلیارد تومان می‌رسد. این تعداد و ارزش به ترتیب نسبت به ماه قبل ۱۲,۵ درصد و ۶,۲ درصد کمتر شده است. البته رشد مبلغ چک‌های وصول شده در آذرماه امسال در سطح بالاتری از آذرماه ۱۴۰۲ قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از کل چک‌های مبادله شده در آخرین ماه پاییز، ۹۰,۶ درصد از نظر تعداد و ۸۶ درصد از نظر مبلغ وصول شده است. در میان استان‌ها، تهران مانند همیشه میزبان بیشترین تعداد و ارزش چک‌های وصولی بوده است. ۹۰,۸ درصد از چک‌های وصول شده در این ماه، متعلق به تهران بوده است.

۹ درصد چک‌های آبان هم برگشت خورد

آمارهای بانک مرکزی در آبان نیز نشان می‌دهد که نسبت تعداد چک‌های برگشتی به کل چک‌ها از ۹.۶ در مهرماه به ۹.۱ درصد در این ماه رسیده و بیش از ۹ درصد چک‌های آبان برگشت خورده است. گزارش بانک مرکزی از آمار چک‌های مبادله‌ای در آبان ماه ۱۴۰۳ حاکی از آن است که نسبت تعداد چک‌های برگشتی به کل چک‌ها از ۹.۶ در مهرماه به ۹.۱ درصد در آبان رسیده است. با اینکه تعداد چک‌های برگشتی روند کاهشی در این ماه داشته، اما آمار ۹.۱ درصدی چک برگشتی همچنان درصد بالایی است. درصد بالای چک‌های برگشتی، علاوه بر آنکه تاثیر مستقیمی در رتبه اعتباری افراد دارد و شامل مجازات‌های مختلفی در سیستم بانکی است، نشانگر وضعیت نامطلوب فعالان اقتصادی و در نهایت، وضعیت تولید است. در آبان ماه امسال حدود ۹,۵ میلیون چک به ارزش ۷۷۸,۸ هزار میلیارد تومان در بین مردم رد و بدل شد که نسبت به ماه قبل، هم تعداد چک‌ها ۷,۵ درصد و هم ارزش آنها ۱,۳ درصد کمتر شده است.

تقریبا نصف چک‌ها (۴۸,۲ درصد از نظر تعداد و ۶۲,۲ درصد از نظر ارزش) در سه استان تهران، اصفهان و خراسان رضوی مبادله شده است. شهروندان تهرانی نیز بیشتر از همه شهرها از چک استفاده کرده‌اند. همچنین حدود ۸۵۸ هزار فقره چک به ارزش ۱۰۸,۸ هزار میلیارد تومان در آبان ماه برگشت خورده که نسبت به ماه قبل از نظر تعداد ۱۲,۷درصد و از نظر ارزش ۵,۳ درصد کمتر شده است. از هر ۱۰۰ فقره چک بانکی که رد و بدل شده، ۹,۱ فقره از نظر تعداد و ۱۴ فقره از نظر ارزش برگشت خورده است. این ارقام نشان می‌دهد که وضعیت چک‌های بانکی نسبت به مهرماه ۱۴۰۳ و آبان ماه ۱۴۰۲ بهتر شده است. بیشترین تعداد چک برگشتی به کل چک‌های استان، مربوط به کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی و کردستان بوده است. اگر ارزش چک‌ها را در نظر بگیریم، استان‌های ایلام، آذربایجان غربی و بوشهر بیشترین مبلغ چک برگشتی را داشته‌اند. تقریبا همه چک‌های برگشتی (۹۷,۵ درصد از نظر تعداد و ۹۷ درصد از نظر ارزش) به این علت برگشت خورده‌اند که پول در حساب نبوده یا موجودی کافی نبوده است. نسبت مبلغ چک‌های برگشتی پس از طی روند افزایشی از اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ و ایستادن در قله ۱۹ درصدی مردادماه، شروع به کاهش کرده است. با این حال، اگرچه آمار چک‌های برگشتی در پاییز، روندی کاهشی داشته، اما این ارقام نیز همچنان بالا محسوب می‌شود.

شرط جدید برای صدور دسته چک

با پایان دی ماه و طبق زمان‌بندی بانک مرکزی، صدور دسته چک، منوط به ثبت اطلاعات در سامانه ملی املاک و اسکان شد. بنابراین تا زمانی که مشتریان، اطلاعات (کدپستی و کد ملی) خود را در سامانه ملی املاک و اسکان ثبت نکنند، نمی‌توانند دسته چک دریافت کنند. طبق اعلام بانک مرکزی، از تاریخ ۳۰ دی‌ماه ۱۴۰۳، در صورت عدم تطابق کدپستی و کد ملی مشتریان شبکه بانکی با اطلاعات ثبت‌شده در سامانه ملی املاک و اسکان، صدور دسته‌چک به‌صورت سیستمی متوقف می‌شود. این تصمیم که در چارچوب اجرای تبصره ۸ الحاقی ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم اتخاذ شده، با هدف احراز نشانی محل اقامت اشخاص و الزام به خوداظهاری املاک در سامانه ملی املاک و اسکان اجرا شده است. بنابراین تا زمانی که اطلاعات مشتریان (کدپستی و کد ملی) در سامانه ملی املاک و اسکان اصلاح یا تکمیل نشود، صدور دسته‌چک امکان‌پذیر نخواهد بود.

براساس بخشنامه بانک مرکزی و برای جلوگیری از مشکلات احتمالی و محدودیت در خدمات بانکی، مشتریان موظفند که اطلاعات خود را در سامانه ملی املاک و اسکان، بررسی و در صورت لزوم اصلاح کنند. مشتریان همچنین باید اطمینان حاصل کنند که کدپستی و کد ملی ثبت‌شده در بانک‌ها با اطلاعات این سامانه منطبق است. بانک‌ها نیز موظفند اطلاع‌رسانی لازم را به مشتریان خود انجام دهند و همچنین نظارت کافی بر حسن اجرای بخشنامه بانک مرکزی داشته باشند. این اقدام در راستای اجرای قوانین مالیاتی و ایجاد شفافیت در اطلاعات بانکی و ملکی صورت گرفته و عدم رعایت آن، به محدودیت‌هایی در دریافت خدمات بانکی منجر خواهد شد. بانک مرکزی در این بخشنامه به مشتریان توصیه کرده که برای جلوگیری از هرگونه اختلال در دریافت خدمات بانکی، اطلاعات خود را در اسرع وقت در سامانه ملی املاک و اسکان، تکمیل و به‌روزرسانی کنند.

بازگشایی نمادهای پتروشیمی فقط درد بازار را کم کرد

تقابل ارزندگی و بی‌اعتمادی در بورس تهران

شاخص کل بورس تهران در ادامه روند کاهشی خود بیش از ۳۷ هزار واحد دیگر ربخت و کانال ۲,۸ میلیون را از دست داد. در جریان معاملات روز شنبه ۱۳ بهمن ماه، شاخص کل بورس و اوراق بهادار تهران با ۳۷ هزار و ۳۱۸ واحد کاهش به سطح ۲ میلیون و ۷۶۴ هزار واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز ۹ هزار و ۴۰۵ واحد کاهش داشت و در تراز ۸۶۹ هزار واحد ایستاد. فارس، فولاد و فملی بیشترین تاثیر منفی را بر شاخص کل داشتند. از نمادهای پرتراکنش نیز می‌توان به سیسکو، بپویا و غانیزان اشاره کرد. در آن سوی بازار نیز شاخص کل فرابورس ایران ۱۷۱ واحد کاهش یافت و به سطح ۲۶ هزار و ۴۳۲ واحد رسید. در پایان داد و ستدهای شنبه؛ ارزش معاملات کل بازار ۳ درصد رشد یافت و در مقابل، ارزش معاملات خرد ۶ درصد افت کرد. ۸۳ درصد نمادها منفی معامله شدند و تنها ۱۷ درصد دیگر سبزپوش بودند؛ همچنین نمادهای وبملت، فارس و خودرو بیشترین خروج پول حقیقی را تجربه کردند و در مقابل فزر، قیستو و غانیزان شاهد ورود نقدینگی بودند. همچنین پول از صندوق‌ها و صنایع بانکی، خودرویی و شیمیایی خارج شد ولی کانه‌های فلزی، خرده‌فروشی و کاغذی تجربه ورود نقدینگی را داشتند.

«محمدباقر خادمی»، کارشناس بازار سرمایه درخصوص روند بازار به «اکوایران» گفت: بازار سهام بعد از مدت‌ها در اوایل آبان ماه روند رو به رشد خود را آغاز کرد و این امر موجب شد ارزش معاملات بازار سهام پس از مدت‌ها به بالای ۱۰ همت در روز برسد که اتفاق خوبی بود، اما در ادامه از اواخر آذرماه سهام رفته رفته وارد فاز اصلاحی شدند و متاسفانه ارزش معاملات نیز مجدد با کاهش قابل توجهی مواجه شد و به زیر ۱۰ همت در روز رسید. عامل اصلی این اتفاق، بی‌اعتمادی فعالان بازار و مردم به بازار سهام است که متاسفانه این امر سال‌هاست به بدنه بازار آسیب زده است. متولی این امر، دولت و بانک مرکزی هستند که کمترین وظیفه‌شان، بازگشت اعتماد به بازار سهام است و متاسفانه تاکنون به جز چند مصاحبه کوتاه و چند توئیت، اقدامی جدی در این مورد صورت نگرفته است.

به گفته این فعال بازار سرمایه، بانک مرکزی طی ماه‌های متوالی نرخ دلار نیما رو بدون دلیل به اسارت گرفته بود و در ماه‌های گذشته با روی کار آمدن تیم اقتصادی جدید، نرخ دلار نیما از محدوده ۴۰ هزار تومان تا محدوده ۶۵ هزار تومان رشد داشت، اما در هفته‌های اخیر گویا مجدد قصد بانک مرکزی به اسارت گرفتن مجدد نرخ دلار نیما است؛ به طوری که نرخ دلار آزاد به محدوده ۸۴ رسیده، اما نرخ دلار نیمایی در محدوده ۶۶ هزار تومان قرار دارد. انتظاری که از تیم اقتصادی دولت وجود دارد؛ باتوجه به شعار آنها که تک نرخی کردن ارز است، نزدیک کردن نرخ دلار نیمایی با آزاد است که عامل اصلی اعتمادسازی به بازار سهام خواهد بود.

«خادمی» با اشاره به اینکه پای اشتباهات نهاد ناظر در میان است، افزود: موضوع بعدی که در عدم توازن بازار نقش زیادی داشته این است که صندوق‌های بزرگ و صندوق‌های اهرمی، خرید و فروش‌های خود را فقط به تعداد سهم محدود و نقدشونده و اصطلاحا شاخصی اختصاص داده‌اند؛ این در حالی است که بسیاری از سهام کوچک‌تر و اصطلاحا ریالی از نظر ارزندگی وضعیت به مراتب بهتری از سهام شاخص ساز دارند و این موضوع موجب عدم توازن بازار شده است. سیاستگذاری به شدت اشتباه سازمان بورس در ایجاد محدودیت‌ها و دامنه نوسان و... موجب عدم اعتماد و ناامنی سهامداران شده است؛ در مجموع بازار سهام در سال‌های گذشته مورد بی‌مهری دولت‌ها قرار گرفته؛ به طوری که ارزش بازار شرکت‌ها باتوجه به افزایش نرخ دلار، افزایش نرخ فروش شرکت‌ها و تورم سال‌های اخیر و... به یک کمدی تلخ تبدیل شده است.

«بهناز اکبرپور»، دیگر تحلیلگر بازار سرمایه نیز با اشاره به روند منفی سهم‌های کوچک و بزرگ، گفت: بازار شنبه با فشار فروش و برتری عرضه‌کنندگان بر خریداران آغاز شد و با گذشت زمان تلاش‌های اندکی از طرف حقوقی‌ها برای جمع‌آوری تعدادی از صف‌های فروش سهم‌های بزرگ همانند فارس انجام شد. ولی این اقدام تأثیرگذار و موفقی نبود و منجر به جمع‌آوری صف‌های فروش نشد؛ همچنین بازارساز نیز اقدام خاصی برای بهبود شرایط بازار نکرده و سهم‌های کوچک و بزرگ بازار همگی در منفی معامله می‌شوند. در روز شنبه نرخ دلار توافقی با اندکی کاهش به ۶۶ هزار و ۹۱۶ تومان رسید؛ به‌نظر می‌رسد بیش از هر خبر دیگری بازار در انتظار بازگشایی سایر شرکت‌های پتروشیمی که شفاف‌سازی داشتند، است. همچنین تصمیم‌گیری درخصوص CFT و پالرمو توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام از جمله اخبار تاثیرگذار بر شرایط بازار است. به گفته «اکبرپور»، باتوجه به اخبار رسیده، چهارشنبه هفته جاری واگذاری سهام مدیریتی بزرگ‌ترین بنگاه اقتصادی (غیرنفتی) کشور کلید خواهد خورد. با برگزاری مجمع فوق‌العاده سهامداران ایران‌خودرو در این روز (۱۷ بهمن ماه)، قرار است موضوع واگذاری مدیریت دولتی ایران خودرو به رأی گذاشته شود. همچنین دولت ۵.۷ درصد سهام در ایران خودرو دارد و طی سال‌های گذشته از حق رأی ۲۴درصد سهام تودلی استفاده کرده که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، این موضوع غیرقانونی بوده است، اما حالا با توجه به احکام قضایی امکان ادامه این روند وجود ندارد؛ بنابراین با هر ترکیب سهامداری، دولت امکان استفاده از سهام‌های تودلی را نخواهد داشت.

این تحلیلگر بازار در انتهای صحبت‌هایش، بازار سرمایه را تشنه نقدینگی دانست و گفت: یکی از معضلات روزهای اخیر بازار سرمایه کشور، نبود نقدینگی جدید در بازار است؛ همان‌طور که موج قبلی صعود با نقدینگی جدیدی که به بازار تزریق شد، شروع شد و هم‌اکنون نیز بازار به‌شدت نیاز به تزریق نقدینگی دارد؛ همچنین در ادامه بازار پیش‌بینی می‌شود که همچنان روز پر عرضه‌ای را شاهد باشیم، حقوقی سهم‌های بزرگ همچنان تلاش‌هایی برای جمع‌آوری صف‌های فروش داشته باشند، اما در نهایت اکثر سهم‌ها با منفی به کار خود پایان دادند.

اخبار

مدیر طرح واردات خودرو وزارت صمت خبر داد

دور جدید عرضه خودروهای وارداتی در بهمن

مدیر طرح واردات خودرو وزارت صنعت، معدن و تجارت، ضمن تاکید بر ادامه روند عرضه خودروهای وارداتی از طریق سامانه یکپارچه عرضه خودروهای وارداتی، اعلام کرد که تا پایان سال ۱۴۰۳، حداقل یک نوبت دیگر عرضه خواهیم داشت. «مهدی ضیغمی» در گفت‌وگویی برخط با خبرنگاران، از دور جدید عرضه خودروهای وارداتی خبر داد و گفت: قطع به یقین تا پایان سال جاری، حداقل یک نوبت عرضه جدید خودروهای وارداتی خواهیم داشت.

وی با بیان اینکه هنوز زمان دقیق و تعداد خودروی قابل عرضه، مشخص نیست، تاکید کرد: در تلاش هستیم که این نوبت عرضه در ماه جاری (بهمن ماه) صورت گیرد. گفتنی است، آخرین دور قبلی عرضه خودروهای وارداتی از طریق سامانه یکپارچه، ۱۷ دی ماه با ایجاد امکان وکالتی کردن حساب‌ها، لغایت ۲۲ دی ماه اجرایی شد؛ در این مرحله، ۱۰۰۰ دستگاه خودروی وارداتی در قالب ۱۶ مدل خودرو برای متقاضیان عرضه شد که حدود ۹۸ هزار نفر برای خرید خودروهای وارداتی، ثبت درخواست داشتند. قرعه‌کشی دوره عرضه مذکور ۲۴ دی ماه انجام و منتخبان آن مشخص شدند.

۴۹۰ هزار نفر وام فرزندآوری گرفتند؛ ۳۹۸ هزار نفر در صف

شبکه بانکی کشور طی ۱۰ ماهه امسال بیش از ۴۹۰ هزار و ۶۲۵ فقره تسهیلات فرزندآوری به ارزش بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان پرداخت کرده است. با این حال طبق آمارهای بانک مرکزی هنوز بیش از ۳۹۸ هزار نفر در صف دریافت وام هستند. براساس داده‌های بانک مرکزی، شبکه بانکی کشور از ابتدای سال جاری تا پایان دی ماه، ۴۹۰ هزار و ۶۲۵ فقره وام قرض‌الحسنه فرزندآوری به ارزش ۴۰ هزار و ۵۳۷ میلیارد تومان پرداخت کرده است و ۳۹۸ هزار و ۲۶۴ نفر دیگر نیز در صف دریافت تسهیلات فرزندآوری هستند.

براساس آمارهای بانک مرکزی، بانک ملت با پرداخت ۱۰۰ هزار و ۲۲۹ فقره وام به ارزش ۸۴۳۶ میلیارد تومان و ۴۷ هزار و ۷۵ متقاضی در صف دریافت تسهیلات، بانک تجارت با پرداخت ۶۶ هزار و ۶۹۴ فقره به ارزش ۵۵۱۷ میلیارد تومان و ۳۷ هزار و ۱۰۲ متقاضی در صف، بانک صادرات با پرداخت ۶۲ هزار و ۴۵۷ فقره تسهیلات به ارزش ۵۱۵۵ میلیارد تومان و ۴۰ هزار و ۷۳۱ نفر در صف، بانک ملی ایران با پرداخت ۶۱ هزار و ۸۷۲ فقره وام به ارزش ۵۱۵۷ میلیارد تومان و ۵۰ هزار نفر متقاضی در صف و بانک رفاه کارگران با پرداخت ۲۸ هزار و ۹۹۲ فقره وام به ارزش ۲۳۱۹ میلیارد تومان و ۴۶ هزار و ۹۹۳ نفر متقاضی دریافت وام فرزندآوری در جایگاه‌های اول تا پنجم پرداخت وام فرزندآوری از سوی شبکه بانکی کشور قرار گرفته‌اند.

مقایسه آمارهای پرداخت تسهیلات فرزندآوری از سوی شبکه بانکی کشور نشان می‌دهد که تا پایان آذرماه سال جاری ۴۳۱ هزار و ۴۹۵ فقره وام فرزندآوری پرداخت شده و ۴۰۹ هزار و ۷۸ نفر متقاضی در صف دریافت وام هستند. این در حالی است که تا پایان دی ماه امسال، ۴۹۰ هزار و ۶۲۵ فقره وام پرداخت شد و ۳۹۸ هزار و ۲۶۴ نفر دیگر در صف دریافت هستند. بر این اساس در دی ماه سال جاری ۵۹ هزار و ۱۳۰ متقاضی توانسته‌اند وام فرزندآوری دریافت کنند و از طرف دیگر ۱۰ هزار و ۸۱۴ نفر متقاضی دریافت وام نسبت به ماه قبل از صف انتظار کاهش یافته است.

چرا پرواز تهران - پاریس به مقصد نرسید؟

در حالی که قرار بود طبق برنامه‌ریزی‌های قبلی، اولین پرواز تهران - پاریس بعد از چند ماه وقفه در پروازهای اروپایی، روز جمعه انجام شود، این پرواز از سوی فرانسه لغو شد و آنطور که شرکت هواپیمایی ایران ایرتور به عنوان ایرلاین مربوطه اعلام کرده، این پرواز مجوزهای لازم را از فرانسه دریافت کرده بود و انتظار می‌رفت ادعاهای احتمالی و مغرضانه سایر شرکت‌های رقیب ملاک تصمیم‌گیری فرانسه قرار نگیرد؛ چراکه مرجع راستی‌آزمایی در این گونه موارد، سازمان هواپیمایی ایران به عنوان متولی صنعت هوانوردی کشور است. البته این ایرلاین قرار است تمام توان خود را جهت رفع ابهامات احتمالی و برقراری مجدد این پرواز به کار گیرد.

به گزارش «ایسنا»، پس از آنکه اتحادیه اروپا سه شرکت هواپیمایی ایرانی را از مهرماه تحریم کرده بود و تقریبا از نیمه دوم امسال هیچ شرکت هواپیمایی به مقاصد کشورهای اروپایی پرواز نداشتند، چندی پیش اعلام شد که با هماهنگی‌های صورت گرفته با کشور فرانسه، قرار است از ۱۲ بهمن ماه شرکت هواپیمایی ایران ایرتور در روزهای دوشنبه و جمعه پرواز از مبدأ فرودگاه امام(ره) به فرودگاه شارل‌دوگل پاریس داشته باشد اما در شرایطی که به نظر می‌رسید این پرواز در موعد مقرر انجام شود و دقیقا یک روز قبل از پرواز (۱۱ بهمن ماه) شرکت هواپیمایی ایران ایرتور اعلام کرد که فرانسه پرواز به پاریس را بدون اعلام دلیل، لغو کرده است. سازمان هواپیمایی کشوری نیز به لغو این پرواز واکنش نشان داد و اعلام کرد که این سازمان بلافاصله پس از این اقدام، طی مکاتبه با سازمان هواپیمایی کشوری فرانسه و تماس‌های تلفنی با مسئولین مرتبط و همچنین از طریق رایزنی‌های سیاسی توسط وزارت امور خارجه کشورمان پیگیری‌های لازم جهت برقراری مجدد پرواز مزبور را انجام داده است.

در این بین، اما شایعاتی درخصوص مشکلات فنی، عدم هماهنگی و همچنین ارتباط شرکت هواپیمایی ایران‌ایر با لغو این پرواز در رسانه‌ها منتشر شد که وزیر راه و شهرسازی این موضوعات را تکذیب کرد. به گفته «فرزانه صادق»، همه ایرلاین‌هایی که در کشور فعالیت می‌کنند در جهت ارتقا و بالندگی کشور هستند و لغو این پرواز از طرف کشور فرانسه و یک‌جانبه اتفاق افتاده است.

این اظهارات در حالی است که شامگاه جمعه شرکت هواپیمایی ایران ایرتور طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که سازمان هواپیمایی فرانسه و فرودگاه شارل دوگل پاریس با احراز رعایت کلیه الزامات قانونی و فنی توسط شرکت ایران ایرتور اقدام به صدور مجوزهای لازم کرده بودند. در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است که شرکت هواپیمایی ایران ایرتور یک شرکت کاملا خصوصی با ترکیب سهامداران ۱۰۰ درصد خصوصی بوده و هیچ‌گونه وابستگی به دولت و شرکت‌های دولتی از جمله شرکت هواپیمایی ایران‌ایر نداشته و کاملا مستقل است؛ لذا، انتظار می‌رفت ادعاهای احتمالی و مغرضانه سایر شرکت‌های رقیب ملاک تصمیم‌گیری مراجع معتبری از جمله سازمان هواپیمایی کشور فرانسه قرار نگیرد، چراکه مرجع راستی‌آزمایی در این گونه موارد، سازمان هواپیمایی ایران به عنوان متولی صنعت هوانوردی کشور است. طبق اعلام ایران ایرتور، لغو مجوز پرواز تهران - پاریس از سوی سازمان هواپیمایی کشور فرانسه بدون ذکر دلیل موجه انجام شده است و این شرکت تمام توان خود را جهت رفع ابهامات احتمالی و برقراری مجدد این پرواز به کار خواهد گرفت.

با اظهارات مطرح شده از سوی برخی مقامات و همچنین شرکت هواپیمایی مربوطه، دقیقا مشخص نیست چرا پرواز روز جمعه تهران - پاریس لغو شده و چه کسانی مانع انجام این پرواز شده‌اند؟ چرا فرانسه براساس ادعاهای مطرح شده با وجود صدور مجوزهای لازم برای این پرواز، ۴۸ ساعت قبل از پرواز، آن را لغو می‌کند؟ و چرا در نهایت دود این عدم هماهنگی باید به چشم مسافرانی برود که از روزهای قبل برای سفر کاری، درمانی، تفریحی و آموزشی خود برنامه‌ریزی کرده‌اند؟

خبرنامه

اختلاف تراز آب ایران و جهان هر روز بیشتر می‌شود

رتبه پنجم ایران در مصرف آب

رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی با بیان اینکه ایران در پتانسیل آب‌های زیرزمینی رتبه ۳۷ و آب‌های سطحی رتبه ۶۲ را دارد، گفت ما در برداشت و مصرف آب متاسفانه رتبه پنجم را داریم و وسعت کشور ما ۱.۲ درصد خشکی‌ها است، در حالی که پتانسیل آبی حدود ۳۶ صدم درصد نسبت به کل قاره‌ها است.

دکتر داریوش اسماعیلی در برنامه زنده صبح بخیر ایران با بیان اینکه ایران با دارا بودن حدود ۲۷ و نیم تریلیون دلار منابع طبیعی اعم از نفت، گاز و انواع منابع طبیعی و معدنی در رتبه پنجم دنیا قرار دارد، گفت: از این مقدار، حدود ۵ درصد منابع معدنی است که بالغ بر ۱۴۰۰ میلیارد دلار مواد خام معدنی در درون زمین است که اگر این مواد استخراج و فرآوری شود و ضریب بالای ۵۰ را دریافت کند، بسیار قابل توجه است و اگر به بخش معدن و اکتشاف، استخراج و فرآوری تمرکز کنیم، حتما فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر جایگزینی معدن به جای نفت محقق خواهد شد.

او با اشاره به فعالیت اکتشافی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور در پهنه کردستان، گفت: ۲۵ ورقه زمین‌شناسی کاربردی و ۷۵ پروژه اکتشافی در سه لایه زمین‌شناسی، زمین‌شناسی اقتصادی و ژئوشیمی با مبلغی بالغ بر حدود ۳۰۰ میلیارد تومان برای وسعت حدود ۱۶ هزار کیلومتر مربعی تهیه شد. با هزینه انجام شده معادل ۵۷ آنومالی طلا، ۳۶ آنومالی مس، ۱۸ آنومالی سنگ‌آهن و ۱۰ آنومالی سرب و روی و آثاری از منگنز شناسایی شد که اگر بخواهیم این میزان را برای بورس و بخش خصوصی در معرض فروش و مزایده قرار دهیم، حتماً بالای ۲۰ هزار میلیارد تومان ارزش‌گذاری خواهد شد و این نشان می‌دهد تمرکز روی اکتشاف و مواد معدنی شبیه پاشیدن بذر و درو کردن آن با چندین برابر آنچه که هزینه می‌کنیم، خواهد بود.

رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا هنوز هم می‌توانیم امیدوار باشیم که در کشورمان ایران معادن جدید کشف شود و وسایل و ابزار پیشرفته برای رصد و اکتشاف نقطه به نقطه کشور را در اختیار داریم، گفت: طی سال‌های گذشته نگاه به‌روز بوده و نگاه میان‌مدت و طولانی‌مدت در بخش معدن وجود نداشته و عمده اکتشافات انجام شده اکتشافات سطحی بوده و هرگز به اکتشافات در عمق توجهی نکرده‌ایم. بر همین اساس عمده اکتشافات انجام شده در کشور اکتشافات سطحی بوده و هرگز اکتشافات عمیق را انجام ندادیم و امروز از طریق اکتشافات به روش نوین می‌توانیم تقریباً تمام اعماق زمین را مطالعه کرده و بر روی نقشه بیاوریم که مهمترین راه آن انجام مطالعات ژئوفیزیک هوایی است که پرواز هلیکوپترها داده‌های درون زمین و ذخایر زیرزمینی را به ما نمایش می‌دهد.

وی با بیان اینکه طی ۴۵ سال گذشته تنها ۶۵۰ هزار کیلومتر خطی پرواز فیزیک هوایی داشته‌ایم، تصریح کرد: خوشبختانه سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور طی برنامه پنج ساله هفتم توسعه، ۲ میلیون کیلومتر پرواز خطی خواهد داشت که تقریباً دو سوم کشور را پوشش می‌دهد و ما در این سازمان مصّر به انجام این کار هستیم و با برنامه‌ریزی‌های انجام شده طی حدود سه سال این میزان برداشت ژئوفیزیک هوایی را خواهیم داشت.

اسماعیلی با بیان اینکه فواصل پروازی تا قبل از انقلاب حدود ۷ و نیم کیلومتر بوده، ادامه داد: آنچه درون زمین وجود دارد را با فواصل هوایی ۲۵۰ متر بر روی نقشه خواهیم آورد که این مطالعات به حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان نیاز دارد و اگر این هزینه انجام شود، درآمد بالایی خواهیم داشت.

وی با بیان اینکه ما با یک اختلاف تراز آب در بین ایران و جهان مواجه هستیم، گفت: میزان بارندگی سالانه در ایران تقریباً یک سوم خشکی‌های جهان است و حدود ۲۳۰ میلیمتر در برابر ۸۳۰ میلیمتر میزان متوسط بارندگی در جهان است. در پتانسیل آب‌های زیرزمینی رتبه ۳۷ و آب‌های سطحی رتبه ۶۲ را داریم و در برداشت و مصرف آب متاسفانه رتبه پنجم را داریم و وسعت کشور ما ۱.۲ درصد خشکی‌ها است، در حالی که پتانسیل آبی حدود ۳۶ صدم درصد نسبت به کل قاره‌ها است.

معاون وزیر صمت با بیان اینکه متاسفانه ناترازی آب در آبخوان‌های کشور در حال حاضر ۱۴۵ میلیارد متر مکعب آب است، تصریح کرد: این بدین معناست که میزان برداشت ما از آبخوان‌های کشور طی سال‌های گذشته حدود ۱۴۵ میلیارد متر مکعب بیشتر از میزان آب وارد شده بوده و این باعث ایجاد حفراتی در درون زمین شده و این امر مهمترین عامل فرونشست زمین است. این اخطار جدی را به مسئولان کشور می‌دهیم که اگر رویه برداشت آب ادامه پیدا کند، فرونشست جدی‌ترین خطری خواهد بود که به سمت سرزمین ما خواهد آمد. به گفته اسماعیلی، تنظیم ناترازی انرژی و برق و گاز گرچه بسیار سخت است، ولی طی چند سال می‌توان آن را جبران کرد، ولی برای ناترازی آب چنین کاری نمی‌توانیم انجام دهیم و باید سالیان سال طول بکشد تا آبخوان‌های ما مملو از آب شوند و به حالت اولیه بازگردند.

پیگیری‌ها برای دریافت حقابه ایران ادامه دارد

نجات آب در مرز بحران

در حالی که ایران با بحران شدید منابع آبی دست و پنجه نرم می‌کند، وزارت نیرو در حال اجرای طرح‌های مختلف برای مدیریت و احیای منابع آب است. این بحران که ناشی از تغییرات اقلیمی، افزایش مصرف و کمبود منابع آبی است، به یکی از چالش‌های بزرگ اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تبدیل شده است. به‌گزارش «ایسنا»، برای گذر از تنش آبی در کشور طی سال‌های اخیر طرح‌ها و برنامه‌های متعددی در نظر گرفته شده است، مسئولان وزارت نیرو و شرکت‌های زیرمجموعه آن تلاش دارند تا با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، مدیریت مصرف و تقویت همکاری‌های بین‌المللی، وضعیت بحرانی آب را بهبود بخشند. محمد جوانبخت، معاون وزیر نیرو در امور آب و آبفا، نسبت به چالش‌های مدیریتی و تغییرات اقلیمی که بر منابع آب کشور تاثیر گذاشته تاکید کرده و گفته، تغییرات اقلیمی، ظهور خشکسالی‌های متوالی و افزایش جمعیت از عواملی هستند که باعث افزایش مصرف آب و کاهش منابع شده‌اند. او همچنین از کاهش ۴۰ درصدی بارش‌ها در سال آبی جاری نسبت به متوسط بلندمدت خبر داد و پیش‌بینی کرد که وضعیت آب کشور در آینده نزدیک بهبود نخواهد یافت.

در پاسخ به این بحران، وزارت نیرو طرح‌های مختلفی برای مدیریت و احیای منابع آب در دست اجرا دارد. یکی از مهمترین این طرح‌ها، طرح احیای منابع آب زیرزمینی است که به‌ویژه در مناطقی که منابع آب سطحی به شدت کاهش یافته، اهمیت دارد. تقی عبادی، مدیرکل دفتر توسعه نظام‌های فنی شرکت مدیریت منابع آب ایران، از اجرای سه پروژه عملیاتی در این زمینه خبر داد. این پروژه‌ها شامل نصب ابزارهای اندازه‌گیری بر روی چاه‌ها، جلوگیری از برداشت‌های غیرمجاز و مدیریت تراز آب‌های زیرزمینی هستند. به‌ویژه در مناطق کشاورزی که برداشت آب غیرمجاز رواج دارد، این اقدامات می‌توانند نقش مؤثری در حفظ منابع آبی ایفا کنند. علاوه‌بر این در سطح بین‌المللی، ایران با چالش‌هایی در زمینه تأمین منابع آبی از کشورهای همسایه روبه‌رو است. یکی از این چالش‌ها، موضوع حقابه هیرمند است که با کشور افغانستان در حال پیگیری است. وزارت نیرو به همراه وزارت امور خارجه، در حال پیگیری این موضوع از طریق مذاکرات دیپلماتیک و توافقات حقوقی است تا ایران بتواند به حقابه‌های خود از این رودخانه دست یابد. این اقدام، بخشی از تلاش‌های دولت برای حل بحران منابع آبی در مرزها و تأمین نیازهای آبی کشور است.

با توجه به پیچیدگی و گستردگی بحران آب در ایران، اقدامات دولت برای مدیریت منابع آبی شامل استفاده از فناوری‌های نوین، مدیریت بهینه مصرف و تقویت دیپلماسی آبی در سطح بین‌المللی است. همچنین، جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و تقویت صندوق‌های حمایتی برای ارتقای پروژه‌های تصفیه آب و بهبود زیرساخت‌های آبی کشور، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این حال، این اقدامات باید به طور مستمر به‌روزرسانی و تکمیل شوند تا بتوانند از بحران‌های آتی جلوگیری کنند و منابع آبی ایران را نجات دهند. بحران آب در ایران تنها یک مشکل محیط‌زیستی نیست، بلکه تهدیدی برای امنیت غذایی، بهداشت عمومی و توسعه اقتصادی کشور است. در این شرایط، هم‌افزایی میان دستگاه‌های دولتی، بخش خصوصی و جامعه علمی، به‌ویژه در زمینه بهینه‌سازی مصرف آب و بازچرخانی پساب، می‌تواند به‌عنوان یک وظیفه ملی برای تضمین آینده‌ای پایدار در نظر گرفته شود.

بحران انرژی چه پیامدهایی برای اقتصاد و محیط زیست ایران دارد؟

روزگار سیاه برق سبز

فرصت امروز: در حال حاضر، بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه برای رفع نیازهای خود از انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده می‌کنند. با وجود اهمیت بیش از پیش انرژی‌های تجدیدپذیر متاسفانه ایران به‌عنوان یک کشور بزرگ تولیدکننده نفت به‌طور فزاینده‌ای به منابع انرژی فسیلی وابسته است؛ تا جایی که داده‌های صندوق بین‌المللی پول طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۲ نشان می‌دهد برق تولید شده از انرژی‌های تجدیدناپذیر در ایران حدودا ۲۳ برابر برق تولید شده از انرژی‌های تجدیدپذیر است. این یعنی بخش قابل توجهی از برق کشور از طریق سوخت‌های فسیلی تامین می‌شود و انرژی‌های پاک، سهم بسیار کمی در این میان دارند؛ تا جایی که در دو دهه گذشته، تنها ۱,۵ درصد از برق تولیدی ایران از انرژی‌های تجدیدپذیر تامین شده است. آنچه «روزگار سیاه برق سبز» در ایران را نشان می‌دهد.

در سال ۲۰۲۲ سهم سوخت‌های فسیلی در تولید برق ایران حدود ۹۴ درصد بود که در این میان ۷۹ درصد (۲۹۴ تراوات ساعت) از گاز، ۱۵ درصد (۵۴ تراوات ساعت) از سایر سوخت‌های فسیلی و ۰,۲ درصد (۰,۷ تراوات ساعت) از زغال‌سنگ تولید شده است. سهم برق آبی در سبد تولید برق ایران برابر با ۴,۵ درصد (۱۷ تراوات ساعت) و سهم برق هسته‌ای برابر با یک درصد (۳,۵ تراوات) بوده است. این اعداد به معنای فاصله نجومی ایران با گذار انرژی جهانی است. هرچند کماکان در مرز میانگین منطقه خاورمیانه است. تولید برق از انرژی باد و خورشید در ایران به طور قابل‌توجهی کندتر از میانگین جهانی بوده است؛ به‌طوری‌که در حال حاضر باد و خورشید ۰,۵ درصد از تولید برق کشور را تشکیل می‌دهند (این رقم در سال ۲۰۱۵ تنها ۰,۰۵ درصد بود). در مقایسه، در مدت مشابه سهم جهانی باد و خورشید از ۴,۶ درصد به ۱۲,۱ درصد افزایش یافته است.

بازار نزولی و بی‌ثبات سوخت فسیلی

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در گزارشی به بررسی «کلان‌روند انرژی و پیامدهای آن برای ایران» پرداخته و این سوال را مطرح کرده است که بحران انرژی چه پیامدهایی برای اقتصاد و محیط زیست ایران به همراه دارد؟ این گزارش با اشاره به بحران انرژی در اقتصاد ایران می‌نویسد: کشور در حوزه انرژی با بحران جدی روبه‌رو است؛ بحران ناشی از گذار جهانی انرژی و بحران شکاف میان تقاضا و عرضه به‌صورت هم‌زمان این حوزه را تهدید می‌کند و در این میان باید به کربن‌زدایی هم به‌عنوان یکی از ابعاد گذار توجه شود. کلان‌روند انرژی جهانی، به معنای روندی جاری در حوزه انرژی، بلندمدامنه و بزرگ‌مقیاس است که جمعیت‌های انسانی را به شکلی عمیق و گسترده از خود متأثر می‌کند. تعریف بسیار خلاصه کلان‌روند انرژی جهانی با مفهوم «گذار انرژی» مشخص می‌شود: گذار از انرژی‌های فسیلی به انرژی‌های تجدیدپذیر. گرمایش جهانی، گسترش شهرنشینی، رشد اقتصادی و روند افزایشی مصرف انرژی، مهمترین مؤلفه‌های پیرامونی هستند که با بحث گذار انرژی مرتبط می‌شوند و به آن شکل می‌دهند.

تا سال ۲۰۳۰، بیش از دو سوم جمعیت جهان در شهرها زندگی کرده، ۶۰ تا ۸۰ درصد منابع انرژی را مصرف خواهند کرد و مسئول ۷۰ درصد از آلایندگی جهانی هستند. تأمین انرژی این نقاط تجمع انسانی یک چالش عمده است. شهرهای متوسط بیش از کلانشهرها توسعه پیدا خواهند کرد. طبقه متوسط از ۳,۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۰ به ۵,۳ میلیارد نفر در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. باتوجه‌به اینکه طبقه متوسط بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی است، این افزایش شدید در جمعیت این طبقه خود عامل دیگری برای ترسیم کلان‌روند انرژی در آینده خواهد بود. کربن‌زدایی و گرمایش زمین، امنیت انرژی و توسعه پایدار از جمله مهمترین ابعاد گذار انرژی هستند. زمین امروز یک درجه از سال ۱۹۵۰ و حدود دو درجه از دوران پیشاانقلاب صنعتی گرم‌تر است و این عامل فجایع زیست‌محیطی است. امنیت انرژی به‌واسطه مشکلات در عرضه آسیب‌پذیر شده است و توسعه پایدار، مهمترین دستور کار کشورها باید قرار بگیرد. روند فعلی بهای انرژی‌های فسیلی نزولی است، بازار به‌طور کلی باثبات است و نشانه‌هایی از کاهش اثرپذیری بازار از مسائل ژئوپلیتیک به چشم می‌خورد.

گذار از سوخت فسیلی به تجدیدپذیر

اقتصاد انرژی، مقدمات یک گذار مثبت و امیدبخش را به نمایش گذاشته است. این گذار با خودروهای الکتریکی (EVs) و سلول‌های فوتوولتاییک خورشیدی (PVs) میسر و مشخص شده است. این دو فناوری انقلابی، ستون‌های اصلی گذار انرژی در دهه جاری هستند. طبق گزارش بانک جهانی، PVs نامتصل به شبکه در سال ۲۰۲۳ مجرای دسترسی ۵۶۱ میلیون نفر از به انرژی الکتریسیته بودند. رشد شگفت‌انگیز فروش خودروهای الکتریکی نیز به یک خودرو در هر پنج خودرو رسیده است که نقش مهمی در کاهش آلاینده‌های بخش حمل‌ونقل بوده و می‌تواند تا سال ۲۰۳۰ عامل کاهش مصرف روزانه ۶ میلیون بشکه نفت شود. یکی از ابعاد مهم گذار انرژی، موافقت‌نامه پاریس است که توسط ۱۹۶ کشور و نهاد طی کنفرانس تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل متحد در پاریس، فرانسه و در سال ۲۰۱۵ تأیید و از سال ۲۰۱۶ اجرایی شد. موجزترین تعریف اهداف این موافقت نامه از این قرار است: «توقف افزایش دمای میانگین جهانی (در نقطه) کمتر از دو درجه بالاتر از سطح دوران پیشاانقلاب صنعتی» و تلاش برای «محدود کردن افزایش دما به ۱,۵ درجه بیشتر از سطح دوران پیشاصنعتی».

استفاده از الکتریسیته حاصل از منابع تجدیدپذیر بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ تقریبا ۵۰ درصد رشد داشته است که عمدتا وامدار توسعه استفاده از نیروگاه‌های بادی و خورشیدی فوتوولتائیک (PV) بوده است. در سال ۲۰۲۲ سهم سوخت‌های فسیلی در تولید برق ایران حدود ۹۴ درصد بود که در این میان ۷۹ درصد (۲۹۴ تراوات ساعت) از گاز، ۱۵ درصد (۵۴ تراوات ساعت) از سایر سوخت‌های فسیلی و ۰,۲ درصد (۰,۷ تراوات ساعت) از زغال‌سنگ تولید شده است. سهم برق آبی در سبد تولید برق ایران برابر با ۴,۵ درصد (۱۷ تراوات ساعت) و سهم برق هسته‌ای برابر با یک درصد (۳,۵ تراوات) بوده است. این اعداد به معنای فاصله نجومی ایران با گذار انرژی جهانی است. هرچند کماکان در مرز میانگین منطقه خاورمیانه است. تولید برق از انرژی باد و خورشید در ایران به طور قابل‌توجهی کندتر از میانگین جهانی بوده است؛ به‌طوری‌که در حال حاضر باد و خورشید ۰,۵ درصد از تولید برق کشور را تشکیل می‌دهند (این رقم در سال ۲۰۱۵ تنها ۰,۰۵ درصد بود). در مقایسه، در مدت مشابه سهم جهانی باد و خورشید از ۴,۶ درصد به ۱۲,۱ درصد افزایش یافته است.

حلقه مفقوده سند ملی راهبرد انرژی

سند ملی راهبرد انرژی کشور، مهمترین سند بالادستی کشور در زمینه انرژی تا سال ۱۴۲۰، در عین توجه به مسائلی مهم، به جز موارد محدود همچون «کاهش شدت انرژی در کشور به نصف» و «افزایش حداقل پنج واحد درصد به ضریب بازیافت میادین نفتی»، فاقد معیار کمی و سنجش‌پذیر برای بررسی میزان تحقق اهداف در افق ۱۴۲۰ است و عموما در کلیاتی همچون «حداکثرسازی، استفاده حداکثری، افزایش خوداتکایی و تنوع‌بخشی» متوقف شده است. سند اهداف کلی توسعه بخش نفت و گاز، سند راهبردی و نقشه راه توسعه فناوری سیستم‌های انتقال برق با ظرفیت بالا، سند راهبرد ملی و نقشه راه توسعه فناوری‌های مرتبط با انرژی خورشیدی در ایران، سند راهبرد ملی و نقشه راه توسعه فناوری‌های مرتبط با انرژی زمین‌گرمایی در ایران و سند راهبرد ملی و نقشه راه توسعه فناوری‌های مرتبط با انرژی زیست‌توده در ایران نیز در حد کلیات باقی مانده است و فاقد معیارهای ضروری تدوین اسناد ملی همچون شناسایی دقیق پتانسیل‌ها، میزان نیازها در افق طرح، سنجش‌پذیری میزان تحقق اهداف، موانع و چالش‌های پیش رو و شیوه تأمین منابع به‌ویژه منابع مالی و دسترسی به تکنولوژی‌های موردنیاز هستند که به‌ویژه در شرایط تحریمی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته در حال تجربه گذار انرژی هستند؛ یعنی از سوخت‌های فسیلی به سمت منابع تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی، بادی و برق-آبی حرکت کرده‌اند. این تغییر به دلیل مزایای زیست‌محیطی، اقتصادی و فناوری‌های نوین صورت می‌گیرد. انرژی‌های تجدیدپذیر نه‌تنها انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش می‌دهند، بلکه منابع نامحدودی دارند و وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کم می‌کنند. از سوی دیگر، سوخت‌های فسیلی با مشکلاتی مانند انتشار گازهای گلخانه‌ای، اتمام منابع، آلودگی محیط زیست و نوسان قیمت مواجه هستند. ایران نیز به عنوان کشوری با منابع غنی فسیلی، هنوز بخش عمده‌ای از برق خود را از طریق نیروگاه‌های تجدیدناپذیر تولید می‌کند. با این حال، روند رشد انرژی‌های تجدید پذیر در سال‌های اخیر امیدوارکننده بوده است. آمار صندوق بین‌المللی پول از تولید برق ایران طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۲ نشان می‌دهد، اگرچه سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در مقایسه با تجدید ناپذیر هنوز کم است، اما توسعه آنها می‌تواند آینده‌ای پایدارتر و کم‌کربن برای کشور به ارمغان آورد.

دیپلماسی انرژی؛ پاسخ به تحریم‌ها و فشارها

۴۶ سال استقلال نفتی

در آستانه چهل و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، صنعت نفت کشور نه‌تنها به عنوان یک بخش اقتصادی اصلی و حیاتی، بلکه به عنوان نمادی از خودکفایی و استقلال، در عرصه جهانی به قوت خود ادامه داده است. در طول این سال‌ها، علی‌رغم چالش‌ها از جمله جنگ تحمیلی، تحریم‌های شدید بین‌المللی و فشارهای سیاسی که برای صنعت نفت ایجاد شد، همت و تلاش جهادگران ایرانی باعث شده که تولید و صادرات نفت کشور هرگز متوقف نشود. به گزارش «ایسنا»، صنعت نفت کشور در این مدت نه‌تنها در زمینه اکتشافات و توسعه میادین جدید گازی و نفتی پیشرفت‌های چشمگیری داشته، بلکه با تکیه بر توانمندی‌های داخلی، از وابستگی به شرکت‌های خارجی رهایی یافته و به خودکفایی نزدیک شده است. در طول سال‌های اخیر، ایران موفق به کشف بیش از ۷۰ میدان هیدروکربوری جدید شد که از آن جمله می‌توان به میدان‌های پارس جنوبی، آزادگان، یادآوران و دیگر میادین برجسته اشاره کرد. یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای صنعت نفت ایران در طول ۴۵ سال گذشته، کشف و بهره‌برداری از میادین نفتی و گازی جدید است. طی این مدت، ایران موفق به شناسایی بیش از ۷۰ میدان هیدروکربوری جدید شد که از این تعداد، ۲۱ میدان نفتی و بقیه گازی بوده‌اند. میدان گازی پارس جنوبی به‌ویژه در این زمینه جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چراکه این میدان به عنوان بزرگ‌ترین میدان گازی جهان شناخته می‌شود و سهم ایران از این میدان مشترک با قطر، در سال‌های اخیر حتی از میزان برداشت قطر نیز بیشتر شده است. کشفیات مهم دیگری همچون میادین آزادگان، یادآوران، مارون، اروند و سردار جنگل در این دوره انجام شده‌اند که همگی به عنوان منابع جدید درآمد برای کشور محسوب می‌شوند. این دستاوردها نشان می‌دهد که ایران نه تنها در حفظ و نگهداری منابع نفتی موجود موفق بوده، بلکه به توسعه و گسترش آنها نیز دست یافته است.

میدان گازی پارس جنوبی در خلیج فارس به عنوان بزرگ‌ترین میدان گازی جهان، از مهمترین منابع تأمین انرژی کشور است که ایران در اختیار دارد. در طول بیش از دو دهه، این میدان به یکی از نمادهای خودکفایی در صنعت نفت ایران تبدیل شده است. با بهره‌برداری از این میدان، ایران موفق به تأمین بیش از ۷۰ درصد نیاز گازی خود شده و علاوه بر آن، بخش قابل توجهی از بنزین کشور از میعانات گازی تولید شده در این میدان تأمین می‌شود. براساس داده‌های رسمی، حدود ۵۵ درصد میعانات تولیدشده در پارس جنوبی به پالایشگاه ستاره خلیج فارس ارسال و به ۷۰ میلیون لیتر فرآورده در روز شامل ۴۵ میلیون لیتر بنزین تبدیل می‌شود، به‌گونه‌ای که ۴۰ درصد تولید بنزین کشور از محل محصولات تولیدی میدان پارس جنوبی است. همچنین ارزش این مقدار گاز تولیدی از پارس جنوبی که بیش از ۷۰ درصد گاز مصرفی کشور را تأمین می‌کند معادل ۴ میلیون بشکه نفت در روز است. از ابتدای برداشت گاز از این میدان مشترک تا پایان ۱۴۰۲ روند تولید سالانه و تجمیعی گاز غنی‌شده از میدان مشترک پارس جنوبی بیش از ۲ هزار و ۷۳۸ میلیارد مترمکعب به ارزش ۸۵۰ میلیارد دلار (با احتساب هر مترمکعب گاز ۳۳ سنت) برآورد شده است.

اکنون با بهره‌گیری از ۱۳ پالایشگاه با ۳ هزار و ۲۰۰ خط لوله دریایی ۳۲ اینچ، ۲۹ سکوی بهره‌برداری و ۳۳۶ حلقه چاه، روزانه بیش از ۷۱۰ میلیون مترمکعب تولید در میدان گازی پارس جنوبی انجام می‌شود. این در حالی است که روزانه هر پالایشگاه ۵۰ میلیون مترمکعب گاز شبکه، ۴۰۰ تن گوگرد، ۷۷ هزار بشکه میعانات گازی، یک هزار و ۸۰۰ تن بوتان، یک هزار و ۱۰۰ تن پروپان، ۲ هزار و ۷۵۰ تن اتان و در مجموع محصولاتی به ارزش ۱۰ میلیون دلار در روز معادل ۳.۵ میلیارد دلار در سال تولید می‌کند.

همچنین براساس آمارها، در مجموع ۲۹ میلیون تن اتان، پروپان و بوتان از تأسیسات پارس جنوبی استحصال و به‌عنوان خوراک به واحدهای پتروشیمی تحویل و یا صادر می‌شود. یکی از مهمترین دستاوردها در این زمینه، تولید و فرآورش روزانه بیش از ۷۱۰ میلیون مترمکعب گاز از این میدان است که تأمین‌کننده اصلی سوخت، گاز و میعانات گازی کشور است. این گاز نه‌تنها در تولید برق و تأمین گرمایش مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه به عنوان خوراک واحدهای پتروشیمی نیز به‌کار می‌رود. یکی از مهمترین دستاوردهای صنعت نفت ایران در سال‌های اخیر، پیشرفت در زمینه بومی‌سازی و ساخت تجهیزات است. پیش از انقلاب اسلامی، بخش عمده‌ای از تجهیزات موردنیاز صنعت نفت ایران از طریق شرکت‌های خارجی تأمین می‌شد. اما با پیروزی انقلاب و خروج متخصصان و شرکت‌های خارجی، ایران به سرعت دست به بومی‌سازی تجهیزات زد و توانست بسیاری از نیازهای خود را از طریق دانش و فناوری داخلی تأمین کند. در این زمینه، شرکت‌های ایرانی توانسته‌اند طی سال‌های اخیر بسیاری از تجهیزات پیشرفته مورد نیاز صنعت نفت را تولید کنند، به طوری که امروز ایران به خودکفایی ۸۰ درصدی در تولید و تأمین تجهیزات نفتی دست یافته است. این موفقیت‌ها به وضوح نشان‌دهنده رشد و بلوغ صنعت نفت ایران است که در سال‌های اخیر توانسته است به یک قطب صنعتی مستقل تبدیل شود. در عرصه دیپلماسی انرژی، ایران در مواجهه با تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای جهانی، توانسته است راه‌های جدیدی برای فروش نفت و گاز خود پیدا کند. اگرچه در سال‌های اخیر تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری بر صادرات نفت ایران تأثیر گذاشته‌اند، اما وزارت نفت با مدیریت هوشمندانه و روابط بین‌المللی موفق شده است تا همچنان مسیر صادرات نفت را باز نگه دارد. در این راستا، ایران به‌رغم مشکلات موجود، همچنان به عنوان یکی از تأمین‌کنندگان کلیدی نفت در بازار جهانی شناخته می‌شود. گزارش‌های بین‌المللی نظیر آنچه مؤسسه صلح آمریکا منتشر کرده‌اند، بر این نکته تأکید دارند که نفت ایران قابل جایگزینی نیست و این کشور همچنان به عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت در جهان باقی خواهد ماند. صنعت نفت ایران در طول ۴۵ سال گذشته، علی‌رغم همه فشارها و چالش‌های داخلی و خارجی، توانسته است نه تنها تولید و صادرات نفت خود را حفظ کند، بلکه با تکیه بر توانمندی‌های داخلی، به خودکفایی در بسیاری از زمینه‌ها دست یابد. در حال حاضر، ایران با توسعه میادین جدید، پیشرفت در ساخت تجهیزات نفتی و اجرای دیپلماسی انرژی مؤثر، به عنوان یکی از قدرت‌های نفتی جهان شناخته می‌شود. در آینده نیز با ادامه این مسیر، صنعت نفت ایران قادر خواهد بود تا به تأمین انرژی کشور و بازارهای جهانی کمک کند و در مسیر استقلال اقتصادی و انرژی کشور گام بردارد.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۰۰۱۶۰۱۲۶۲۵ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد جواد بابائی فرزند شعبانعلی بشماره شناسنامه ۵۰۰۰۰۵۳۰۵۲ صادره از در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۱۹۹ متر مربع پلاک ۶۸۵ فرعی از ۲۱-اصلی واقع در بخش ۲ قریه زرد آب خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای ابراهیم یوسفی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضاء مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۱۸۶۶۷۰۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

مهدی آزاد
رییس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۰۰۱۶۰۱۳۰۹۹ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمود آباد تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای بهزاد کرمی فرزند منصور بشماره شناسنامه ۱۶۵۹ صادره از اردبیل در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۵۸۶.۹۸ مترمربع پلاک فرعی ۱۸۶۰ از ۳۰ اصلی واقع در بخش ۱۱ قریه متوریج خریداری از مالک رسمی آقای سیف اله فرج پور محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضاء مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۱۸۶۶۸۸۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

مهدی آزاد
رییس ثبت اسناد و املاک

آگهی فقدان سند مالکیت (موضوع ماده ۱۲۰)

آقای حسین صادقیان با وکالت شماره ۳۹۵۲۱ مورخ ۱۴۰۳،۰۲،۰۹ دفتر ۷۳ اسلامشهر از آقای حجت سارجالو فرزند رسول با شماره شناسنامه ۱۴۵۴ صادره از ماه نشان با تسلیم یک برگ استشهادیه و درخواستی به شماره وارده ۵۸۵۱۹ مورخ ۱۴۰۳،۱۰،۰۱ اعلام داشته سند مالکیت شش دانگ یک دستگاه آپارتمان به مساحت ۵۵،۷۵ متر مربع قطعه ۴ تفکیکی به پلاک ثبتی ۱۵۷۱۱ فرعی از ۴۶ اصلی مفروز و مجزا شده از ۸۳۰۲ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۲ تهران شهرستان اسلامشهر که سند مالکیت به دفتر ۶۱۹ شماره صفحه ۲۳۲ و شماره ثبت ۷۷۷۶۷ به نام حجت سارجالو ثبت و سند چاپی ۵۹۶۹۶۶ ج،۹۳ صادر و تسلیم گردیده است. حسب الاظهار به علت سرقت مفقود گردیده لذا تقاضای صدور سند المثنی نموده است. و در همین راستا وفق مقررات ماده ۱۲۰ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۸۰،۱۱،۰۸ مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی حق برای خود بوده یا اعتراضی داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این اداره مراجعه و ضمن ارایه اصل سند یا سند معامله اعتراض خود را کتبا تسلیم نماید بدهی است که در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر قانونی و یا عدم ارائه اصلی سند مالکیت یا سند معامله سند المثنی پلاک مذکور طبق مقررات صادر و تسلیم خواهد شد

سجاد ایزدی
**رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اردبیل
اداره ثبت اسناد واملاک حوزه ثبت ملک خلخال

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی اسامی اشخاصی که باستناد مدارک ارائه شده از طریق هیات حل اختلاف موضوع قانون مذکورِ مستقر در ثبت خلخال تقاضای رسیدگی و ثبت و صدور سند مالکیت نسبت به مورد خریداری خود را نموده اند و مالکیت متصرفی و مفرزوی ایشان برابر آرای صادره از هیات مذکور تایید و به اداره ثبت اعلام گردیده که پس از اختصاص پلاک ثبتی مراتب بشرح ذیل در دو نوبت جهت اطلاع آگهی می شود:

از بخش ۷ هروآبادخلخال

۱ -ششدانگ یکقطعه زمین محصور به پلاک۲فرعی از ۷۳-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای علی طالبی وخانم رویا طالبی؛ بالسویه از مالکیت اولیه بابا طالبی بمساحت ۵۱،۸۵ مترمربع واقع در اراضی هروآباد.

۲-ششدانگ یکقطعه زمین محصور با اعیانی احداثی به پلاک ۲۹۹ فرعی از ۱۳۱۰-اصلی مورد تقاضا و متصرفی خانم سیده سیما مرجائی؛ از مالکیت اولیه سید ذبیح اله مرجائی وخانم علویه ملجائی، بمساحت ۱۹۵ مترمربع واقع در اراضی هروآباد.

۳-ششدانگ یکقطعه زمین محصور با اعیانی احداثی به پلاک ۳۰۰ فرعی از ۱۳۱۰-اصلی مورد تقاضا و متصرفی خانم سیده سیما مرجائی؛ از مالکیت اولیه سید ذبیح اله مرجائی وخانم علویه ملجائی، بمساحت ۵۲ مترمربع واقع در اراضی هروآباد.

۴-ششدانگ یکقطعه زمین محصور با اعیانی احداثی به پلاک ۳۰۱ فرعی از ۱۳۱۰-اصلی مورد تقاضا و متصرفی خانم اعظم السادات مرجائی؛ از مالکیت اولیه خانم علویه ملجائی بمساحت ۱۹۵ مترمربع واقع در اراضی هروآباد

۵-ششدانگ یکقطعه زمین محصور با اعیانی احداثی به پلاک۳۰۲ فرعی از ۱۳۱۰-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای سید علی مرجائی ؛ از مالکیت اولیه ذبیح اله مرجائی وخانم علویه ملجائی بمساحت ۳۴۹،۱۶ مترمربع واقع در اراضی هروآباد.

۶-ششدانگ یکقطعه زمین محصور با اعیانی احداثی به پلاک ۵۰ فرعی از ۱۶۰۲-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای اسماعیل نصرتی مقدم لیوندانی؛ از مالکیت اولیه کریم صدر امیر جانلو بمساحت ۱۲۳،۶۰ مترمربع واقع در اراضی هروآباد.

۷-ششدانگ یکقطعه زمین محصور با اعیانی احداثی به پلاک ۱۳۷ فرعی از ۱۶۹۷-اصلی مورد تقاضا و متصرفی خانم زهرا فتح الهی اسمرود؛ از مالکیت اولیه محمدصادق وعبداله هردو لطیفی بمساحت ۱۰۰ مترمربع واقع در اراضی هروآباد.

۸-ششدانگ یکباباخانه ومحوطه به پلاک ۱۸۴ فرعی از ۱۶۹۹-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای محمد نادری؛ از مالکیت اولیه خانم هویدا تیمورزاده بمساحت ۹۵،۱۳ مترمربع واقع در اراضی هروآباد.

۹-ششدانگ یکقطعه زمین محصور با اعیانی احداثی به پلاک ۵۸ فرعی از ۱۷۴۹-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقایان احسان اله ویداله وخیراله هرسه علیزاده؛ بالسویه از مالکیت اولیه اسد نصیری بمساحت ۱۴۸،۸۰ مترمربع واقع در اراضی هروآباد.

۱۰-ششدانگ یکباباخانه ومحوطه به پلاک ۱۳۹ فرعی از ۱۸۹۴-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای ماشاله نصیری دوگر؛ از مالکیت اولیه صاحعلی رنجیربمساحت ۲۰۴ مترمربع واقع در اراضی هروآباد.

۱۱-ششدانگ یکقطعه زمین محصور با اعیانی احداثی به پلاک۱۴۰ فرعی از ۱۸۹۴-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای ثیاب اسدی اسمرود؛ از مالکیت اولیه سبزعلی رنجیروهادی پارسائی بمساحت ۳۱،۸۲ مترمربع واقع در اراضی هروآباد.

۱۲-ششدانگ یکقطعه زمین محصور با اعیانی احداثی به پلاک۱۴۰ فرعی از ۱۸۹۴-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای ثیاب اسدی اسمرود؛ از مالکیت اولیه عبداله ومحمدوصاحعلی وعزیزاله همگی رنجیربمساحت۱۴۰،۴۸ مترمربع واقع در اراضی هروآباد.

از بخش ۷ خانندبیل خلخال

۱۳-ششدانگ یکباب انباری ومحوطه به پلاک ۳۴۶۸ فرعی از ۱۹۰۹-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای اکبر علی پور اندبیلی؛ از مالکیت اولیه محمدحسین علیپوربمساحت ۴۱۴،۴۱ مترمربع واقع در اراضی اندبیل.

۱۴-ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دیمی پلاک ۳۴۶۹ فرعی از ۱۹۰۹-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای بشیر شهبازی اندبیلی؛ از مالکیت اولیه قنبر شهبازی بمساحت ۱۰۴۱،۲۴ مترمربع واقع در اراضی اندبیل

۱۵-ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دیمی پلاک ۳۴۷۰ فرعی از ۱۹۰۹-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای نور علی وحدانی؛ از مالکیت اولیه لطف اله وحدانیبمساحت ۲۰۰۴۵،۳۲ مترمربع واقع در اراضی اندبیل

۱۶-ششدانگ یکقطعه زمین محصور پلاک ۳۴۷۷ فرعی از ۱۹۰۹-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای محمدرضا حاجتی؛ از مالکیت اولیه تقی عبدالحسین زاده بمساحت ۲۴ مترمربع واقع در اراضی اندبیل

۱۷- ششدانگ یکقطعه باغ به پلاک۱۱۷ فرعی از ۱۹۱۳-اصلی مورد تقاضا و متصرفی خانم فضیلت گرماخیز اناویز؛ از مالکیت اولیه اسرافیل گرماخیزبمساحت ۶۹۳،۷۹ مترمربع واقع در اراضی اناویز.

۱۸-ششدانگ یکقطعه باغ به پلاک۱۱۸ فرعی از ۱۹۱۳-اصلی مورد تقاضا و متصرفی خانم سمیه گرماخیز اناویز ؛از مالکیت اولیه اسرافیل گرماخیز بمساحت ۱۱۴۴،۳۲ مترمربع واقع در اراضی اناویز.

۱۹-ششدانگ یکقطعه باغ به پلاک۱۱۹ فرعی از ۱۹۱۲-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقا شجاع الدین گرماخیز اناویز ؛از مالکیت اولیه اسرافیل گرماخیز بمساحت ۱۶۴۲،۳۹ مترمربع واقع در اراضی اناویز.

۲۰-ششدانگ یکقطعه باغ به پلاک ۱۲۰ فرعی از ۱۹۱۲-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقا علی گرماخیز اناویز ؛از مالکیت اولیه اسرافیل گرماخیز بمساحت ۱۳۵۰،۲۲ مترمربع واقع در اراضی اناویز.

۲۱-ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دیمی به پلاک۱۲۱ فرعی از ۱۹۱۳-اصلی مورد تقاضا و متصرفی خانم مرال رحیمی چلنبر؛ از مالکیت اولیه الهویردی رحیمی بمساحت ۲۵۴۹،۴۶ مترمربع واقع در اراضی اناویز.

۲۲-ششدانگ یکقطعه باغ به پلاک۱۲۲ فرعی از ۱۹۱۳-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقا شیراله فلاح اناویز ؛از مالکیت اولیه خود متقاضی بمساحت ۳۱۲۲،۰۴ مترمربع واقع در اراضی اناویز.

۲۳-ششدانگ یکقطعه زمین محصور با اعیانی احداثی به پلاک۱۲۳ فرعی از ۱۹۱۳-اصلی مورد تقاضا و متصرفی اقای حمداله عبدی ؛ از مالکیت اولیه اسداله رمضانی بمساحت ۱۲۸،۹۵ مترمربع واقع در اراضی اناویز .

۲۴-ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی آبی به پلاک ۱۳۵ فرعی از ۱۹۱۸-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقا حسین صادقی سنجبدله ؛از مالکیت اولیه فرخ بوریایی بمساحت ۳۴۸۰،۶۲ مترمربع واقع در اراضی سنجبدله

۲۵-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی آبی به پلاک ۵۰۰ فرعی از ۱۹۱۹-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای محمد قاسم ابراهیمی گورانسراب ؛از مالکیت اولیه بلود ابراهیمی بمساحت ۵۲۳۲،۶۶ مترمربع واقع در اراضی گورانسراب .

۲۶-ششدانگ یکباباخانه ومحوطه به پلاک۳۷۳ فرعی از ۱۹۳۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای صفر علیزاده شیخ جانلو؛ از مالکیت اولیه حسن علیزاده بمساحت ۳۱۲ مترمربع واقع در اراضی شیخ جانلو.

۲۷-ششدانگ چهارقطه زمین مزروعی دیمی به پلاکهای ۱۹۶،۱۹۹،۱۹۸،۱۹۷فرعی از ۱۹۳۳-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای نجف خانعلی زاده گزاز ؛از مالکیت اولیه محمد خانعلی زاده بمساحتهای۱۶۹ ،۹،۴۵و۴۸۸۵،۳۶و۴۲۵۸،۲۲و۴۷۰ مترمربع واقع در اراضی گزاز.

۲۸-ششدانگ یکقطه باغ به پلاک ۴۲۲ فرعی از ۱۹۴۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای اکبر فرض اله پور وخانم آیلارمدزاده ؛ بالمناصفه از مالکیت اولیه علی میرزا اشرفی بمساحت ۴۶۴۶،۶۱ مترمربع واقع در اراضی مزجین .

۲۹-ششدانگ یکقطه باغ به پلاک ۴۲۳ فرعی از ۱۹۴۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای اکبر فرض اله پور وخانم آیلارمدزاده ؛ بالمناصفه از مالکیت اولیه علی میرزا اشرفی بمساحت ۳۴۱۰،۵۶ مترمربع واقع در اراضی مزجین .

۳۰-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک ۹۰۷ فرعی از ۱۹۴۴-اصلی مجزا شده از ۶۴۳فرعی مورد تقاضا و متصرفی آقای مطهر میرائی ؛از مالکیت اولیه سیداعظم میرائی بمساحت ۲۸۶۷،۸۰ مترمربع واقع در اراضی زاویه سادات .

۳۱-ششدانگ یازده قطعه زمین مزروعی دیمی و آبی به پلاکهای ۱۰۶۹و۱۰۷۰و۱۰۷۱و۱۰۷۲و۱۰۷۳ و۱۰۷۴و۱۰۷۵و۱۰۷۶و۱۰۷۷و۱۰۷۸و۱۰۷۹فرعی همگی از ۱۹۴۸-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای محرم عبدالهی طولش؛ازمالکیت مشاعی و اولیه خودمتقاضی بمساحتهای۵۲۳۲،۶۶و۵۵۱،۳۶و۳۱۱۵،۳۶و۱۲۱۲۵،۶۸و۴۱۴۶،۵۶و۳۰۸۸،۶۲و۱۷۵۷،۴۲و۱۰۴۱۴،۶۵و۱۰۰۶،۶۴و۷۰۹۵،۷۴و۲۷۸۱،۱۱مترمربع واقع در اراضی طولش.

۳۲-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک۱۰۸۰ فرعی از ۱۹۴۸-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقایان حسین وعلی هردوحسینعلی زاده طولش؛ بالسویه از مالکیت اولیه حسینعلی حسینعلی زاده بمساحت ۹۹۱۹،۰۹ مترمربع واقع در اراضی طولش .

۳۳-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک۱۰۸۱ فرعی از ۱۹۴۸-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای عیسی حیاتی ؛از مالکیت اولیه کرم جعفری بمساحت ۶۷۱،۵۶ مترمربع واقع در اراضی طولش .

۳۴-ششدانگ دوقطعه زمین مزروعی دیمی به پلاکهای ۱۰۸۲و۱۰۸۳ فرعی از ۱۹۴۸-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای یحی غفاری طولش؛از مالکیت اولیه سراصلان غفاری بمساحتهای۶۳۶۰،۶۶و۶۶۹۱،۴۰ مترمربع واقع در اراضی طولش .

۳۵-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک۱۰۸۴ فرعی از ۱۹۴۸-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای یثوب جعفری طولش؛از مالکیت اولیه میرزا علی جعفری بمساحت ۴۲۷۳،۸۹ مترمربع واقع در اراضی طولش .

۳۶-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک۱۰۸۵ فرعی از ۱۹۴۸-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای یوسف جعفری ؛از مالکیت اولیه میرزا علی جعفری بمساحت ۶۸۱۳،۵۴ مترمربع واقع در اراضی طولش .

۳۷-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک۱۰۸۶ فرعی از ۱۹۴۸-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای محمد یعقوبی طولش؛از مالکیت اولیه اذن اله حیدری بمساحت ۳۲۹۵،۹۱ مترمربع واقع در اراضی طولش .

۳۸-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی آبی به پلاک۱۰۸۷ فرعی از ۱۹۴۸-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای شاهرخ حاتمی طولش؛از مالکیت اولیه رحمن اسکندری بمساحت ۲۰۷۷،۸۰ مترمربع واقع در اراضی طولش .

۳۹-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک۶۹۶ فرعی از ۱۹۵۰-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای شمخال جعفرپور؛از مالکیت اولیه خود متقاضی بمساحت ۵۱۹۲،۹۲ مترمربع واقع در اراضی خانقاه بفراجرد.

۴۰-ششدانگ دوقطعه زمین مزروعی دیمی و آبی به پلاکهای ۶۹۸و۶۹۷فرعی از ۱۹۵۰-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای عزت اله اصلانی خانقاه؛از مالکیت اولیه اصلان اصلانی بمساحتهای۱۲۹۳،۱۳و۱۹۱۱،۵۵ مترمربع واقع در اراضی خانقاه بفراجرد.

۴۱-ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی آبی به پلاک ۹۶۴ فرعی از ۱۹۵۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای مهدی نجفی مجره؛از مالکیت اولیه حبیب اله شاد بهر بمساحت ۴۴۱۶،۲۸ مترمربع واقع در اراضی مجره .

۴۲-ششدانگ دوقطعه زمین مزروعی دیمی به پلاکهای ۹۶۶،۹۶۵ فرعی از ۱۹۵۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای سید مختار معصوم زاده مجره؛از مالکیت اولیه آقایان بهرام احمدی ودخیل معصوم زاده بمساحت ۸۶۲۷،۶۵و۱۴۲۴۹،۲۶ مترمربع واقع در اراضی مجره .

۴۳-ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دیمی به پلاک ۹۶۷ فرعی از ۱۹۵۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی خانم گل آفرین کاظمی مجره؛از مالکیت اولیه صمد کاظمی بمساحت ۹۸۱۳،۸۹ مترمربع واقع در اراضی مجره .

۴۴-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی آبی به پلاک ۹۶۸ فرعی از ۱۹۵۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای اکبر اکبری مجره؛از مالکیت اولیه عین اله فولادی بمساحت ۳۷۰۰ مترمربع واقع در اراضی مجره .

۴۵-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک ۹۶۹فرعی از ۱۹۵۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای روح اله عسگری مجره؛از مالکیت اولیه قیوم عسگری مجره بمساحت ۲۲۰۶۳،۸۴مترمربع واقع در اراضی مجره .

۴۶-ششدانگ دوقطعه زمین مزروعی دیمی به پلاک ۹۷۱،۹۷۰ فرعی از ۱۹۵۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی خانم خدیجه آقائی خمس؛از مالکیت اولیه ورث پرویز دانشمندوآقای محمدعلی دانشمند بمساحت ۷۱۵۶،۲۸و۸۳۵،۰۷مترمربع واقع در اراضی مجره .

۴۷-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک ۹۷۲ فرعی از ۱۹۵۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای جان احمد کرامتی لمری؛از مالکیت اولیه حسین احمدی بمساحت ۵۳۹،۵۸ مترمربع واقع در اراضی مجره .

۴۸-ششدانگ دوقطعه زمین مزروعی دیمی به پلاک ۹۸۰و۹۸۱فرعی از ۱۹۵۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای روح اله عسگری مجره؛از مالکیت اولیه نقدعلی عسگری بمساحتهای ۳۴۰۰،۵۶و۴۳۳،۴۱مترمربع واقع در اراضی مجره .

۴۹-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک ۹۸۲ فرعی از ۱۹۵۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای زعفر باقرزاده مجره؛از مالکیت اولیه عمران قلی زاده بمساحت ۱۰۳۳۷،۵۶ مترمربع واقع در اراضی مجره .

۵۰-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک ۹۸۳ فرعی از ۱۹۵۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای جواد کاظمی مجره؛از مالکیت اولیه عزیز اله کاظمی بمساحت ۵۹۱۵،۴۴ مترمربع واقع در اراضی مجره .

۵۱-ششدانگ سه قطعه زمین مزروعی دیمی وآبی به پلاکهای ۹۸۴،۹۸۵،۹۸۶ فرعی از ۱۹۵۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای کریم پیری؛از مالکیت اولیه حسن آقا پیری بمساحت ۲۳۰۹،۷۲و۸۴۴۶،۴۲و۲۵۵۵،۴۴ مترمربع واقع در اراضی مجره .

۵۲-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک ۹۸۷ فرعی از ۱۹۵۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای سید اسماعیل جلیلی از مالکیت اولیه عزیز فولادی بمساحت ۲۹۸۸،۴۹ مترمربع واقع در اراضی مجره .

۵۳- ششدانگ دوقطعه زمین مزروعی آبی به پلاک ۱۷۴،۱۷۵ فرعی از ۱۹۵۲-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای فرهود کاظمی مجره؛از مالکیت اولیه صمد کاظمی مجره بمساحت ۱۷۷۱،۹۷و۴۳۰۹،۴۴ مترمربع واقع در اراضی نوده مجره .

۵۴-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک ۱۷۶ فرعی از ۱۹۵۲-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای کریم پیری؛از مالکیت اولیه حسن پیری مجره بمساحت ۲۶۴۴،۱۶ مترمربع واقع در اراضی نوده مجره .

۵۵-ششدانگ دوقطعه زمین مزروعی دیمی به پلاک ۱۷۸،۱۷۷ فرعی از ۱۹۵۲-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای جواد کاظمی مجره؛از مالکیت اولیه عزیزاله کاظمی مجره بمساحت ۶۲۶۹،۸۳و۲۴۱۹،۲۸ مترمربع واقع در اراضی نوده مجره .

۵۶-ششدانگ یکباب ساختمان صنایع تبدیلی وتکمیلی کشاورزی با محوطه به پلاک ۱۷۹ فرعی از ۱۹۵۲-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای مجیدافشار؛از مالکیت اولیه خود متقاضی بمساحت ۹۷۷۴،۱۸ مترمربع واقع در اراضی نوده مجره .

۵۷-ششدانگ دوقطعه زمین مزروعی آبی ودیمی به پلاکهای ۱۸۱،۱۸۰ فرعی از ۱۹۵۲-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای عدالت شیرازی مجره؛از مالکیت اولیه حمزه علی وعبداله هردودرویشی بمساحتهای۶۵۷،۸۸و۵۰۵۳،۱۹ مترمربع واقع در اراضی نوده مجره .

۵۸-ششدانگ یکباباخانه ومحوطه به پلاک ۳۸۳۴ فرعی از ۱۹۵۳-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای فرهنگ قیطانی وخانم صدیقه پور عبدالحسین؛ بالسویه از مالکیت اولیه زیاد دانیالی بمساحت ۲۶۴،۵۰ مترمربع وقسمتی ازپلاک ۴۵۰فرعی ازاصلی واقع در اراضی خوجین .

۵۹-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی دیمی به پلاک ۳۸۳۵ فرعی از ۱۹۵۳-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای غلامعلی حسین دخت خوجین؛ از مالکیت اولیه جعفر محمدی بمساحت ۱۳۰۶۳،۹۶ مترمربع واقع در اراضی خوجین .

۶۰-ششدانگ یکقطه باغ به پلاک ۳۸۴۱ فرعی از ۱۹۵۳-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای موسی وکیلی؛از مالکیت اولیه یوسف محمدی بمساحت ۵۶۷۴،۹۵ مترمربع واقع در اراضی خوجین .

۶۱-ششدانگ یکقطه باغ به پلاک ۶۳۲ فرعی از ۱۹۵۴-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای سید صفی اله همایونی؛از مالکیت اولیه سید صفا دانیالی بمساحت ۲۸۷۴،۲۹ مترمربع وقسمتی ازپلاک ۲۴۹فرعی ازاصلی واقع در اراضی خانقاه سادات .

از بخش ۸سنجبد حوزه ثبتی خلخال

۶۲-ششدانگ یکقطه زمین مزروعی آبی به پلاک ۱۱۴ فرعی از ۱۱۰-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای جهانبخش میرزائی؛ از مالکیت اولیه اروجعلی میرزائی بمساحت ۷۸۷۶،۲۵ مترمربع واقع در اراضی روستای کالار.

۶۳-ششدانگ یکقطه باغچه به پلاک ۱۰۱ فرعی از ۱۱۲-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای علیرضاشریفی؛ از مالکیت اولیه عیوض شریفی بمساحت ۳۸۱،۲۹ مترمربع واقع در اراضی روستای چلنبر.

۶۴-ششدانگ یکقطه باغ به پلاک ۱۰۲ فرعی از ۱۱۲-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای علیرضاشریفی؛ از مالکیت اولیه عیوض شریفی بمساحت ۷۸۷،۱۵ مترمربع واقع در اراضی روستای چلنبر.

۶۵-ششدانگ یکقطه باغ به پلاک ۱۰۳ فرعی از ۱۱۲-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای علیرضاشریفی؛ از مالکیت اولیه عیوض شریفی بمساحت ۷۸۸،۱۷ مترمربع واقع در اراضی روستای چلنبر.

از بخش ۱۷خورشرستم خلخال

۶۶-ششدانگ یکقطه باغ به پلاک ۵۲۳ فرعی از ۴۴-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای فرض اله اسدی بورگهیم؛ از مالکیت اولیه خودمتقاضی بمساحت ۱۸۳۵،۹۴ مترمربع واقع در اراضی روستای نمهیل.

۶۷-ششدانگ یکقطه باغ به پلاک ۲۸۳ فرعی از ۵۱-اصلی مورد تقاضا و متصرفی آقای نایبعلی آقائی؛ از مالکیت اولیه قربان آقائی بمساحت ۱۴۹۳،۴۳ مترمربع واقع در اراضی روستای چنارلق .

لذا مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود و مهلت اعتراض بر ثبت از تاریخ اولین نوبت آگهی بمدت ۲ ماه می باشد و معترض باید اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت محل تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مزبور، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را از دادگاه مزبور اخذ و به اداره ثبت تسلیم نماید در غیر این صورت اداره ثبت محل مطابق مقررات اقدام خواهد نمود.

تاریخ انتشار نوبت اول:یکشنبه۱۴۰۲/۱۱/۱۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۴۰۲/۱۱/۲۹

زینال زاده-رییس ثبت خلخال

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان چهارمحال و بختیاری

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ناحیه دو شهرکرد بخش ده استان چهارمحال و بختیاری

به دستور مواد یک و سه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه قانون فوق الذکر املاکی که در هیأت مندرج در قانون مذکور مستقردر اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو شهرکرد مورد رسیدگی و رأی آن صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد :

املاک واقع در قریه هفشجان به شماره پلاک ۲۲۱-اصلی

۷۶۱۴فرعی کیومرث بهروج هفشجانی فرزند فرامرز سه دانگ مشاع از ششدانگ یک درب باغ مشجر به مساحت ۳۷۶۸/۹۷ متر مربع خریداری شده مع الواسطه ازاحمد نقی زاده

به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی این آگهی نسبت به املاک فوق الذکر در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار و محلی آگهی و در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء صادره اعتراضی داشته باشند باید تا دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی در شهرها و از تاریخ الصاق آگهی در روستاها اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد ناحیه یک شهرکرد تسلیم و رسید اخذ نمایند.معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت ناحیه یک شهرکرد تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند ، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول :۱۴۰۳/۱۱/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

محمدعلی محمدی
رئیس اداره ثبت اسناد واملاک ناحیه دو شهرستان شهرکرد

شناسه آگهی : ۱۸۷۶۸۸۶

مفقودی

سند مالکیت (برگ سبز)، سند کمپانی خودروی سواری سیستم پژو تیپPARSXU7مدل ۱۴۰۰رنگ سفید به شماره پلاک ۳۱۴ ق ۱۶ ایران۵۸با شماره موتور ۱۲۴K۱۶۳۸۹۴۱وشماره شاسی NAAN۰۱CE۵MK۱۶۰۹۱۵ بنام آقای محمود نوتی زهی با کد ملی ۳۶۲۱۳۱۳۵۷۵مفقودشده وازدرجه اعتبارساقط است. زاهدان

مفقودی

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری سیستم پژو تیپ۴۰۵GLXIمدل ۱۳۸۶رنگ نقره ای به شماره پلاک ۵۱۱ م ۷۳ایران۹۵ با شماره موتور ۱۲۴۸۶۱۱۸۰۵۹وشماره شاسی ۴۰۴۳۱۸۰۵ بنام آقای ارسلان شه بخش با کد ملی ۳۵۹۲۳۶۷۸۵۴مفقودشده وازدرجه اعتبارساقط است. زاهدان

مفقودی

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری پیکان تیپ۱۶۰۰مدل ۱۳۸۱رنگ سفید معمولی،به شماره پلاک ۳۶۸ س ۴۶ایران۸۵ با شماره موتور ۱۱۱۵۸۱۵۶۹۸۱وشماره شاسی ۸۱۵۵۸۲۳۶بنام آقای پرویز شه بخش با کد ملی ۳۶۲۲۰۰۷۳۱۱مفقودشده وازدرجه اعتبارساقط است. زاهدان

مفقودی

کارت هوشمند کامیون فوتون باری فلزی بشماره ۳۰۳۴۹۲۷ بنام سجاد عزیزی بی ابری مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.
۱۳۰ / م

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری وانت سیستم زامیاد تیپ Z۲۴NIB مدل ۱۳۹۴ رنگ آبی به شماره شاسی NAZPL۱۴۰BF۰۴۳۱۲۲۴ و شماره موتور Z۲۴۷۰۰۱۹۰Z و شماره انتظامی ۱۶ایران ۹۶۱ق۷۴ به نام فاطمه سرداری مفقود گردیده است و فاقد اعتبار است. قم

مفقودی

کارت هوشمند کامیون دانگ فنگ کشنده بشماره ۴۳۲۵۱۷۹ بنام عزت اله مرادی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.
۱۴۰ / م

آگهی رای هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء هیات تعیین تکلیف مستقر در ثبت اسناد و املاک شهرستان سنندج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ذیل تایید گردیده لذا بدینوسیله مشخصات املاک در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نماید و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی اخذ و تحویل اداره ثبت نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول و گواهی اخذ تحویل اداره ثبت نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

ششدانگ یک باب خانه به نام آقای بهمن سبحانی فرزند علی صادره از سنندج به مساحت ششدانگ ۸۱/۱۱ مترمربع پلاک ۳۲۹ فرعی از ۱۰۸۱ اصلی بخش یک منطقه ۲ سنندج

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۱۰/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کردستان

شناسه آگهی : ۱۸۶۶۱۴۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره کل ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کبودرآهنگ
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۲۰۰۳۸۳۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کبودرآهنگ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی نصر اله قاسمی فرزند محمد به ش ش ۱۱۵۷ صادره از کبودرآهنگ در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۸۸۴،۴۳ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۸۸ اصلی واقع در روستای چارلو خریداری از مالک رسمی امیر خان زارعی محرز گردیده است لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدهی است در صورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۸۴۰

رئیس ثبت اسناد و املاک کبودرآهنگ – داود غفرانی دلاور

تاریخ انتشار اول :۱۴۰۳/۱۰/۲۹ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۰۰۱۶۰۱۰۹۲۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای منوچهر چگینی فرزند فرزاد بشماره شناسنامه ۳

چطور اثر منفی اختلافات سازمانی را کم کنیم؟

اصول مدیریت اختلافات میان کارمندان

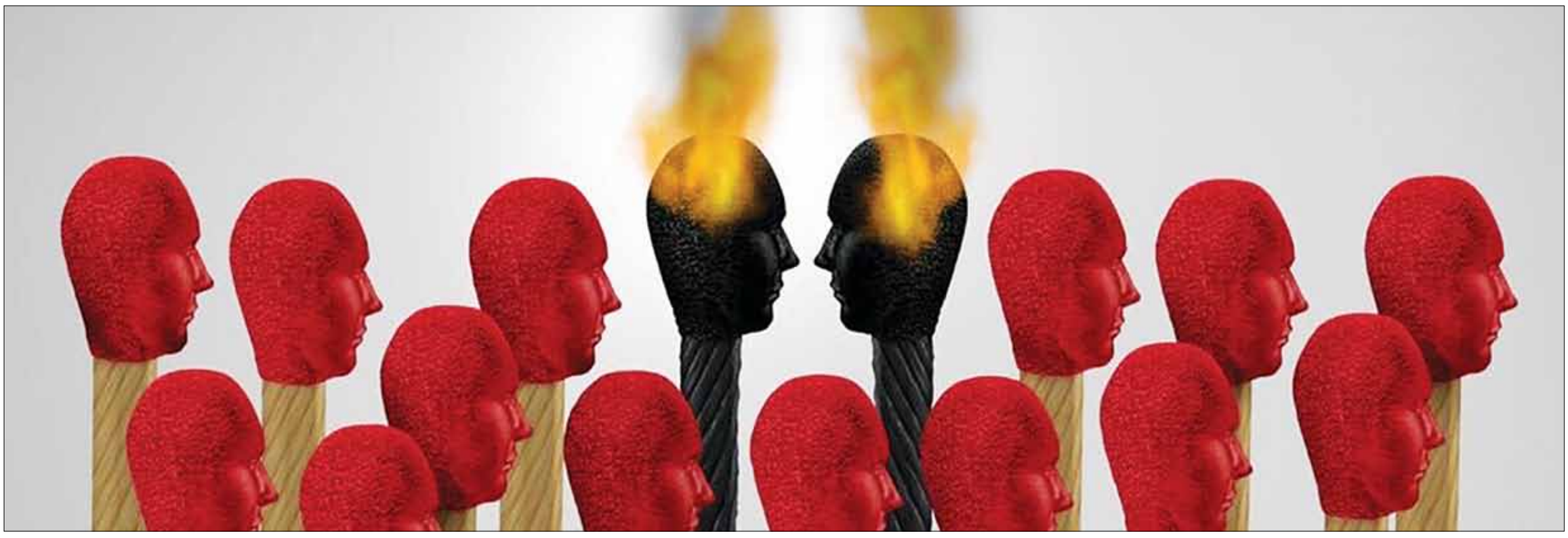

نویسنده: علی آل‌علی

در دنیای پویای کسب و کار، جایی که هر روز ایده‌های جدیدی متولد می‌شـوند و رقابت به اوج خود می‌رسد، تفاوت دیدگاه‌ها و نگرش‌ها امری اجتناب‌ناپذیر اسـت. انگار هر کارمند با عینـک مخصوص به خودش به جهـان اطراف نگاه می‌کند و همین تفاوت‌هـا در عین حال که می‌توانند منشـأ خلاقیت و نوآوری باشند. البته گاهی هم به کانون آتش اختلافات تبدیل می‌شوند.

بیایید یک استارت‌آپ جدید را تصور کنیم. تیمی پرشور و پرانرژی که با هزار امید و آرزو دور هم جمع شـده‌اند. هر کدام از این افراد با پیشینه و تجربـه‌ای متفاوت نظرات خاص خود را در مورد چگونگی پیشـبرد کار دارند. این تنوع به خودی خود بسیار ارزشمند است، اما وقتی این نظرات در مسیر تعصب و لجاجت قرار می‌گیرند، ممکن است به جنگی تمام عیار تبدیل شود.

از یک طرف، فردی را می‌بینیم که سرسـختانه به ایده خود چسبیده؛ گویی که این ایده تنها راه نجات شـرکت اسـت. از طرف دیگر، شـخص دیگـری با بی‌میلی به ایده‌های جدید نگاه می‌کند و به نظر می‌رسـد که تنها می‌خواهد «رئیس خودشون می‌دونن دیگه» بگوید و از بار مسئولیت شـانه خالی کند. این تفاوت‌ها در نگرش و سبک کار همانند صاعقه‌ای بر پیکره یک سازمان است و پتانسیل آن را دارد که همه چیز را به خاکستر تبدیل کند. شاید این درگیری‌ها در ظاهر بی‌اهمیت به نظر برسند، جر و بحث‌های ساده‌ای بر سر یک پروژه یا اختلاف نظرهایی در مورد بودجه. اما همین اختلافات کوچک، اگر به درسـتی مدیریت نشوند، مانند یک توپ برفی بزرگ و بزرگ‌تر شـده و می‌توانند کل سیسـتم را از درون متلاشی کنند. کار به جایی می‌رسد که کارمندان به جای تمرکز بر روی کار خود تمام انرژی‌شـان را صرف نزاع و کشـمکش می‌کننـد. دیگر نه خبری از خلاقیت است، نه همدلی و نه حس تعلق به شرکت.

در این میان، نقش مدیریت برای جلوگیری از شـعله‌ور شدن این آتش اختلاف حیاتی اسـت. اگر مدیران چشـم خود را بر این مشکلات ببندند و تصـور کننـد که اختلافات خود به خود حل خواهند شـد، سـخت در اشتباهند. چون در این شرایط هر روز بر تعداد قربانیان این نبرد خاموش افزوده خواهد شد و سرنوشت برند را به تاریکی می‌کشاند.

باید به این واقعیت اعتراف کرد که هر سازمانی برای بقا نیاز به همدلی، همراهی و همکاری افراد خود دارد. در غیر این صورت این درگیری‌ها یک برند را به چالش بزرگی می‌کشـاند و مثل سنگی بر زیر دندان کارمندان باعث ناراحتی و بی‌میلی آنان خواهد شد. بنابراین در چنین شرایطی تنها راه نجات رسیدن به درک متقابل، گفت‌وگو و مصالحه است. پس باید یاد بگیریـم که اختلافات را به فرصتی برای رشـد و یادگیری تبدیل کنیم و در این راه همگی به یک نقشـه راه درسـت و عمل به آن نیاز داریم. این دقیقا همان کاری است که ما در ادامه قصد انجامش را داریم. بد نیست در ادامه با ما همراه شـوید تا اطلاعات کاملی درباره مدیریت اختلافات میان کارمندان پیدا کنید.

روش‌های حل اختلاف نظر؛ گام‌هایی به سوی سازش

گفت‌وگوی رودررو؛ یک فنجان چای و کلی حرف

اولین و شـاید ساده‌ترین راه حل برای اختلافات کاری یک گفت‌وگوی رودررو است. گاهی اوقات، تمام چیزی که بین دو نفر وجود دارد، سوءتفاهم است. دو نفری که شاید هیچ وقت با هم درست صحبت نکرده‌اند، با کمی حرف زدن می‌توانند به ریشـه مشکلات‌شان برسـند و اختلافات را کنار بگذارند؛ مثل دوسـتانی که قهر کرده و حالا دل‌شان برای هم تنگ شده است. تصور کنید دو کارمند که به خاطر تقسیم وظایف در پروژه به مشکل خورده‌اند، در دفتر مدیریت دور یک میز و در مقابل هم می‌نشـینند. در ابتدا فضای جلسه ممکن است کمی سنگین باشد. هر کدام منتظر هستند تا دیگری حرف بزند، ولی با شـروع گفت‌وگو کم کم یخ‌شان باز می‌شود. شاید در طول صحبت‌ها پی ببرند که سوء برداشت‌ها و شایعات عامل اصلی این اختلاف نظر بوده است و مشکل اصلا چیز دیگری است.

این گفت‌وگو نه تنها باید درباره موضوع مورد اختلاف باشـد، بلکه باید فرصتی باشد برای این دو نفر که کمی همدیگر را بیشتر بشناسند. وقتی با دقت به صحبت‌های طرف مقابل گوش می‌دهیم، شـاید متوجه شویم که آن آدم به آن بدی که فکر می‌کردیم، نیسـت. همین همدلی و درک متقابل، خود، می‌تواند بخش بزرگی از مشـکل را حل کند. در این میان مدیر مربوطه می‌تواند نقش هدایت‌کننده این گفت‌وگو را ایفا کند و مسیر صحیح حل مشـکل را نمایان سـازد. اما باید به یاد داشته باشیم که این گفت‌وگـو نباید تبدیل به میدانی برای جنگ و جدل شـود. هر دو طرف باید با احترام به همدیگر گوش بدهند، صحبت‌های هم را قطع نکنند و به دنبال راه حل باشند؛ نه اینکه صرفا حرف خودشان را به کرسی بنشانند. مدیر می‌تواند در این میان با بیان و زبان بدنی خود، فضایی صمیمی و آرام ایجاد کرده و به کاهش اسـترس کارمندان کمک کند. گاهی، فقط کمی دل دادن به حرف دل همدیگر معجزه می‌کند.

در پایان، به یاد داشـته باشیم که گفت‌وگو فرصتی است برای ساختن پل به جای دیوار. چه بسـا با کمی صحبت و گپ دوسـتانه، دریابیم که تفاوت دیدگاه‌ها می‌تواند به یک ترکیب جالب تبدیل شود که به نفع کل شرکت باشد. شاید در آن لحظه پی ببرید که از زاویه جدیدی به قضیه نگاه می‌کرده‌اید و تمام اختلافات به خاطر «کمی اشتباه محاسباتی» بوده است!

میانجی‌گری؛ وقتی به یک داور نیاز است

گاهی اوقات اختلافات میان کارمندان چنان عمیق و پیچیده می‌شود که گفت‌وگوهای رو در رو دیگر چاره‌ساز نیست. در چنین شرایطی استفاده از یک میانجی‌گر می‌تواند یک راه حل موثر باشد. میانجی‌گر شخص سومی اسـت که نه جانب هیچ کدام از طرفین را می‌گیرد و نه در ماجرا ذی‌نفع اسـت. وظیفه او کمک به طرفین برای پیدا کردن یک راه حل قابل قبول است.

میانجی‌گـر مانند یک داور در زمین فوتبال عمل می‌کند. به دنبال این نیست که به کسی اخطار بدهد یا خطایی را جریمه کند، بلکه فقط کمک می‌کند که دو طرف، براساس قواعد بازی با هم تعامل داشته باشند. گاهی کارمنـدان از آنجایی که دیدگاهی تعصب‌آمیز نسـبت به قضیه دارند، در تشخیص عامل اصلی مشکل دچار سردرگمی می‌شوند. میانجی‌گر با دید بی‌طرفانه به این مشکل کمک شایانی می‌کند.

یک میانجی‌گـر خوب باید توانایی بالایی در گوش دادن فعال داشـته باشد. باید بتواند به هر دو طرف اجازه دهد که حرف خود را بزنند و تمام احساسات خود را بدون قضاوت یا انتقاد بیان کنند. میانجی‌گر، مثل یک آینه، افکار و احساسـات هر دو طرف را بازتاب می‌دهد و باعث می‌شـود تا خودشـان به دیدگاه متفاوتی در مورد شـرایط برسند و شاید آن زمان بتوانند متوجه اشـتباهات و سوء برداشـت های خود شوند. البته این کار آسانی نیست. میانجی‌گر باید تلاش کند که جو را آرام نگه دارد و مانع از تبدیل شدن جلسـه به یک دعوای لفظی بشود. گاهی میانجی‌گر مجبور می‌شود چند جلسه مجزا با هر طرف داشته باشد، قبل از اینکه آنها را رو در رو با هم ملاقات دهد. انگار که دارد با دقت پازل یک مشکل را تکه تکه می‌چیند تا بتواند قطعه‌ها را درست کنار هم بگذارد.

هـدف میانجی‌گری نه تحمیل یک راه حـل به طرفین، بلکه کمک به آنها برای رسـیدن به یک توافق است. وقتی خود طرفین، راه حلی را پیدا می‌کنند که هر دو به آن رضایت دارند، احتمال اینکه آن توافق پایدار باشد خیلی بیشـتر خواهد بود. پس این روش بسیار موثر می‌تواند از پیشرفت اختلافات جلوگیری کند و آب سـردی بر آتش اختلافات درون شـرکت بریزد.

آموزش مهارت‌های حل اختلاف؛ یک دوره و کلی فایده!

بهترین راه برای جلوگیـری از اختلافات در آینده، آموزش مهارت‌های حل اختلاف به کارمندان اسـت. اگر به کارمندان آموزش داده شـود که چطور به درسـتی بـا همدیگر ارتباط برقرار کنند، چطـور با دیدگاه‌های متفاوت روبه‌رو شـوند و چطور مسائل را به طور سازنده حل کنند، خیلی از مشـکلات اصلا به وجود نخواهند آمد. مثل پیشگیری که همیشه بهتر از درمان است!

آموزش این مهارت‌ها می‌تواند شـامل کارگاه‌های آموزشی، کلاس‌های تیمی یا حتی جلسـات مشـورتی با یک متخصص حل اختلاف باشـد. کارمندان باید یاد بگیرند که چطور با خونسردی با مشکلات روبه‌رو شوند، چطور احساسات خود را کنترل کنند و چطور از کلمات مناسب در هنگام بیان دیدگاه‌های‌شـان استفاده کنند؛ مثل شـناگری که آموزش می‌بیند چطور در توفان آب خود را حفظ کند.

در این دوره‌ها کارمندان می‌توانند تمرین کنند که چطور به حرف‌های دیگران به طور فعال گوش بدهند، چطور احساسات همدیگر را درک کنند و چطور همدلی خود را نشـان بدهند. آنهـا می‌توانند تکنیک‌هایی برای مدیریت اسـترس یاد بگیرند، که به آنها کمک کند تا در شـرایط دشوار بهترین تصمیم را بگیرند و کنترل اوضاع را از دست ندهند. گاهی تنها نیاز یک انسان کمی یادآوری آرامش در درون است و بس!

علاوه بـر این، آموزش مهارت‌های حل اختـلاف می‌تواند به کارمندان کمک کند تا نگرش متفاوتی نسبت به اختلافات پیدا کنند. آنها به جای اینکه اختلاف را به عنوان یک تهدید ببینند، یاد می‌گیرند که آن را فرصتی برای یادگیری و رشد در نظر گیرند. شاید، دیدگاه‌های متفاوت اعضای یک تیم در کنار همدیگر پازل درستی از پیشرفت و موفقیت را شکل دهد که هر کدام از آن قطعه‌ها یک انسان کامل است.

البته آموزش به تنهایی کافی نیست. باید فرهنگی در سازمان ایجاد شود که این مهارت‌ها در آن ارزشمند شمرده شوند و همه افراد از آن حمایت کنند. به علاوه بایسـتی الگوی مثبتی برای حل اختلاف‌ها وجود داشـته باشـد تا بقیه از آن الگو استفاده کرده و یاد بگیرند. یک درخت در فضای نامناسـب رشـد نخواهد کرد و به همین منوال انسان‌ها نیز نیاز به فضای امنی برای رشد و تعالی دارند.

ارزیابی عملکرد ۳۶۰ درجه؛ دیدی جامع از همه جا

گاهی اوقات اختلافات ناشی از سوءتفاهم یا دیدگاه‌های نادرست درباره عملکرد دیگران اسـت. در چنیـن مواردی ارزیابی عملکـرد ۳۶۰ درجه می‌توانـد کمک بزرگی باشـد. در این نوع ارزیابی نه تنهـا مدیران، بلکه همـکاران و حتی افراد زیرمجموعه نیز در مورد عملکرد یک کارمند نظر می‌دهنـد. این بازخورد جامع باعث می‌شـود تا فرد از نقاط قوت و ضعف خود دید دقیق‌تری پیدا کند. انگار که همه جانبه مورد بررسـی و تحلیل قرار می‌گیریم!

این ارزیابی فقط یک گزارش رسمی نیست، بلکه یک فرصت است برای خودشناسی. کارمندی که معمولا فکر می‌کرده عملکرد فوق‌العاده‌ای دارد، شاید متوجه شود که در برخی زمینه‌ها باید بیشتر تلاش کند. یا کسی که تصور می‌کرده نادیده گرفته شده، ببیند که در واقع قدردانی و ارزش قائل شده است. این نوع شناخت باعث تغییر طرز فکر و رفتاری سازنده در فرد می‌شـود. این همان دلیلی است که مدیران باید بر انجام به موقع این نوع از ارزیابی اصرار بورزند.

یکـی از مزایـای کلیدی ایـن نوع ارزیابـی، از بین بـردن تعصب‌ها و دیدگاه‌های شـخصی اسـت. وقتی چندین نفر به صورت ناشـناس نظر می‌دهند، نمی‌توان به راحتی کسـی را متهم به جانبداری کرد. نظرات به شکل خلاصه و محرمانه ارائه می‌شوند تا هیچ کارمندی حس نکند تحت فشـار اسـت و این موضوع موجب بیان واقعیت به شکل صحیح می‌شود؛ مثل باز کردن دریچه‌ای رو به سوی صداقت و حقیقت.

البته باید این نکته را در نظر داشـت که اجرای درست این نوع ارزیابی بسیار مهم است. اگر روند کار به صورت حرفه‌ای انجام نشود و بازخوردها به طور شفاف به کارمندان داده نشود، نتیجه برعکس خواهد داشت و باعث ایجاد حس بی‌اعتمادی در شـرکت خواهد شد. این پروسه را نباید شتاب زده یا دست و پا شکسته انجام داد، بلکه یک کار دقیق و حساس است که در نهایت منجر به اصلاح و رشد خواهد شد.

به علاوه، این ارزیابی نباید به عنوان وسیله‌ای برای تنبیه کارمندان تلقی شود. هدف اصلی آن ارائه بازخورد سازنده است. بعد از ارزیابی، کارمندان باید تشویق شوند که برای بهبود عملکرد خود تلاش کنند و از اشتباهات گذشـته درس بگیرند. از نظر حرفه‌ای لازم است مدیران به کارمندان این اطمینـان خاطر را بدهند که هدف، پیدا کردن نقاط ضعف برای رشـد و شکوفایی است و نه مچ‌گیری یا به چالش کشیدن.

تغییر نقش‌ها و وظایف؛ یک چالش جدید، یک دیدگاه متفاوت

گاهـی اوقات ریشـه اختلافات در خسـتگی و روزمرگی اسـت. وقتی کارمندان به مدت طولانی در یک نقش با یکسـری وظایف مشخص کار می‌کنند، ممکن است انگیزه‌شان را از دست بدهند و در نتیجه با دیگران دچار مشکل شوند. در چنین شرایطی تغییر نقش‌ها و وظایف می‌تواند یک راه حل موثر باشـد. این کار باعث می‌شود تا افراد از منظری جدید به کار نگاه کنند و چالش‌های جدیدی را تجربه کنند. انگار که سفری است پر از هیجان و ماجراجویی.

تغییـر نقش‌ها می‌تواند به صـورت موقت یا دائم باشـد. کارمندی که همیشـه مسـئول مدیریت یک پروژه بوده، ممکن اسـت برای مدتی به تیم دیگری منتقل شـود تا تجربه جدیدی را کسـب کند یا شخصی که بیشـتر کارهای دفتری را انجام می‌داده، با موقعیتی رو به رو شـود که با مشتریان بیشتری در ارتباط باشد. این جابه‌جایی به آنها فرصتی می‌دهد تا مهارت‌های جدیدی بیاموزند و دیدگاه متفاوتی نسبت به کار پیدا کنند. مثل پرنده‌ای که از قفس رها می‌شود و وسعت آسمان را تجربه می‌کند.

همچنین تغییر وظایف می‌تواند فرصتی باشـد برای آشـنایی بیشتر با دیگران و کسب دیدگاه جدید نسبت به کارها. وقتی دو کارمند که همیشه با هم اختلاف نظر داشـته‌اند، برای مدتی در یک تیم با هم کار می‌کنند، ممکن اسـت بهتر بتوانند یکدیگر را درک کنند. آنها متوجه می‌شوند که هر کدام با چالش‌های خاصی مواجه هستند و همکار آنها همیشه مقصر و یا کم کار نیست. در این فضا دیدگاه آنها نسبت به اختلافات و موضوعات کاری تغییر کرده و دیدگاه‌شان جامع‌تر می‌شود.

البته، این تغییر نقش و وظایف نباید بدون برنامه‌ریزی انجام شود. باید ابتدا ارزیابی دقیق صورت گیرد که کدام کارمند می‌تواند از این تغییر سود ببرد. آموزش لازم به افراد داده شود و آنها بدانند این یک تغییر موقت است و لزوما دائمی نیسـت. با اطلاع‌رسـانی دقیق به کارمندان این ذهنیت به وجود نخواهد آمد که کارمند لایق موقعیت خود نیست و به او مسئولیتی در جای دیگری محول شـده است. به علاوه، باید به یاد داشته باشیم که تغییر همیشه هم خوشایند نیست و شاید چالش‌برانگیز باشد. ممکن است بعضی از کارمندان با تغییرات مقاومتی نشان دهند. برای رفع این مقاومت باید دلیل تغییرات را برای‌شـان توضیح داد و مزایای آن را شـرح داد و به آنها کمک کرد که با این چالش سازگار شوند. این کار باید با صبر و حوصله و آگاهی لازم انجام شود.

سیستم بازخورد مستمر؛ جریان روان اطلاعات

ایجاد یک سیسـتم بازخورد مسـتمر و دوجانبه در سازمان می‌تواند در پیشگیری و حل اختلافات بسیار موثر باشد. اگر کارمندان بتوانند به راحتی نظـرات، پیشـنهادات و نگرانی‌های خود را با مدیریـت در میان بگذارند، بسیاری از مشکلات قبل از اینکه به مرحله حاد برسند، برطرف می‌شوند. دقیقا مثل رودخانه‌ای که با مدیریت مسئولان محیط زیست قبل از توفانی شدن، به آن رسیدگی می‌شود.

این سیستم نباید فقط به معنای بازخورد دادن مدیران به کارمندان باشد، بلکه باید یک گفت‌وگوی دو طرفه گردد که هر کسی بتواند به راحتی نظر خود را بیان کند. اگر کارمندی به طور دائم بازخورد مثبت دریافت نکند، شاید دچار دلسردی شده و برای اثبات وجود خود تلاش کند. یا اگر مدیر به پیشـنهادات و بازخوردهای سـازنده کارمندان توجه نکند، ارتباط بین کارمندان و مدیریت به درستی شکل نمی‌گیرد. سیستم بازخورد می‌تواند شامل جلسات منظم تیمی، صندوق پیشنهادات، نظرسنجی‌های ناشناس یا حتی کانال‌های ارتباطی آنلاین باشـد. ایـن ابزارها باید طوری طراحی شـوند که کارمندان بتوانند بدون ترس از قضاوت و یا عواقب بعدی حرف دل خود را بزنند. نباید جو به صورتی باشد که کارمندان جرأت انتقاد و یا بیان ضعف‌های سازمانی را نداشته باشند.

همچنین این سیسـتم بازخورد باید مبتنی بر اصل شفافیت و صداقت باشـد. نظرات و بازخوردها باید به صورت سـازنده بررسی شوند و نتیجه اقدامات صورت گرفته در اختیار کارمندان قرار گیرد. اگر بازخوردها نادیده گرفته شـوند، یا احساس شـود به آنها اهمیتی داده نمی‌شود، کارمندان حس بی‌اعتمادی پیدا کرده و از شـرکت و وظیفه خود زده می‌شوند. باید این فرهنگ در سازمان نهادینه شود که هر گونه انتقاد یا اظهار نظر صرفاً به معنای رشـد و توسعه سازمان اسـت. تمام افراد باید بدون ایجاد گارد تدافعی یا خودمحور پنداری به دیدگاه دیگران احترام گذاشته و براساس تفکر انتقادی به آن نگاه کنند. شاید در پشت همان نظر ساده، کلی فایده و سود باشد که تا پیش از آن از دید همگان پنهان بوده است.

سخن پایانی

در دنیای پرهیاهوی کسب و کار اختلافات میان کارمندان اجتناب‌ناپذیر اسـت. تفاوت دیدگاه‌ها، شـخصیت‌ها و اهداف همگی می‌توانند منجر به تنش و درگیری شود. در عین حال این اختلافات نه تنها مخرب نیستند، بلکه در صورت مدیریت صحیح می‌توانند به منبعی برای خلاقیت و رشد تبدیل شـوند. کلید موفقیـت در این زمینه درک این واقعیت اسـت که اختلافات بخشـی طبیعی از زندگی سازمانی هستند و مهم نحوه برخورد ما با آنهاسـت. از گفت‌وگوی رو در رو و صمیمانه گرفته تا میانجی‌گری و آموزش مهارت‌های حل اختلاف، هر یک ابزارهایی قدرتمند در مسیر ایجاد سـازش و همدلی در محیط کار هستند. به خاطر داشته باشید که تنها با همـکاری و درک متقابل می‌توان از این چالش‌ها به سـلامت عبور کرد. همچنین از یاد نبریم که هیچ روش یکسانی برای حل اختلاف وجود ندارد. هر سازمانی با توجه به فرهنگ، ساختار و شرایط خاص خود، باید به دنبال راه حل های مناسب بگردد. در برخی موارد، یک گفت‌وگوی ساده می‌تواند کافـی باشـد، در حالی که در موارد دیگر نیاز بـه دخالت یک میانجی‌گر یا برگزاری یک دوره آموزشـی اسـت. ارزیابی ۳۶۰ درجه، تغییر نقش‌ها و وظایف و سیسـتم بازخورد مسـتمر نیز به عنوان ابزارهای پیشگیری از اختلاف عمل می‌کنند و فضایی سالم‌تر را ایجاد می‌کنند. نکته مهم داشتن رویکردی انعطاف‌پذیر و خلاقانه است که بتواند با چالش‌های پیش رو به خوبی مقابله کند. سازمان پویا نیاز به دید پویا و سازنده دارد و این امر به تحقق یافتن رویاها و اهداف آن کمک بسزایی خواهد کرد.

هدف اصلی حل اختلافات کاری ساختن محیطی مثبت و سازنده است. محیطی که کارمندان در آن احسـاس امنیت و تعلق داشته باشند. جایی که همه اعضا به جای اینکه درگیر نزاع و کشـمکش باشند، با همکاری و همدلی برای رسـیدن به اهداف مشـترک تلاش می‌کنند. شرکتی که با چنین روحیه‌ای به حرکت در می‌آید به طور حتم در آینده، نامی درخشان خواهد داشت. یادمان باشد که اختلافات مانند امواجی سهمگین هستند که تنها با همدلی و هوشیاری می‌توان از آن عبور کرد و به ساحل آرامش رسـید. پس منتظر چه هستید؟ همین حالا دست به کار شده و اوضاع را در شرکت‌تان کمی هم که شده بهبود بخشید.

منابع:
tips-on-how-to--۷/https://www.hrcloud.com/blog
manage-and-resolve-conflict-in-the-workplace
https://www.indeed.com/career-advice/interviewing/
handle-conflict-in-workplace

شناسه آگهی: ۱۸۷۶۳۱۲
آگهی ابلاغ رای
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جندی شاپور اهواز
نظر به اینکه خانم بیتا عذرا یونسی زاده ماما مرکز آموزشی درمانی امام خمینی(ره)اهواز به استناد قانون رسیدگی به تخلفات اداری و آئین نامه اجرائی آن به مجازات بازنشستگی ازخدمت با تقلیل یک گروه محکوم شده ا ند ، لذا به علت عدم دسترسی ، طبق تبصره ماده ۳۰۲ قا نون آئین دادرسی دادگا ههای عمومی و ا نقلاب (در امور مدنی) به نامبرده ا بلاغ می گردد تا در صورت اعتراض ظرف مدت یک ماه از تاریخ این ابلاغیه مراتب را کتباً به نشانی دانشگاه علوم پزشکی اهواز _ بالاتر از سازمان مرکزی دانشگاه _مقابل اداره رفاه و تربیت بدنی کارکنان ارسال نمایند.در غیر این صورت رای صادره به اجرا ء گذاشته خواهد شد.
هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز
۲۰۵

آگهی مناقصه عمومی (نوبت اول)
شهرداری باغستان در نظر دارد به استناد مجوز شماره ۱۹۶۳ / ش / ۱۴۰۳ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ شورای اسلامی شهر باغستان نسبت به فراخوان ایمن سازی کانال محمدیه در حریم محله نصیرآباد را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نماید.
بدینوسیله از اشخاص حقوقی واجد شرایط (دارا بودن حداقل رتبه ۵ در رشته ابنیه از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) جهت شرکت در مناقصه دعوت بعمل می آید.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
شرح مناقصه:
۱- مبلغ برآورد قرارداد تا سقف ۸۴/۲۵۰/۸۲۴/۰۷۵ ریال با کلیه کسورات قانونی و مالیات بر ارزش افزوده.
۲- سپرده شرکت در مناقصه ۴/۲۱۲/۵۴۱/۲۰۴ ریال که به صورت واریز نقدی یا ضمانت نامه معتبر بانکی مورد پذیرش شهرداری باغستان می باشد.
۳- مهلت خرید اسناد مناقصه از مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۱ یکشنبه تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ چهارشنبه و اسناد و مدارک از طریق مراجعه به سامانه تدارکات دولت به نشانی www.setadiran.ir قابل دریافت می باشد.
۴- قیمت خرید اسناد مناقصه مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ (پانزده میلیون ریال) می باشد که به حساب ۰۱۰۵۳۶۹۶۹۶۰۰۹ بانک ملی شعبه خادم آباد به صورت الکترونیک از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت www.setadiran.ir یا به صورت حضوری (اداره درآمد شهرداری) قابل دریافت می باشد.
۵- مهلت تحویل پیشنهادات تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۷ روز سه‌شنبه و نحوه تحویل اسناد از طریق بارگزاری در سامانه تدارکات الکترونیک دولت می باشد.
۶- تاریخ تشکیل کمیسیون معاملات عمده و بازگشایی پاکت ها در تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۸ روز چهارشنبه
۷- مناقصه گران می بایست اصل فیش واریز نقدی یا ضمانت نامه شرکت در مناقصه را به همراه فیش خرید اسناد پیش از پایان مهلت تحویل پیشنهادات با هماهنگی امور قراردادها به دبیرخانه شهرداری باغستان تحویل نمایند.
۸- هزینه چاپ دو نوبت آگهی در روزنامه بعهده برنده مناقصه می باشد.
آدرس: شهریار – باغستان – بلوار امام خمینی (ره) – بلوار ولیعصر (عج) خیابان لاله دوم اصلی – شهرداری باغستان – امور قراردادها تلفن: ۰۲۱۶۵۲۲۸۰۰۶ سایت شهرداری: baghestan.ir
تاریخ چاپ نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ تاریخ چاپ نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱
محمدرضا شمسایی – شهردار باغستان
۲۱۰

با حضور معاون وزیر نفت؛

طرح توسعه میادین نفتی کرمانشاه آغاز شد

کرمانشاه- خبرنگار فرصت امروز: آئین کلنگ‌زنی طرح توسعه میادین نفتی سـومار، سامان و دلاوران در منطقه عملیاتی نفت‌شهر-سـومار با حضور حمید بورد معاون وزیر نفت و مدیرعامل شـرکت ملی نفت ایران، فتح‌الله حسـینی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسـلامی، دکتر منوچهر حبیبی اسـتاندار کرمانشاه و جمعی از مسـوولان محلی آغاز شـد. عملیات اجرایی طرح توسـعه ۳ میدان نفتی توسط شرکت بهره برداری نفت و گاز غرب توسـعه داده می‌شود که برای این طرح بزرگ ۲۳۵ میلیون یورو سرمایه‌گذاری می‌شود که ۵۰۰ شـغل ایجاد خواهد کرد. حمید بورد ،معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران اظهار کرد: این پروژه با هدف توسـعه میادین نفتی کوچک منطقه است. وی افزود: این پروژه نه تنها موجب رونق اقتصادی و شکوفایی منطقه خواهد شد، بلکه به جبران عقب‌ماندگی‌های ناشی از جنگ و بازگشت مردم به مناطق مرزی کمک خواهد کرد. وی اظهار کـرد: در این طرح یکی از قدیمی‌ترین میادین نفتی کشـور که در نفت‌شهر قرار دارد، در کنار دیگر میادین نفتی کوچک منطقه توسعه خواهد یافت. مدیرعامل شـرکت ملی نفت ایران خاطرنشـان کرد: با اجرای این طرح توسـعه، روزانه ۱۰ هزار بشکه به تولید نفت کشـور اضافـه خواهد شـد. وی کل زمان اجرای پروژه را ۵۵ ماه اعلام کـرد و ادامه داد: تلاش می‌کنیم بخش اصلی کار، مانند حفر چاه و تولید زودهنگام ظرف کمتر از دو سـال انجام شـود. معاون وزیر نفت با بیان اینکه اجرای این طرح تحول و شـکوفایی منطقه را رقم خواهد زد، گفت: در سایر میادین نفتی استان کرمانشاه

از جمله در سرپل‌ذهاب، دشت ذهاب و سایر نقاطی که در نهایت به ایلام متصل می‌شود نیز پروژه‌های اکتشاف در دست اقدام داریم و توسعه میادین این منطقه را نیز دنبال می‌کنیم. بـورد اظهار کرد: در اجرای این پروژه‌ها اسـتفاده از نیروهای بومی را در اولویت داریم و در کنار آن مسئولیت‌های اجتماعی خود در این مناطق را انجام خواهیم داد. طرح توسعه و بهره‌برداری از این سه میدان نفتی با هدف برداشت حداکثری از این میدان‌ها، ایجاد اشـتغال به‌ویژه در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته، هدایت نقدینگی کشور به طرح‌های منتخب نفت و گاز با حداکثر سوددهی، توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی استان‌های کرمانشاه و ایلام در جهت برداشت حداکثـری از این میدان‌ها و خدمت بـه مردم محروم منطقه در دستور کار شرکت ملی نفت ایران قرار گرفته است. بورد در پایان سخنانش از استاندار کرمانشاه تشکر کرده و ضمن ابراز امیدواری نسبت به موفقیت پروژه، به همکاری نزدیک وزارت نفت و اسـتانداری کرمانشاه در این پروژه اشـاره کـرد. در ادامه دکتر منوچهر حبیبی، استاندار کرمانشاه اظهارداشـت: امروز شاهد یک اتفاق مهم در حوزه اقتصادی در آستانه ۲۲بهمن و هدیه دولت چهاردهم به مردم کرمانشاه هستیم . وی افزود: عملیات اجرایی طرح توسـعه ۳ میدان نفتی توسط شرکت بهره برداری نفت و گاز غرب توسـعه داده می‌شـود که برای این طرح بزرگ ۲۳۵ میلیون یورو سرمایه‌گذاری درنظر گرفته شـده و حداقل برای ۵۰۰ نفر شغل ایجاد خواهد کرد. استاندار کرمانشاه گفت: طرح توسعه میادین نفتی سـومار، سامان و دلاوران نه تنها سبب رونق اقتصادی و اشتغالزایی در استان خواهد شد بلکه با تکمیل آن، تولید نفت استان هم بیش از پنج برابر افزایش می‌یابد. حبیبی با بیان اینکه اقتصاد در رونق و سکونت یک منطقه مؤثر است تصریح کرد: با توجه به اینکه معیشت مردم می تواند آنان را برای زندگی در یک نقطه مجاب کند؛ مردم نفت شـهر و سومار در حوزه اشتغال و اقتصاد مشکل دارند و امروز چند اتفاق مهم برای برطرف کردن این مشکلات در این منطقه افتاد. وی در پایان عنوان کرد: طرح توسعه و بهره‌برداری میدان‌های نفتی سـومار و سامان در نفت شهر استان کرمانشاه و همچنین دلاوران در استان ایلام با هدف تولید نفت خام تجمعی به میزان ۴۰ میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه طی ۲۰ سال آینده با سرمایه‌گذاری در سقف ۵۲۸ میلیون دلار بر اساس ساز و کار ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور است.

استاندار یزد مطرح کرد؛

یزد با توانمندی های بخش خصوصی، قطب تولید و صنعت کشور است

یزد - سید محمد جواد عرفان‌فر ؛ استاندار یزد با بیان اینکه جاذبه‌های تاریخی و صنعتی یزد، ظرفیت‌های کم نظیری برای کشور هستند گفت: در صورت حمایت‌های ملی و تامین منابع مالی قطعا شـاهد درخشش و نقش آفرینی بیش از پیش استان یزد در سطوح ملی و بین المللی خواهیم بود.

به گزارش روابط عمومی اسـتانداری یزد، نشست مشترک رئیس مجلس شـورای اسلامی، اسـتاندار یزد، نماینده مردم یزد،اشـکذر و زارچ و تفت و میبد در مجلس شـورای اسلامی با جمعی از فعالین اقتصادی، کارآفرینان و تولید کنندگان اسـتان یزد به منظور بررسی مسائل و مطالبات آن ها برگزار شد.استاندار یزد در این نشست با تبریک فرارسیدن دهه مبارک فجر و اعیاد شعبانیه، به سـفر دو روزه رئیس مجلس شورای اسلامی به یزد اشاره کرد و گفت: سفر مسـئولین بلند پایه در استان ها و حضور آن ها در نشست های استانی، در تصمیم گیری در سطح کلان کشور موثرتر خواهد بود. وی در ادامه با اشاره به وجود بخش خصوصی توانمند و پر افتخار در استان یزد، اظهارکرد: یزد به همت بخش خصوصی توانمند خود، استانی مولد در حوزه های مختلف نظیر صنعت، معدن، کشـاورزی، درمان و دیگر عرصه ها اسـت و در صورت انجام پشـتیبانی های لازم، نقش برجسته تری در سطوح ملی و بین المللی

ایفا خواهد کرد. محمدرضا بابایی با بیان اینکه یزد، دومین اسـتان معدنی و چهارمین استان صنعتی کشور است خاطرنشان کرد: یزد با تولید بیش از ۵۰ درصد کاشی و سرامیک کشور و تولید ۲۷ درصد منسوجات کشور به ترتیب رتبه اول و دوم کشور در حوزه های مذکور را داراست. استاندار یزد با اشاره به فعالیت بیش از ۳۶۰۰ واحد صنعتی در استان یزد، اضافه کرد: در حوزه معدن، اسـتان یزد دارای ۳.۵ میلیارد تن ذخایر معدنی بوده و این استان، رتبه اول تنوع مواد معدنی با ۵۰ نوع ماده معدنی را دارد. وی در ادامه به برخی از جاذبه های تاریخی و گردشـگری استان یزد اشاره و تصریح کرد: یزد با جاذبه‌های گردشگری بی‌نظیر خود، از جمله بیش از ۶۰۰۰ اثر تاریخی شناسایی شده، که ۲۰۰۰ مورد آن ثبت ملی و ۵ اثر آن ثبت جهانی شده است، به عنوان یکی از مقاصد مهم گردشگری ایران شناخته می‌شود. بابایی در ادامه با بیان اینکه به رغم محدودی های آبی، اسـتان یزد در کشت گلخانه ای رتبه سوم کشوری را دارد: کشاورزان یزدی درصدند با کمترین میزان مصرف آب و انجام اقدامات بهره ورانه، بیشترین میزان محصول را کشت و پرورش دهند.

استاندار یزد ادامه داد: برخی از کشاورزان یزدی، به دلیل محدودیت های آبی به سایر استان های کشور و حتی کشورهایی نظیر هندوستان سفر و با تدوام فعالیت کشاورزی، مایه آبادانی منطقه خود شده اند.

وی در بخش دیگری از سـخنانش به ظرفیت های اسـتان یزد در حوزه بهداشـت و درمان اشاره و خاطرنشـان کرد: سرانه تخت بیمارستانی در این استان، بالاتر از میانگین کشـوری است و به طور کلی یزد، به عنوان یکی از قطب های پزشکی کشور محسوب می شود.

بهره‌برداری از گذر صنایع دستی اصفهان تا نوروز ۱۴۰۴

اصفهان - ندیمی: سخنگو و مدیرکل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری اصفهان از آماده‌سـازی و بهره‌برداری «گذر صنایع دستی» در محور تاریخی اصفهان تا نوروز ۱۴۰۴ خبر داد. این پروژه فرهنگی و هنری که در پارک شهید رجایی جانمایی شده است، با هدف حفظ، معرفی و توسعه صنایع دستی این شهر جهانی اجرا می‌شود.

***اصفهان؛ شهر جهانی صنایع دستی در مسیر توسعه**

سـید علی معرک‌نژاد، سخنگو و مدیرکل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری اصفهان، با تأکید بر جایگاه ویژه این شـهر در عرصه صنایع دسـتی، اظهار کرد: اصفهان با هویتی کهن و میراثی بی‌بدیل، همواره یکی از قطب‌های اصلی صنایع دسـتی در ایران و جهان بوده است. این شـهر که به‌عنوان شهر جهانی صنایع دستی و عضو شبکه شهرهای خلاق جهان شناخته می‌شود، مسئولیت سنگینی در حفظ و انتقال این میراث ارزشمند به نسل‌های آینده دارد. وی افزود: مدیریت شهری اصفهان در راستای حمایت از هنرمندان و توسعه فضاهای فرهنگی، ایجاد گذر صنایع دسـتی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود در دسـتور کار قرار داده اسـت. معرک‌نژاد درباره جزئیات این پروژه توضیح داد: این گذر که در محدوده مرکزی شهر اصفهان (پارک شهید رجایی) احداث می‌شود، فضایی برای نمایش آثار صنایع دستی، برپایی کارگاه‌های هنری و معرفی این هنر ارزشمند به علاقه‌مندان خواهد بود. در طراحی آن از هشت هنر ثبت‌شده بین‌المللی الهام گرفته شده و المان‌ها و نمادهای ویژه‌ای در نظر گرفته شده است تا بر جذابیت آن افزوده شود. وی همچنین به روند اجرای این پروژه اشاره کرد و گفت: عملیات عمرانی گذر صنایع دستی از ابتدای سال جاری آغاز شده و هم‌اکنون مراحل نهایی کف‌سازی و ساخت سکوها در حال انجام است. طراحی این فضا با مشارکت هنرمندان اصفهانی صورت گرفته تا بتواند به بهترین شکل، هویت و اصالت صنایع دستی اصفهان را منعکس کند. مدیرکل ارتباطات و امور بین‌الملل شـهرداری اصفهان با اشاره به برنامه‌های فرهنگی این گذر خاطرنشان کرد: طبق برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، این پروژه تا نوروز ۱۴۰۴ آماده بهره‌برداری خواهد شـد. علاوه بر این، در هفته صنایع

دسـتی (خرداد ۱۴۰۴) رویدادها و برنامه‌های ویژه‌ای در این مکان برگزار خواهد شد که فرصتی مناسب برای معرفی هرچه بیشتر هنرهای دستی اصفهان خواهد بود. پروژه گذر صنایع دستی اصفهان، علاوه بر ایجاد فضایی برای نمایش و فروش محصولات هنری، به‌عنوان یک مرکز فرهنگی-گردشگری، نقش مهمی در معرفی و ترویج صنایع دستی این شهر ایفا خواهد کرد. با افتتاح این گذر در نوروز ۱۴۰۴، گردشگران و علاقه‌مندان می‌توانند از نزدیک با هنرهای اصیل اصفهان آشنا شوند و تجربه‌ای متفاوت از سفر به این شهر تاریخی داشته باشند.

بهره‌برداری از گذر صنایع دستی اصفهان تا نوروز ۱۴۰۴

سخنگو و مدیرکل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری اصفهان از آماده‌سازی و بهره‌برداری «گذر صنایع دستی» در محور تاریخی اصفهان تا نوروز ۱۴۰۴ خبر داد. این پروژه فرهنگی و هنری که در پارک شهید رجایی جانمایی شده است، با هدف حفظ، معرفی و توسعه صنایع دستی این شهر جهانی اجرا می‌شود.

***اصفهان؛ شهر جهانی صنایع دستی در مسیر توسعه**

سید علی معرک‌نژاد، سخنگو و مدیرکل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری اصفهان، با تأکید بر جایگاه ویژه این شهر در عرصه صنایع دستی، اظهار کرد: اصفهـان با هویتی کهن و میراثی بی‌بدیـل، همواره یکی از قطب‌های اصلی صنایع دستی در ایران و جهان بوده است. این شهر که به‌عنوان شهر جهانی صنایع دستی و عضو شبکه شهرهای خلاق جهان شناخته می‌شود، مسئولیت سـنگینی در حفظ و انتقال این میراث ارزشمند به نسل‌های آینده دارد. وی افزود: مدیریت شهری اصفهان در راستای حمایت از هنرمندان و توسعه فضاهای فرهنگی، ایجاد گذر صنایع دستی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود در دستور کار قرار داده است.معرک‌نژاد درباره جزئیات این پروژه توضیح داد: این گذر که در محدوده مرکزی شـهر اصفهان (پارک شهید رجایی) احداث می‌شـود، فضایی برای نمایش آثار صنایع دستی، برپایی کارگاه‌های هنری و معرفی این هنر ارزشـمند به علاقه‌مندان خواهد بود. در طراحی آن از هشت هنر ثبت‌شده بین‌المللی الهام گرفته شـده است تا بر جذابیت آن افزوده شود. وی همچنین به روند اجرای این پروژه اشاره کرد و گفت: عملیات عمرانی گذر صنایع دستی از ابتدای سال جاری آغاز شده و هم‌اکنون مراحل نهایی کف‌سازی و ساخت سکوها در حال انجام است. طراحی این فضا با مشارکت هنرمندان اصفهانی صورت گرفته تا بتواند به بهترین شکل، هویت و اصالت صنایع دستی اصفهان را منعکس کند. مدیرکل ارتباطات و امور بین‌الملل شـهرداری اصفهان با اشاره به برنامه‌های فرهنگی این گذر خاطرنشان کرد: طبق برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، این پروژه تا نوروز ۱۴۰۴ آماده بهره‌برداری خواهد شـد. علاوه بر این، در هفته صنایع دستی (خرداد ۱۴۰۴) رویدادها و برنامه‌های ویژه‌ای در این مکان برگزار خواهد شد که فرصتی مناسب برای معرفی هرچه بیشتر هنرهای دستی اصفهان خواهد بود. پروژه گذر صنایع دستی اصفهان، علاوه بر ایجاد فضایی برای نمایش و فروش محصولات هنری، به‌عنوان یک مرکز فرهنگی-گردشگری، نقش مهمی در معرفی و ترویج صنایع دستی این شهر ایفا خواهد کرد. با افتتاح این گذر در نوروز ۱۴۰۴، گردشگران و علاقه‌مندان می‌توانند از نزدیک با هنرهای اصیل اصفهان آشنا شوند و تجربه‌ای متفاوت از سفر به این شهر تاریخی داشته باشند.

مدیرعامل آبفا مازندران اعلام کرد:

افتتاح و آغاز عملیات اجرایی ۶۰ پروژه آب و فاضلاب طی دهه مبارک فجر در مازندران

ساری – دهقان : بهزاد برارزاده مدیر عامل آبفا مازندران از افتتاح ۴۹ پروژه و آغاز عملیات اجرایی ۱۱ پروژه آب و فاضلاب طی دهه مبارک فجر خبر داد.

بـه گزارش خبرنگار مازندران به نقل روابط عمومی ، او در گفتگویی ضمن گرامیداشت دهه مبارک فجر و قدردانی از تلاشهای بی شائبه کارکنان شرکت آب و فاضلاب مازندران در به ثمر نشسـتن این پروژه ها اظهار داشـت: برای بهره برداری از ۴۹ پروژه افتتاحی در بخشهای آب و فاضلاب در سطح استان عملیاتی شامل حفر و تجهیز ۱۲ حلقه چاه با آبدهی ۱۹۸ لیتر در ثانیه ،احداث ۱۹ باب مخازن ذخیره به حجم ۵۹۴۵ متر مکعب ،اجرای خط انتقال به طول ۴۵۳۵۰ متر ،اصلاح شبکه توزیع به طول ۱۱۷۰۰۰ متر ،توسعه شبکه توزیع به طول ۱۲۹۰۰۰ متر ،بهسـازی ۳ دهنه چشمه با افزایش ظرفیت آبدهی ۷ لیتر در ثانیه همچنین احداث ۱۰ واحد ایستگاه پمپاژ با افزایش ظرفیت آبدهی ۷۹ لیتر در ثانیه ،احداث ۸ پکیج با ظرفیت ۷۵ لیتر در ثانیه ،بازسازی و ارتقای کیفی ۱۲ دستگاه فیلتر شنی با ظرفیت ۴۰ لیتر در ثانیه و نیز اجرای شبکه جمع آوری اصلی و فرعی فاضلاب به طول ۱۷۲۶۵ متر ،انشـعاب نصب شده به تعداد ۱۱۰۰ مشـترک ،احداث ایستگاه پمپاژ کاظم بیگی بابل با ظرفیت

۱۴۴۰ مترمکعب درروز انجام شـده است.مدیر عامل آبفا مازندران با اشاره به اعتبار صرف شده این پروژه ها گفت: برای اجرای ۴۹پروژه افتتاحی در بخش آبرسانی ۷۰۶۰ میلیارد ریال و در بخش پروژه های فاضلاب۱۱۵۷ میلیارد ریال و در مجموع ۸۲۱۷ میلیارد ریال هزینه صرف شده است.

بهزاد برارزاده، جمعیت برخوردار از پروژه های افتتاحی در بخش آبرسانی را ۱۱۹۰۴۰ خانـوار و در بخش فاضلاب ۱۰۴۷۸ خانوار و در مجموع ۱۲۹۵۱۸ خانوار اعلام کرد.

او در بخش دیگری از سـخنانش به آغاز عملیات اجرایی پروژه های آب و فاضلاب در سـطح اسـتان طی دهه مبارک فجر اشاره کرد و افزود: طی این مدت عملیـات اجرایی ۱۱ پروژه آب و فاضلاب شـامل حفر ۵ حلقه چاه با آبدهـی ۷۰ لیتر در ثانیه ،اجرای خط انتقال بـه طول ۳۱۰۰ متر ،احداث ۵ باب مخزن ذخیره به حجم ۱۲۷۰ مترمکعب ،اصلاح شـبکه به طول ۴۵۰۰ متر همچنین توسعه شبکه به طول ۸۰۰ متر ،احداث ۲ واحد ایستگاه پمپاژ با افزایش ظرفیت آبدهی ۷۰ لیتر در ثانیه ،احداث یک واحد فیلتر شـنی به ظرفیت ۱۰ لیتر در ثانیه و احداث ساختمان اداری به مساحت ۹۰۰ مترمربع زیربنا آغاز می شود.

مدیر عامل آبفا مازندران اعتبار پیش بینی شده برای اجرای این پروژه ها را ۸۱۵ میلیارد ریال اعلام کرد که پس از اتمام عملیات اجرایی و بهره برداری از آنها ۱۵۵۵۰ خانوار از مزایای آنها بهره مند خواهند شد.

افشین مظفری: چهره شهر ایلام در دهه فجر دگرگون می شود

ایلام- هدی منصوری: شهردار ایلام گفت : در دهه فجر امسال سه پروژه بزرگ و زیربنایی در شهر ایلام آغاز می شود که در نتیجه اجرای آنها انقلابی در حوزه ترافیک و زیباسازی فضای شهری و حوزه ساماندهی فضاهای توزیع میـوه و تره بار انجام خواهد گرفت. مظفـری تصریح کرد:بزرگ پروژه اتصال میدان مخابرات به کمربندی شرقی ایلام یکی از محورهای زیربنایی است که بار ترافیکی محلات غرب و جنوب غرب شهر ایلام را از میدان کشوری و بلوار آزادی برداشته و دسترسی به کمربندی را برای شهروندان تسهیل خواهد کرد. وی اذعان داشت :برای اجرای این پروژه بزرگ به همراهی ادارات مختلف مانند منابع طبیعی و نیروی انتظامی نیاز داریم ، هزینه اجرای این پروژه تا امروز بالغ بر ۳۵۰ میلیارد تومان برآورد شده است.

وی اضافه کرد:سـاماندهی ورودی های شهر ایلام که از دغدغه های اصلی شـهروندان و ایجاد ورودی در شان شهروندان بود در دست اقدام قرار گرفته

و در حـال حاضر ورودی از سـمت ارغوان با اجرای چنـد پروژه محوری در دست اقدام می باشد. شهردارایلام افزود: اجرای رستوران سنگی، ساماندهی ساختمان رها شده فرهنگسرای ارغوان که سالها بلاتکلیف مانده بود و طراحی اجرای باغ ایرانی در پارک ارغوان و نورپردازی پارک و حاشـیه میدان از پروژه های در دست اقدام در ورودی ارغوان است وی بیان کرد:بازار بزرگ میوه و تره بار شهرداری با سه هدف عمده توزیع جزء و کل میوه و تره بار در سطح شهر و استان ، صادرات میوه و تره‌بار به عراق و ایجاد سردخانه بزرگ صنعتی در حال اجرا می باشد ، این پروژه بزرگ با اعتباری بالغ بر ۵۰۰ میلیارد تومان در زمینی به مساحت ۵۰ هزار مترمربع متشکل از ۱۷۰ غرفه ، بانک ، باسکول ، سردخانه ، پارکینگ ، فضای استراحت در دست اجرا می باشد. مظفری در پایان گفت : شهرداری ایلام در طول روز بالغ بر ۳۰۰ خدمت در شهر ارائه می دهد ، تمام این خدمات در حالی ارائه می گردد که به خاطر شکایات متعدد و تصرفاتی که سالهای قبل انجام گرفته بخش عمده ای از اعتبارات و وقت شهردار و معاونت‌ها به دادگاه و پرداخت جریمه های تصرفات گذشته اختصاص پیدا می کند.

فجر ۴۶ با حضور استاندار سیستان و بلوچستان پویش استانی پاکسازی فضای شهری، آغاز شد

زاهدان- حیدری نیا: همزمان با آغاز دهه فجر،پویش استانی پاکسازی شهر با حضور منصور بیجار استاندار و عطاالله اکبری سرپرست معاونت هماهنگی امور عمرانی استاندار،منصور سعیدی مدیر کل حوزه استاندار،فرماندار،اعضای شورای شهر،شهردار و جمعی از مدیران شهری و استانی صبح امروز در میدان سربازان گمنام امام زمان(عج)آغاز شد. به گزارش روابط عمومی استانداری سیستان و بلوچستان،منصور بیجار در گفتگو با رسانه ها وخبرگزاری صدا و سیما، ضمن گرامیداشـت دهه مبارک فجر و لزوم توسعه خدمات رسانی به مردم در حوزه های مختلف،هدف از برگزاری این پویش را نهادینه سـازی فرهنگ مشارکت مردمی در بهسازی فضای شهری دانسـت و از شهرداران خواست:با توجه به اسـتقبال خوب و مطلوب مردم در مدیریت شهری،بیش از گذشته و مجدانه به بهسازی کیفی شهر اهتمام داشته باشند. عطاالله اکبری،سرپرست معاونت هماهنگی امور عمرانی اسـتانداری نیز در این پویش به ایراد سخن پرداخت و تصریح کرد: پویش استانی پاکسازی شهر با هدف پیگیری مستمر وضعیت شهرهای استان و نظارت بر عملکرد شـهرداری‌ها راه اندازی شده و علاوه بر نظارت به اقدامات میدانی،وضعیت پیشبرد پروژه‌های عمرانی شهری که تحول سیمای شهر را در پی خواهد داشت را رصد می کند.

اخبار

اخذ مجوز برداشت چهار برابری از خطوط انتقال گاز کشور در استان چهار محال و بختیاری نوید بخش شد

شهرکرد- خبرنگار فرصت امروز: مدیر عامل شرکت گاز استان در گفتگو با خبرنگار روزنامه دیده بان گفت : شرکت گاز استان موفق به اخذ مجوزی کم‌سابقه برای برداشت چهار برابری از سهم موجود خود از خطوط انتقال گاز کشور شد. جهانبخش سلیمیان اضافه کرد :این اقدام راهبردی، که نتیجه پیگیری‌های مستمر و تعاملات مؤثر با شرکت ملی گاز ایران است، نقش بسزایی در تقویت زیرساخت‌های تأمین انرژی استان خواهد داشت. وی افزود: افزایش ظرفیت برداشت گاز به ما این امکان را می‌دهد که نه‌تنها نیازهای فعلی استان را به‌طور کامل پوشش دهیم، بلکه بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی جدید نیز فراهم آوریم. سلیمیان یاد اور شد :این اقدام شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری در حالی صورت می‌گیرد که در سال‌های اخیر، این منطقه با چالش‌هایی در تأمین پایدار گاز در فصل‌های سـرد سـال مواجه بوده که افزایش ظرفیت برداشت، موجب کاهش این دغدغه‌ها و ارتقای سطح خدمات‌رسانی به مشترکان خواهد شد. وی تاکید کرد :انتظار می‌رود با اجرایی شدن این مجوز، علاوه بر تأمین پایدارتر گاز در استان، زمینه رشد و توسعه صنایع وابسته به این منبع استراتژیک نیز بیش از پیش فراهم شود. مدیرعامل شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری در این خصوص اظهار داشت: با توجه به رشد فزاینده مصرف گاز در بخش‌های خانگی، صنعتی و نیروگاهی استان، اخذ این مجوز یک گام بزرگ در راستای تأمین پایدار انرژی و حمایت از توسعه اقتصادی منطقه محسوب می‌شود. وی اضافه کرد :سرافرازی و سربلندی حق مردم عزیز و نجیب استان چهارمحال و بختیاری است. این استان با تاریخ غنی، فرهنگ پربار و طبیعت بکر خود، همواره در عرصه‌های مختلف کشور درخشیده است و امروز، با توجه به ظرفیت‌های بالقوه‌ای که در این استان وجود دارد که جای تبریک ویژه‌ای به مردم شریف چهارمحال و بختیاری است . وی یادا ور شد :در سال جاری، با پیگیری‌های مؤثر مدیریت گاز استان، شاهد ظرفیت‌سازی برای تأمین انرژی در دهه آینده خواهیم بود که این تلاش‌ها در راستای برداشت مطلوب و مناسب از خطوط ملی گاز ایران، نویدبخش آینده‌ای روشن و پایدار برای استان است. سلیمیان افزود :ایجاد زیرساخت‌های مناسب در این زمینه، نه تنها به تأمین انرژی پایدار و مؤثر کمک خواهد کرد، بلکه به رونق اقتصادی و اشتغال‌زایی در منطقه نیز منجر می‌شود که با همت و همکاری تمامی ذینفعان، بتوانیم به اهداف بلندمدت خود در تأمین انرژی و توسعه پایدار استان دست یابیم. وی در پایان اضافه کرد :شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری با افتخار و در کمال صداقت، حق خود را به مردم غیور این استان عزیز ادا کردهمچنین در سال جاری، استان به مطمئن‌ترین و مطلوب‌ترین فرصت برای بهره‌مندی از گاز طبیعی در راستای توسعه اقتصادی تبدیل شده است. وی افزود :این دستاورد بزرگ، نتیجه تلاش‌های مستمر و همت والای مدیران و کارکنان شرکت گاز و همچنین همکاری و همدلی مردم شریف استان است که بهره‌مندی از گاز طبیعی نه تنها به تأمین انرژی پایدار کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان یک موتور محرک برای توسعه صنایع، اشتغال‌زایی و بهبود کیفیت زندگی در استان عمل کند. سلیمیان گفت :امید داریم که با ادامه این روند و تقویت زیرساخت‌ها، شاهد شکوفایی بیشتر استان و رفاه هر چه بیشتر مردم عزیزمان باشیم.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان مرکزی:

جمع‌آوری ۱۸۳ هزار چراغ فرسوده معابر در استان مرکزی

اراک- فرنـاز امیدی: مدیرعامل شـرکت توزیع نیروی برق استان مرکزی گفت: همزمان با دهه مبارک فجر و چهل و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب اسـلامی تفاهم‌نامه جایگزینی ۱۸۳ هزار چراغ فرسوده معابر و پرمصرف گازی با چراغ‌های کم مصرف LED در سطح این استان منعقد شد. محمود محمودی روز جمعه در آیین امضای این تفاهم‌نامه افزود: این طرح با سرمایه‌گذاری هشت هزار میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریالی بخش خصوصی و با همکاری مشترک ساتبا، توانیر، شرکت توزیع نیروی برق و اداره‌کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان مرکزی در تمام سطح استان اجرا می‌شود که نقش مهمی در کاهش مصرف برق و افزایش بهره‌وری انرژی دارد. وی بیان کرد: ظرفیت‌های بازار انرژی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، این پروژه را به عنوان مدلی موفق برای سایر استان‌های کشور تبدیل می‌کند. مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان مرکزی بیان کرد: اجرای این طرح ۱۱۰ میلیون کیلووات در ساعت صرفه‌جویی برق دارد. محمودی با اشاره به امضای میثاق‌نامه مدیران اسـتان مرکزی در راسـتای توسعه نیروگاه‌های خورشیدی در استان گفت: براساس این میثاق‌نامه توسعه ظرفیت پنج هزار مگاواتی انرژی خورشیدی تا پایان دولت چهاردهم در استان مرکزی انجام می‌شود. وی ادامه داد: تولید ۳۰۰ مگاوات انرژی خورشیدی تا قبل از شروع فصل تابستان سال آتی و پیک مصرف برق در استان مرکزی هدف‌گذاری شده است.

شهردار اسلامشهر از احداث ۱۵۰ پارکینگ مکانیزه خبر داد

زیور لک - خبرنگار فرصت امروز: محسن حمیدی، شهردار اسلامشـهر، در نشسـت اخیر پیرامون ترافیک ورودی آرامستان دارالسلام اعلام کرد که سازمان آرامستان‌های شهرداری اسلامشهر با ۳۵ هزار متوفی هر پنجشنبه با ترافیک سنگینی مواجه است. با تصویب طرح اصلاحات ورودی آرامسـتان دارالسلام، شهرداری به سـرعت وارد عمل خواهد شد تا ترافیک روانی در این محور ایجاد کند. همچنین، تعداد پل‌های عابر پیـاده در دوره جدید مدیریت شهری به ۴۰ عدد افزایش یافته است و تعدادی پل عابر پیاده جدید در نقاط حادثه‌خیز نصب خواهد شد. شهردار اسلامشهر در خصوص پروژه‌های مترو نیز بیان کرد که ساخت ایستگاه مترو میدان نماز با ۶۵ درصد پیشرفت در حال انجام است و تلاش می‌شود که عملیات عمرانی بدون ایجاد محدودیت ترافیکی بالا به پایان برسد. برای کاهش ترافیک خیابان شهید صیاد شیرازی نیز به زودی ۱۵۰ پارکینگ مکانیزه در این خیابان احداث خواهد شد. شهرداری اسلامشهر با بهبود زیرساخت‌ها، افزایش فضای سـبز، و توسعه فضاهای فرهنگی و ورزشی به ارتقای کیفیت زندگی شهروندان کمک کرده و توانسته است اعتماد و رضایت شهروندان را جلب کند.

دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور:

ایران و ایرانی بودن ستون خیمه هویت ماست

اهواز - شبنم قجاوند: مشاور وزیر ارشاد و دبیر شورای فرهنگ عمومی کشـور گفت: ایران و ایرانی بودن سـتون خیمه هویت ما ایرانی‌ها است که باید بر آن تاکید کنیم و برای تعالی کشور هر آنچه در توان داریم؛ انجام دهیم. قادر آشـنا در آیین گشایش پردیس سینمایی خلیج فارس در اهواز بر ضرورت همراهی و همگرایی در همه امور فرهنگی تاکید کرد. وی با بیان اینکه اختلاف سلیقه و نظر به اندازه تک تک افراد یـک جامعه وجود دارد افزود: هویت دینی و اعتقادی در تمام‌دنیا خط جزء قرمزهای محسـوب می‌شود که نمی‌توان از آن‌ها عدول کرد. دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور با اشاره به ظرفیت خوزستان در تولیدات سینمایی تصریح کرد: از هنرمندان استان خوزستان نسبت به دیگر استان‌ها توقع بیشتری وجود دارد چراکه این خطه انقلاب اسلامی، دفاع مقدس را درک کرده است و قهرمانان بزرگی در این استان پرورش یافته و وجود داشته است. وی تاکید کرد: امروز وظیفه ما به عنوان‌هنرمند، مردم و دولت این است که قدر داشته‌های خود را بدانیم و از آن‌ها غفلت نکنیم بلکه آن‌ها را حمایت کنیم. آشنا در ادامه سخنان خود با اشاره به گشایش پردیس سینمای خلیج فارس در اهواز بر تسهیل‌گری کار برای بخش خصوصی تاکید کرد و توضیح داد: بخش خصوصی و هنرمندان برای کشور فرصتی را فراهم می‌کنند تا در جامعه امید و نشاط ایجاد شود. وی افزود: در استان خوزستان ساخت سالن‌های سینما جهش خوبی داشته است با این حال مردم انتظار بیشتری دارند. دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور یادآور شد: سینما بزرگ‌ترین رسانه هویت‌ساز و پاسداری از بنیان‌های فکری هر قوم و ملتی در جهان است.

اولین جشنواره مجسمه های شنی در منطقه آزاد انزلی برگزار شد

رشـت - زهرا رضازاده : اولین جشنواره ملی مجسمه های شنی با عنوان (فورش) درقالب ۱۵ گروه از ۱۱ استان، عصر دوشنبه درمنطقه آزاد انزلی برگزار شد. مدیرهنری سازمان منطقه آزاد انزلی درجمع خبرنگاران گفت: این جشـنواره از ۲۸ مرداد و از طریق پایگاه های خبری و مجلات هنری فراخوان شـد که دراین راستا ۳۵ گروه از استان های مختلف آثار خود را به این جشنواره ارسـال کردند. مژده فرشیدنکو بااعلام اینکه آثار ۱۵ گروه از کل شـرکت کنندگان مورد تایید قرارگرفته است افزود: تمام گروه های شرکت کننده، فارغ التحصیل رشته های هنر در مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد هستند. وی درخصوص اهداف برگزاری این جشنواره گفت:این جشنواره با هدف تثبیت بنیان جشنواره های رقابتی مستمر در حوزه هنرهای تجسمی ومعرفی جاذبه های منطقه، با بهره مندی از زبان گویای هنر برگزار شده است. فرشیدنکو خروج آثارهنرمندان از محدوده نگارخانه ها را از دیگر اهداف برگزاری این جشنواره برشمرد و اظهارکرد: در

راهکارهایی برای مدیریت بهینه نیروی کار

مدیریت نیروی انسانی در سال ۲۰۲۵

نویسنده: علی آل‌علی

دنیای کسب و کار مثل ارکستری پیچیده است که در آن هر ساز نقشی اساسی دارد. در این میان نیروی انسانی همان موسیقی‌دانی است که کیفیت اجرایش می‌تواند صدای برند را ماندگار یا گم شده در میان انبوهی از صداها کند. برای دهه‌ها مدیران تنها به داشتن کارمندانی حرفه‌ای و متخصص بسنده کرده‌اند، غافل از اینکه مهارت و تخصص بدون مدیریت هوشمندانه مانند موتوری بدون سوخت است. استخدام افراد شایسته گام نخست است، اما مدیریت این افراد با برنامه‌ریزی، انگیزش و هماهنگی اصل ماجراست.

در سال‌های اخیر تحولات دیجیتال و تغییرات اقتصادی چالش‌های جدیدی را به مدیریت منابع انسانی تحمیل کرده‌اند. به طوری که در سال جدید مفاهیم سنتی مدیریت نیروی انسانی به سرعت جای خود را به رویکردهای خلاقانه‌تر و مبتنی بر تکنولوژی داده‌اند. برندهای برتر در این حوزه به دنبال خلق مدل‌هایی هستند که نه تنها بهره‌وری را افزایش دهند، بلکه به ارتقای تجربه کارکنان نیز کمک کنند. اکنون زمان آن است که ببینیم مدیریت منابع انسانی در سال جدید، چگونه مفاهیم و اصول خود را بازآفرینی کرده است.

ما در این مقاله سفری خواهیم داشت به دنیای مدیریت منابع انسانی در سال ۲۰۲۵. از اصولی سخن می‌گوییم که به برندهای پیشرو کمک می‌کنند تیم‌هایی کارآمد، خوشحال و متعهد بسازند. این اصول نه تنها برای سازمان‌ها، بلکه برای رهبران منابع انسانی نیز راهنمایی ارزشمند خواهند بود. آیا آماده‌اید تا نگاه نزدیک‌تری به آینده بیندازیم؟

مدیریت مبتنی بر داده (Data Driven Management)

داده‌ها مانند قطب‌نمایی هستند که مدیران منابع انسانی را در میان امواج متغیر دنیای کسب وکار راهنمایی می‌کنند. در سال ۲۰۲۵ برندهای موفق دیگر به حدس و گمان اکتفا نمی‌کنند، بلکه از داده‌های جامع برای تصمیم‌گیری‌های استراتژیک استفاده می‌کنند. تحلیل داده‌ها به مدیران این امکان را می‌دهد تا الگوهای رفتار کارکنان، نیازهای آموزشی و حتی پیش‌بینی ترک شغل را شناسایی کنند.

به عنوان مثال، شرکتی که از نرم‌افزارهای مدیریت داده‌های منابع انسانی استفاده می‌کند، می‌تواند روند کاهش بهره‌وری در میان کارمندان را در مراحل ابتدایی شناسایی کند. این داده‌ها به مدیران کمک می‌کنند تا پیش از وقوع مشکلات جدی، برنامه‌های انگیزشی یا آموزشی مناسبی طراحی کنند. با این روش، نه تنها از افت کیفیت کار جلوگیری می‌شود، بلکه کارمندان نیز احساس می‌کنند سازمان به نیازهای‌شان توجه می‌کند.

داده‌ها همچنین در فرآیند استخدام نقشی کلیدی دارند. بسیاری از برندها با استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی، بهترین کاندیداها را از میان انبوهی از رزومه‌ها انتخاب می‌کنند. این فرآیند نه تنها دقت استخدام را افزایش می‌دهد، بلکه زمان و هزینه‌های گزاف منابع انسانی را نیز کاهش می‌دهد. به علاوه، تجزیه وتحلیل داده‌ها می‌تواند به پیش‌بینی نیازهای آتی شرکت کمک کند و برنامه‌ریزی برای استخدام نیروهای جدید را ساده‌تر سازد، اما باید به این نکته نیز توجه کرد که استفاده از داده‌ها نیازمند رعایت اصول اخلاقی و احترام به حریم خصوصی کارکنان است. برندهای پیشرو از فناوری‌هایی استفاده می‌کنند که ضمن تحلیل داده‌ها، محرمانگی اطلاعات شخصی را حفظ می‌کنند. این رویکرد، اعتماد کارکنان را افزایش داده و محیط کاری سالم‌تری ایجاد می‌کند.

در نهایت، مدیریت مبتنی بر داده‌ها تنها یک ابزار نیست؛ بلکه یک فلسفه کاری است که به سازمان‌ها کمک می‌کند تا تصمیمات هوشمندانه‌تر بگیرند و منابع انسانی را به شکلی موثرتر مدیریت کنند. برندهایی که این اصل را نادیده بگیرند، ممکن است در برابر رقابت شدید دنیای مدرن به چالش کشیده شوند.

توسعه فرهنگ سازمانی قوی

فرهنگ سازمانی مانند چسبی است که تمام اجزای یک کسب وکار را به هم متصل می‌کند. در سال ۲۰۲۵ برندهای موفق به اهمیت ایجاد و حفظ فرهنگی قوی و یکپارچه بیش از هر زمان دیگری پی برده‌اند. این فرهنگ نه تنها هویت سازمان را تعریف می‌کند، بلکه به کارکنان انگیزه می‌دهد تا با تمام وجود برای موفقیت شرکت تلاش کنند.

فرض کنید شرکتی مانند کوکاکولا ارزش‌هایی نظیر احترام به محیط زیست و تعهد اجتماعی را به عنوان پایه فرهنگ سازمانی خود انتخاب کرده است. این رویکرد نه تنها کارکنان این شرکت را به سفیرانی پرشور تبدیل کرده، بلکه مشتریان وفاداری را نیز جذب کرده است.

توسعه فرهنگ سازمانی قوی نیازمند شفافیت و ارتباطات مؤثر است. مدیران باید ارزش‌ها و اهداف سازمان را به وضوح به کارکنان منتقل کنند. این امر نه تنها از ایجاد ابهام جلوگیری می‌کند، بلکه به کارکنان کمک می‌کند تا با هویت سازمان ارتباط عمیق‌تری برقرار کنند.

به علاوه، فرهنگ سازمانی قوی باید شامل برنامه‌هایی باشد که رضایت و شادی کارکنان را افزایش دهد. جشن گرفتن موفقیت‌ها، برنامه‌های انگیزشی و احترام به نیازهای شخصی کارکنان از جمله اقداماتی است که می‌تواند این فرهنگ را تقویت کند. برای مثال، شرکت‌هایی که به کارمندان خود اجازه می‌دهند در انتخاب پروژه‌های موردعلاقه‌شان سهیم باشند، معمولاً محیط‌های کاری پرانرژی‌تر و خلاقانه‌تری دارند.

بی‌شک فرهنگ سازمانی قوی تنها یک شعار نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از رفتارها، ارزش‌ها و باورهایی است که در تمام سطوح سازمان جریان دارد. برندهایی که به این اصل پایبند هستند، نه تنها کارکنان متعهدتری خواهند داشت، بلکه در بازار رقابتی نیز به عنوان الگو شناخته خواهند شد.

ایجاد فرصت‌های یادگیری و توسعه مداوم

در سال جدید یادگیری مداوم دیگر یک انتخاب لوکس نیست، بلکه ضرورتی برای بقا در دنیای حرفه‌ای محسوب می‌شود. تغییرات سریع در فناوری و نیازهای بازار، کارکنان را مجبور کرده است تا به طور مداوم مهارت‌های خود را به‌روزرسانی کنند. برندهایی که این اصل را درک کرده‌اند، برنامه‌های یادگیری و توسعه گسترده‌ای را برای کارکنان خود طراحی می‌کنند.

به عنوان مثال، آمازون با راه‌اندازی برنامه انتخاب حوزه کاری به کارکنان خود فرصت می‌دهد تا مهارت‌های جدیدی را یاد بگیرند که حتی ممکن است مستقیما به شغل فعلی آنها مرتبط نباشد. این برنامه نشان‌دهنده تعهد شرکت به رشد فردی و حرفه‌ای کارکنانش است. یکی از نکات کلیدی در ایجاد فرصت‌های یادگیری شناسایی نیازهای آموزشی کارکنان است. برندهای پیشرو از نظرسنجی‌ها، جلسات بازخورد و تحلیل داده‌ها برای کشف این نیازها استفاده می‌کنند. سپس با طراحی دوره‌های آموزشی متناسب، نه تنها به بهبود مهارت‌های کارکنان کمک می‌کنند، بلکه آنها را برای چالش‌های آینده نیز آماده می‌سازند.

آموزش‌های مداوم تنها به دوره‌های رسمی محدود نمی‌شود. برنامه‌های منتورینگ، جلسات گروهی و حتی پلتفرم‌های یادگیری آنلاین از دیگر روش هایی هستند که برندهای موفق به کار می‌گیرند. این برنامه‌ها نه تنها مهارت‌های فنی کارکنان را تقویت می‌کند، بلکه آنها را با فرهنگ یادگیری سازمان پیوند می‌دهد. برندهایی که به یادگیری مداوم اهمیت می‌دهند، محیط‌هایی خلق می‌کنند که در آن کارکنان احساس می‌کنند ارزشمند هستند و می‌توانند همگام با تغییرات پیشرفت کنند. این امر نه تنها به حفظ کارکنان کمک می‌کند، بلکه به شرکت‌ها مزیت رقابتی ماندگاری می‌بخشد.

تعهد به تنوع نیروی انسانی

تنوع و شمول در سال جدید دیگر تنها یک شعار نیست، بلکه به یکی از اصول اساسی مدیریت منابع انسانی تبدیل شده است. برندهای موفق به اهمیت ایجاد محیط‌های کاری متنوع و فراگیر پی برده‌اند؛ چراکه این محیط‌ها نه تنها بهره‌وری را افزایش می‌دهند، بلکه خلاقیت و نوآوری را نیز تقویت می‌کنند.

مایکروسافت نمونه‌ای بارز از برندی است که تنوع و شمول را در تمام سطوح سازمانی خود اجرا کرده است. این شرکت برنامه‌هایی طراحی کرده که تضمین می‌کنند همه کارکنان فارغ از جنسیت، نژاد یا توانایی‌های جسمی فرصت‌های برابر برای پیشرفت دارند.

ایجاد محیط‌های کاری متنوع نیازمند تلاش مستمر است. مدیران باید سیاست های استخدامی خود را بازنگری کنند تا مطمئن شوند که هیچ‌گونه تبعیضی در فرآیند انتخاب وجود ندارد. همچنین برنامه‌های آموزشی می‌توانند به کارکنان کمک کنند تا اهمیت تنوع و شمول را درک کنند و در تعاملات روزمره خود به آن پایبند باشند. یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی این اصل توجه به نیازهای خاص گروه‌های مختلف است. برای مثال، شرکت‌هایی که امکاناتی مانند مرخصی زایمان طولانی‌تر یا برنامه‌های کاری انعطاف‌پذیر برای والدین فراهم می‌کنند، محیط‌های کاری دوستانه‌تری ایجاد می‌کنند.

باور کنید یا نه، تنوع و شمول نه تنها به بهبود روابط داخلی سازمان کمک می‌کند، بلکه تصویری مثبت از برند در جامعه به نمایش می‌گذارد. برندهایی که به این اصل پایبند هستند، اعتماد مشتریان و کارکنان را به طور همزمان جلب می‌کنند و به الگویی برای دیگران تبدیل می‌شوند.

تمرکز بر سلامت روان و رفاه کارکنان

در سال جدید سلامت روان و رفاه کارکنان دیگر تنها یک موضوع جانبی در محیط کار نیست. در عوض به یکی از اصول اساسی مدیریت منابع انسانی تبدیل شده است. برندهای موفق می‌دانند که کارکنان سالم و خوشحال بهره‌وری بیشتری دارند و محیط کاری مثبت‌تری ایجاد می‌کنند.

به عنوان مثال، شرکت گوگل با ایجاد محیط‌های کاری دوستانه، خدمات مشاوره روان شناسی رایگان و برنامه‌های کاهش استرس، نشان داده است که چطور رفاه کارکنان می‌تواند به موفقیت کلی شرکت کمک کند. این اقدامات نه تنها رضایت کارکنان را افزایش می‌دهد، بلکه میزان ترک شغل را نیز کاهش می‌دهد.

یکی از مهمترین اقدامات در این حوزه ایجاد برنامه‌هایی است که به سلامت روان کارکنان توجه کنند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل جلسات مشاوره گروهی، کارگاه‌های مدیریت استرس و یا حتی ساده‌ترین اقدامات مانند ارائه فضای آرام برای استراحت کارکنان باشند. چنین رویکردهایی نشان‌دهنده تعهد سازمان به بهبود کیفیت زندگی کاری کارکنان است. افزون بر این، برندهایی که به سلامت روان کارکنان اهمیت می‌دهند، سیاست‌های کاری منعطف‌تری نیز دارند. اجازه کار از خانه، ساعات کاری شناور و مرخصی‌های خاص برای رفع نیازهای شخصی از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود سلامت روان کارکنان کمک کند. تمرکز بر سلامت روان کارکنان نه تنها محیط کاری بهتری ایجاد می‌کند، بلکه بهره‌وری کلی سازمان را نیز افزایش می‌دهد. در دنیای رقابتی امروز، برندهایی که به این اصل پایبند باشند، شانس بیشتری برای حفظ و جذب استعدادهای برتر خواهند داشت.

پیاده‌سازی فناوری‌های نوین در منابع انسانی

در سال ۲۰۲۵ فناوری نه تنها در حوزه‌های تولید و فروش، بلکه در مدیریت منابع انسانی نیز نقشی کلیدی ایفا می‌کند. ابزارهای دیجیتال و سیستم‌های هوشمند فرآیندهای منابع انسانی را کارآمدتر و دقیق‌تر کرده‌اند و به مدیران کمک می‌کنند تا تصمیمات بهتری بگیرند.

به عنوان مثال، پلتفرم‌های کاریابی و استخدام به شرکت‌ها اجازه می‌دهند که فرآیندهای استخدام، ارزیابی عملکرد و مدیریت مزایا را به صورت دیجیتالی مدیریت کنند. این ابزارها با ارائه تحلیل‌های دقیق و کاربردی، مدیران را در اتخاذ تصمیمات استراتژیک یاری می‌دهند. یکی از مزایای اصلی فناوری در منابع انسانی، صرفه‌جویی در زمان است. برای مثال، چت بات‌ها می‌توانند به سوالات اولیه کارکنان پاسخ دهند یا مراحل ابتدایی استخدام را انجام دهند. این امر باعث می‌شود تیم منابع انسانی بتواند بر روی مسائل پیچیده‌تر تمرکز کند.

علاوه بر این، ابزارهای تحلیل داده به شرکت‌ها کمک می‌کنند تا روندها و الگوهای مرتبط با عملکرد کارکنان را شناسایی کنند. این اطلاعات می‌توانند در بهبود برنامه‌های آموزشی، طراحی سیستم‌های پاداش‌دهی و یا حتی پیش‌بینی نیازهای استخدامی نقش مهمی ایفا کنند. پیاده‌سازی فناوری‌های نوین نه تنها فرآیندهای منابع انسانی را کارآمدتر می‌کند، بلکه تصویر مدرنی از برند در ذهن کارکنان و مشتریان ایجاد می‌کند. برندهایی که از این اصل غافل شوند، ممکن است در برابر رقبا زمینگیر شوند.

مدیریت چند نسلی در محیط کار

این روزها محیط‌های کاری بیش از هر زمان دیگری چندنسلی شده‌اند. از نسل زد (Z) گرفته تا نسل‌های جدیدتر، هر نسلی نیازها، انتظارات و شیوه‌های کاری خاص خود را دارد. مدیریت این ترکیب متنوع چالشی است که برندهای پیشرو با موفقیت از پس آن برمی‌آیند.

مثلا شرکت تسلا برنامه‌هایی طراحی کرده است که به کارکنان مسن‌تر کمک می‌کند تا با فناوری‌های جدید سازگار شوند، در حالی که برای کارکنان جوان تر فرصت‌های منتورینگ ایجاد می‌کند. این رویکرد نه تنها شکاف‌های نسلی را کاهش می‌دهد، بلکه همکاری میان نسل‌ها را تقویت می‌کند.

یکی از اصول کلیدی در مدیریت چند نسلی توجه به نیازهای منحصربه‌فرد هر گروه است. برای مثال، نسل جوان‌تر معمولا به انعطاف‌پذیری و فرصت‌های رشد سریع علاقه دارد، در حالی که کارکنان مسن‌تر ممکن است به امنیت شغلی و مزایای بازنشستگی اهمیت دهند. برندهایی که این تفاوت‌ها را درک می‌کنند، می‌توانند برنامه‌هایی طراحی کنند که رضایت همه گروه‌ها را تأمین کند.

علاوه بر این، ارتباطات مناسب نقش مهمی در مدیریت چند نسلی ایفا می‌کند. مدیران باید فضایی ایجاد کنند که در آن همه کارکنان بتوانند به راحتی نظرات و پیشنهادات خود را بیان کنند. جلسات گروهی، برنامه‌های منتورینگ و حتی کارگاه‌های فرهنگی می‌توانند به کاهش تنش‌های نسلی کمک کنند.

در نهایت، مدیریت چند نسلی یک هنر است که نیازمند ترکیبی از دانش، تجربه و انعطاف‌پذیری است. برندهایی که بتوانند این هنر را به خوبی اجرا کنند، محیط های کاری متنوع‌تر و پویاتری خواهند داشت که در آن همه نسل‌ها می‌توانند به بهترین شکل ممکن همکاری کنند.

تمرکز بر تجربه کارکنان

تجربه کارکنان به یکی از محورهای اصلی مدیریت منابع انسانی محسوب می‌شود. این تجربه شامل تمام تعاملات کارکنان با سازمان، از فرآیند استخدام گرفته تا روزی که سازمان را ترک می‌کنند، می‌شود. برندهای موفق می‌دانند که تجربه مثبت کارکنان می‌تواند به بهبود عملکرد و کاهش نرخ ترک شغل منجر شود. شرکت ایر بی ان بی نمونه‌ای از سازمان‌هایی است که تجربه کارکنان را در اولویت قرار داده است. این شرکت با طراحی محیط‌های کاری منحصربه فرد، برنامه‌های آموزشی جذاب و سیاست‌های کاری منعطف، محیطی ایجاد کرده که کارکنان احساس ارزشمندی کنند. یکی از گام‌های اساسی در بهبود تجربه کارکنان، ایجاد فرآیندهای ساده و شفاف است. برای مثال، فرآیندهای پیچیده در بخش منابع انسانی می‌تواند کارکنان را دلسرد کند. برندهای موفق با ساده سازی این فرآیندها، رضایت کارکنان را افزایش می‌دهند. همچنین، برنامه‌های انگیزشی و فرصت‌های رشد شخصی نقش مهمی در تجربه کارکنان دارند. شرکت‌هایی که به کارکنان خود اجازه می‌دهند مهارت‌های جدید یاد بگیرند یا در پروژه‌های هیجان‌انگیز شرکت کنند، محیط کاری پویا و الهام‌بخشی ایجاد می‌کنند. بی‌شک تجربه کارکنان یک سفر است که با هر تعامل جدید، شکل می‌گیرد. برندهایی که به این اصل پایبند باشند، نه تنها کارکنان وفادارتری خواهند داشت، بلکه به الگویی برای دیگران در صنعت خود تبدیل می‌شوند.

سخن پایانی

مدیریت منابع انسانی در سال جدید ترکیبی است از تکنولوژی پیشرفته، درک عمیق از نیازهای انسانی و تعهد به ایجاد محیط‌های کاری بهتر. برندهایی که این اصول را به کار می‌گیرند، نه تنها در جذب و حفظ بهترین استعدادها موفق هستند، بلکه فرهنگی ایجاد می‌کنند که در آن کارکنان با انگیزه و شاداب به موفقیت برند کمک می‌کنند.

اگرچه چالش‌های زیادی در این مسیر وجود دارد، اما با استفاده از ابزارهای مدرن، تمرکز بر تجربه کارمندی و احترام به تنوع، می‌توان آینده‌ای روشن‌تر برای مدیریت منابع انسانی خلق کرد. سال ۲۰۲۵ نه تنها برای برندها، بلکه برای کارمندان نیز فرصتی بی‌نظیر برای رشد و پیشرفت است. پس بهتر است خودتان را برای این شرایط از همین حالا آماده سازید.

منابع:

https://www.forbes.com/sites/top-ten-hr-/۰۶/۰۱/۲۰۲۵/jeannemeister-trends-as-generative-ai-expands-in-the/workplace-۲۰۲۵

https://www.shrm.org/mena/topics-tools/trends-that-will--۷/news/hr-quarterly ۲۰۲۵-shape-hr-in

ضرورت ایجاد گفت‌وگوهای سالم برای حل مشکلات کشور

نویسنده:
سجاد رحیمی‌مدیسه
پژوهشگر و مشاور حوزه مدیریت

امنیت روانی مردم در مسائل ریز و درشت را نباید دست‌کم گرفت. وقتی یک محصول ساده با قیمت‌های متعدد در یک بازار و شهر به چشم می‌خورد و هر یک از ما شهروندان عادی برای خرید هر محصول (حتی یک ماست ساده تا خرید یک گوشی تلفن همراه یا بیمه خودرو و یا هر چیز دیگر) باید ده‌ها آیتم را کنترل و چک کنیم و زمان صرف نماییم و دست آخر نگران این باشیم که نکند گران خریدیم و کلاه سرمان رفته! پس اشکالات اساسی در قوانین و فرآیندهای بازار و اقتصاد ما وجود دارد.

بیاییم نگاهی کاربردی و رویکردی میدانی داشته باشیم. مغازه شمال شهر یک اجاره پرداخت می‌کند و مغازه پایین شهر یا داخل کوچه، اجاره‌ای کمتر. حالا به شمال شهر می‌رویم؛ جایی که اجاره‌های فروشگاه‌ها و مغازه‌ها نزدیکی بیشتری به هم دارند؛ آیا در اینجا حق مشتری نیست که قیمت کالای مدنظر را به راحتی بتواند رصد نماید؟ اصلا چرا مشتری باید هزینه گران شدن اجاره مغازه و فروشگاه را با افزایش مالیات و ارزش افزوده به تنهایی بر دوش بکشد؟

نگاهی به زنجیره تأمین یک محصول ساده مانند کلوچه بیندازیم؛ از خرید مواد اولیه آن برای یک کارخانه گرفته تا ارسال برای توزیع‌کنندگان اصلی و درشت و بنک‌داران و بزرگان بازارهای سنتی و نهایتاً خرده‌فروش؛ چند دست یک محصول در فرآیندهای مالی توسط سیستم مالی شناخته شده و مالیات کسر می‌گردد و برای هر تراکنش کارت کشیده می‌شود؟ بار هزینه‌ها دست آخر بر سر چه کسی آوار می‌شود؟ مشتری؛ یعنی مردم عادی و شهروندانی که مصرف‌کننده کالا هستند.

فروشگاه به راحتی روی جنس خود اضافه می‌کند و تمام بار افزایش اجاره بهای مغازه را بر دوش مصرف‌کننده می‌اندازد. پس ملاحظه می‌کنیم با چرخه‌ای معیوب مواجه هستیم که باید فکری اساسی برای آن نمود.

فکر اساسی کجاست؟ قدم اول برای این فکر اساسی، بازنگری و تماشای مسائل از نگاه دیگر است. با رویکرد ۴۰سال قبل و ۳۰سال قبل و حتی ۱۰ سال قبل نیز نمی‌شود مسائل اقتصادی خرد و کلان یک کشور را مدیریت نمود. این یک واقعیتی است که مسئولان عالی‌رتبه نظام و مدیران و نمایندگان و دولت باید به این امر، توجه ویژه‌ای داشته باشند و بازآفرینی‌هایی در همه ابعاد داشته باشند.

این بازآفرینی از انبوه قوانین باید هرچه سریع‌تر و با قید فوریت شروع شود و در نهایت به دستورالعمل‌ها و ابلاغ‌های رسمی ختم گردد؛ نگاهی به وضعیت حقوق و دستمزدها در مقیاس عمومی داشته باشیم؛ مقایسه‌ای از شاخص‌های کلان اقتصادی با حقوق و دستمزدها و رفاه طبقات مختلف حقوق‌بگیر بکنیم؛ آیا از ۲۰ سال پیش تاکنون، به طور متناسب حقوق و دستمزدهای عمومی رشد کرده است؟ خیر.

متولیان امر دقت داشته باشند که موضوع فقط به سطح دغدغه حقوق‌بگیری و واژه‌های فقرآوری چون «معیشت» و «حداقل» کم‌اهمیت نگردد. قشر متوسط (که شاید الان عملا به سختی بتوان به وجود این قشر اذعان نمود.) عمدتاً حقوق‌بگیران جامعه و کشور هستند و اثر بسیار مهمی در شاخص‌های اقتصادی خرد و کلان یک کشور دارند. به زبان عامیانه: وقتی حقوق‌بگیر کمتر خرج کند، اقتصاد هم کمتر تکان می‌خورد.

نگاهی به وضعیت بازار مسکن بیندازیم؛ چرا شاهد رکود هستیم؟ پاسخ در این عبارتِ یک شخص فعال در معاملات املاک وجود دارد: مردم ندارند بخرند! حالا آب چه یک وجب گذشته باشد و چه صد وجب! طرف ۳میلیارد نداشته باشد یا ۳۰میلیارد یا ۳۰۰میلیارد! برایش فرقی ندارد؛ چون اساساً ندارد بخرد! همین یک آیتم را به میلیون‌ها جوان و فرد در آستانه ازدواج تعمیم دهیم که اساساً نمی‌توانند خانه‌ای تهیه کنند و ناگزیرند یا مسیر اجاره‌نشینی را در پیش بگیرند و یا به وضعیت تنهایی خود در این اقتصاد آشفته ادامه دهند.

امنیت روانی مردم از همین بازنگری‌ها به وجود می‌آید و نقش مهمی در قدرتمند شدن کشور در برابر هجوم رسانه‌ای دشمنان این آب و خاک برای بیزار کردن مردم از کشور و جامعه خودشان دارد. بازنگری یعنی نگاه دوباره به قوانین؛ نگاه مجدد به فرآیندها و عینکی جدید بر چشم زدن و مسائل را تحلیل کردن.

بازنگری خوب، از افکار جدید برای دیدن مسائل و مشکلات حاصل می‌شود. باید برخی مسئولین و متولیان امر به این نکته واقف شوند که دوران حرف‌های بدون پشتوانه به سر آمده و نمایش دیگر برای عامه مردم جواب نمی‌دهد. نخبه ما از کشور مجبور است برود؛ چون نیازش و حداقل انتظاراتش برای یک زندگی تأمین نمی‌شود. ما نمی‌توانیم او را محکوم کنیم که چرا ترک وطن کرد، اما مسئول و مدیری که برای نگه داشتن سرمایه‌های انسانی این کشور (که شهیدان زیادی را تقدیم کرده) اقدامی نکرده، باید مورد مؤاخذه و سؤال و محکوم شدن قرار بگیرد که در ازای پول و امتیاز و مواهب دیگری که از این لباس مسئولیت گرفته، چه کاری برای مردم این کشور انجام داده است؟

مقام معظم رهبری فرمودند: اولویت کشور، اقتصاد و معیشت مردم است. حالا از دولت شروع و به تک تک وزارتخانه‌ها ورود کنیم: هر وزارتخانه و سازمان چقدر به این اولویت عمل کرده است؟ از وزارت اقتصاد و بانک مرکزی گرفته تا کشاورزی و نفت و حتی فرهنگ و ... .

نگاه غلط در بازنگری مسائل و آسیب‌ها، نداشتن نگاه کلان و آلوده کردن موضوع به سودجویی‌های سیاسی و غرض‌ورزی‌های شخصی است که بعضاً حتی خلاف منافع ملی عمل می‌کند. در شرایطی که ما سال‌هاست در جنگ اقتصادی قرار داریم، باید اولویت را در منفعت ملی و به نفع یکایک مردم قرار دهیم و در همین مسیر عمل کنیم؛ همان‌طوری که رهبری معظم تأکید داشته و دارند.

نگاهی به تولید بیندازیم: اساساً «تولید» در سال ۱۴۰۳ چقدر برای عموم مردم جذابیت دارد؟ چه کسانی می‌توانند به تولید روی آورند؟ دولت و حاکمیت و نهادهای قانونگذار و صاحب ثروت، چه برنامه‌ای برای مردم و اقشاری دارند که علاقه‌مند به تولید هستند، اما سرمایه اولیه آن را ندارند؟ آیا رویکرد وام دادن و بدهکار کردن به صورت کلان جواب داد؟ خیر.

دوباره برخی اشتباه نکنند! اینکه یک تولیدکننده یا یک خانم دارای کسب‌وکار خانگی را در تلویزیون بزرگ‌نمایی کنیم و به مخاطب ایرانی این‌طور القا نماییم که کار تولید عالی است! این روش جواب نمی‌دهد. آیا در مقیاس کلان هم، تولید برای عموم مردم عالی و جذاب بوده است؟ قطعاً پاسخ منفی است؛ چراکه اگر جذاب بود، امروز شاهد دغدغه مردم برای دلار و طلا نبودیم. پس تولید ما ضعیف ماند و هنوز هم مانده که مسائل معیشتی و رفاهی نیز تحت تأثیر همین ضعف، حل نشده باقی مانده و دیگر شاید مُسکن‌های موقت هم به آن جواب ندهد.

ثروت‌های طبیعی کشور، یکی از منابع قدرتمندشدن اقتصاد ایران هستند که باید به شکل جدی، بازنگری اساسی در حکمرانی آن برای کشور نمود. اساساً این ثروت‌های طبیعی چگونه می‌توانند توسط آحاد مردم مدیریت، نگهداری و مورد بهره‌برداری و مراقبت قرار بگیرند؟ این امر، سازوکار می‌خواهد؛ قانون درست و مصوبه می‌طلبد و در نهایت مجوزی محکم برای اجرایی عادلانه. این همه جنگل و فضای سبز در شمال کشور وجود دارد که با مشارکت آحاد مردم و اندیشه‌های جدید، می‌تواند منبعی پر از ثروت برای جلب جهانگردان و یکایک هم‌وطنان باشد؛ به نحوی که بیش از آنکه شاهد انباشت زباله و فاضلاب از گوشه و کنار این خطه سبز ایران باشیم، شاهد رشد و توسعه پایدار این مناطق خواهیم بود.

صدالبته ارکان کشور در لایه‌های مختلف هم باید با هم تعامل کنند. این تعامل، نیازمند نگاهی تخصصی و کارشناسی (و نه سیاسی‌کاری و منفعت‌طلبی) است تا بتواند از مشکلات گره‌گشایی کند. امروز اولویت با مسائل اقتصادی است؛ پس این امر باید استراتژی همه دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها و استانداری‌ها و سازمان‌ها و ادارات باشد. باید مدیران در سطوح مختلف، این استراتژی را در مجموعه‌های زیرمجموعه، نهادینه کنند و برای آن قوانین جدید وضع کنند و به سرعت وارد فاز اجرایی شوند. پس شاید نیاز باشد سیستم‌هایی جدید در سازمان‌ها و ادارات و حتی وزارتخانه‌ها به وجود بیاید و کارشناسانی متخصص و حتی ایده‌پرداز، به عنوان مشاور و تحلیلگر وارد میدان شده و به متولیان و مسئولین امر به شکل حرفه‌ای کمک نمایند.

سخن پایانی اینکه: اگر متولیان امر امنیت روانی مردم و لزوم مراقبت و بهبود آن را جدی بگیرند، بسیاری از چالش‌های موجود حل خواهد شد. ما نیازمند ایجاد گفت‌وگوهای صریح، شفاف و سازنده در لایه‌های مختلف جامعه، سازمان‌ها و ارگان‌ها و جلسات ریز و درشتی هستیم که هر روز در حال برگزاری است. تعاملات و ارتباطات پرشماری که در سطوح مختلف جامعه و کشور اتفاق می‌افتد، نیازمند گفت‌وگوهایی سالم و بدون پیش‌داوری و غرض‌ورزی حول یک محور است: قوی شدن کشور و امنیت روانی جامعه.

فرصت امروز
روزنامه مدیریتی-اقتصادی
یکشنبه | ۱۴ بهمن ۱۴۰۳ | شماره ۲۶۳۵ | صفحه ۸
صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی فرصت سازان امروز
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا قدیمی
چاپ: صمیم
دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر، خیابان زرتشت غربی، روبروی بیمارستان مهر
پلاک ۴۵، طبقه سوم شرقی
دفتر مرکزی: ۸۸۹۹۱۹۲۷
آیین نامه اخلاق حرفه ای روزنامه: WWW.FORSATNET.IR/REGULATIONS
WWW.FORSATNET.IR
INFO@FORSATNET.IR